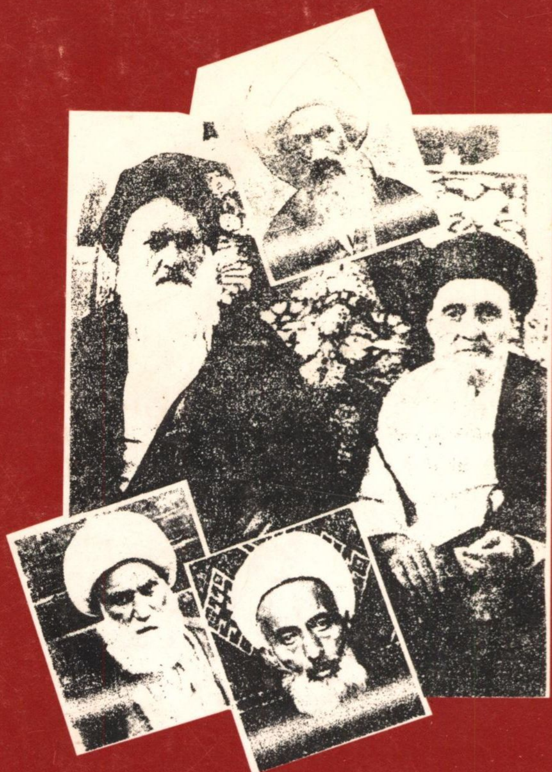


# جهادیه

## فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول

به کوشش محمدحسن کاووسی عراقی و نصرالله صالحی

اداره انتشار اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

**فهرستنویسی پیش از انتشار**

**کاووسی عراقی، محمدحسن، ۱۳۱۹- گردآورنده**
جهادیه: فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول/ اداره انتشار اسناد [وزارت امور خارجه ]؛ به کوشش محمد حسن کاووسی عراقی، نصرالله صالحی .ـ تهران : وزارت امور خارجه ، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۵.
۱۶۸ ص.: مصور، عکس .ـ (اسناد؛ ۳۸)
بها: ۴۲۰۰ ریال ISBN 964- 6056- 22- 9
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرستنویسی پیش از انتشار)
ص.ع. به انگلیسی: Mohammad hassan Kavousi Araghi and Nasrollah Salehi. Jihadieh: the holy war fatwas of the grand ulama and mujtaheds in the world war I.
کتابنامه به صورت زیر نویس.
۱. جهاد ـ فتواها .۲. جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴ـ ۱۹۱۸ ـ ایران ـ فتواها .۳. فتواهای شیعه ـ ـ قرن ۱۳ ق. ۴. ایران ـ تاریخ ـ قاجاریان، ۱۱۹۳ ـ ۱۳۴۴ ق. ـ فتواها. الف. صالحی، نصرالله .ب. ایران. وزارت امور خارجه . دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی . اداره انتشار اسناد. ج. ایران . وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات .
د. عنوان. هـ عنوان: فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول.
BP ۱۹۶ /۱/ ۹ج ۲ک ۲۹۷/۳۷۷
کتابخانه ملی ایران ۵ـ ۷۶م

این کتاب با استفاده از تسهیلات حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی منتشر شده است.

## جهادّیه

«فتاوی جهادّیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول»

اداره انتشار اسناد
به کوشش: محمدحسن کاووسی عراقی و نصرالله صالحی
چاپ اول: ۱۳۷۵
تعداد: ۱۰۰۰ جلد
حروفچینی و صفحه‌آرایی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

**مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه**

**مجتمع بزرگ کتاب** : تهران، خیابان آیت اله طالقانی بعد از تقاطع بهار، شمارهٔ ۵۱۷ صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۳۵۳ تلفن: ۷۵۰۶۱۰۰، فاکس: ۷۵۰۶۰۴۴
**دفتر مرکزی و فروشگاه شماره ۲**: تهران، خیابان شهیدباهنر،خیابان شهیدآقایی، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۷۴۶ ، تلفن: ۲۰ ـ ۲۵۷۷۰۱۹، فاکس: ۲۵۷۱۰۱۹
**فروشگاه شماره ۳ و فروشگاه شمارهٔ ۵ (شعبه فروش کتابهای خارجی)**: انتهای خیابان شهیدباهنر، میدان شهیدباهنر،تلفن: ۷۱ـ۲۲۹۲۲۷۰
**فروشگاه شماره ۴**: خیابان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، تلفن: ۶۴۱۸۹۳۵
**فروشگاه شماره ۶ نمایندگی آذربایجان شرقی**: تبریز، خیابان‌طالقانی، جنب مصلی، تلفن: ۶۷۳۷۷
**فروشگاه شماره ۷**: خیابان امام خمینی، ساختمان شمارهٔ ۲ وزارت امور خارجه
**فروشگاه شماره ۸ نمایندگی اصفهان**: اصفهان، روبروی هتل عباسی، مجتمع فرهنگی تجاری عباسی

# فهرست مطالب

# پیشگفتار

به یُمن پیروزی انقلاب اسلامی، در عرصه تحقیقات تاریخی دگرگونی‌های بسیاری حاصل شده است. بعد از استقرار جمهوری اسلامی در ایران،مورخان و محققان در تحقیقات خود به نقش اساسی و کارساز دین و علما در مسائل سیاسی ـ اجتماعی توجه خاص نشان داده‌اند. راقم این سطور در اثری تحت عنوان «مقدمه فکری نهضت مشروطیت» پاره‌ای اشارات گذرا به نقش مهم و اساسی علما در حرکتهای سیاسی ـ اجتماعی ایران عصر قاجار داشته است. باز هم تأکید بر آن است که «رهبری تمام قیامها و استقامت‌ها را علما و بزرگان اسلامی به عهده» داشته‌اند. صدور فتوای جهاد در جنگ‌های ایران و روس، فتوای تحریم تنباکو، رهبری نهضت مشروطیت، و فتواهای متعدد در مبارزه با استبداد صغیر و نیز فتاوی جهادّیه در جنگ جهانی اول، تنها نمونه‌هایی از نقش و تأثیرگذاری علما در مسائل سیاسی ـ اجتماعی ایران است.

کتاب حاضر با عنوان «جهادّیه» که مجموعه‌ای از فتاوی جهادّیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول می‌باشد، تلاش ارزنده‌ای است در هر چه بیشتر روشن‌نمودن نقش علما در حوادث و تحولات مهم تاریخی این مرزوبوم. اسناد این کتاب در حقیقت گواه صادقی است بر بیگانه‌ستیزی و مجاهدت خستگی‌ناپذیر علما در تحقق اهداف اسلامی.

در پایان لازم می‌دانم از تلاش و زحمات صادقانهٔ جناب آقای «عباس ملکی» معاون آموزشی و پژوهشی و آقای «محمدحسن کاووسی عراقی» سرپرست اداره انتشار اسناد و آقای «نصراللّه صالحی» کارشناس اداره مزبور به مناسبت تهیه این اثر قدردانی نمایم.

**علی اکبر ولایتی**

**وزیر امورخارجه**

**و رئیس شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد**

# مقدمه

از اوائل سده سیزدهم یعنی با تشکیل سلسله قاجاریه در ایران؛ روابط دین و دولت ماهیتاً شکل تازه‌ای به خود گرفت. تقریباً همزمان با تأسیس این سلسله، در برخی شهرهای ایران و به ویژه در عتبات (کربلا، کاظمین، نجف، سامره) علمای بزرگی ظهور کردند. پادشاهان قاجار به ویژه فتحعلی شاه که در اوائل سده سیزده بیش از سه دهه سلطنت نمود،.با درک مقام و منزلت علما احترام و امتیاز خاصی برای آنها قائل بود. علما نیز ضمن نفوذ و احترامی که در نزد دولت و دولتمردان داشتند، در نزد عموم مردم نیز از محبوبیت و مقبولیت خاصی برخوردار بودند. همسویی علما با مردم در مخالفت با اعمال سوء و ظالمانه عمال دولتی، هر چه بیشتر بر یگانگی و همنوایی آنان می‌افزود. اصولاً اعتراضات و مخالفتهایی که مردم و علما در سراسر سده سیزده نسبت به دولت و یا حتی نسبت به تجاوزات اجانب از خود بروز می‌دادند یکسره متأثر از روح دینی و مذهبی آنان بود. و کمتر ناشی از احساسات ملی آنان بود[۱] . به جهت فقدان احساسات ملی و یا شاید مهمتر از آن به جهت وجود احساسات شدید مذهبی و پایبندی سخت مردم به دین و آرمانهای دینی رفته رفته این امکان پدید آمد که علما هم به عنوان پیشوایان مذهبی و هم به عنوان پیشوایان ملی در نزد مردم به حساب آیند و در جهت حفظ مصالح و منافع عموم مردم عمل کنند، و عملاً در مقابل هرگونه تعدی و تجاوز به حقوق مردم از سوی هر طبقه و گروه اعم از دولتیان و غیره ایستادگی نمایند. نمونه‌های بسیاری از چنین

نقش و عملکرد از سوی علما در دوره قاجار روایت شده است. از جمله در پاسخ به درخواست مردم فارس که از اخاذی‌های نبی خان والی فارس در ازدیاد روزافزون قیمت نان به ستوه آمده بودند؛ شیخ الاسلام وقت فتوی به کشتن میرزا هادی یکی از عمال عمده نبی خان و میرزا باقر خباز باشی رئیس صنف خباز داد [۲].

مؤلف اثر ارزشمند قصص‌العلما که خود از علمای نیمه دوم قرن سیزدهم بوده در خود از قدرت و اقتدار علما و نیز مداخلات آنان در مسائل سیاسی - ـهت حفظ مصالح و منافع مردم در مقابل تعدیات عمال دولتی، مکرر یاد کرده است. از جمله اخراج حاکم ستمگر کاشان توسط ملا احمد نراقی، و نیز اخراج حاکم بیدادگر یزد از سوی آخوند ملاحسین یزدی [۳]. هر دو عالم به خاطر ارتکاب این عمل از سوی فتحعلی شاه احضار شدند و شاه رفتار آنان را سخت مورد سوال قرار داد اما در اثر صلابت و ایستادگی هر دوی آنان شاه به رای و عمل آنان تسلیم شد، و از ارتکاب هر اقدامی علیه آنان پرهیز جست. این نخستین و یا آخرین باری نبود که شاه در مقابل علما اظهار انقیاد و تمکین می‌نمود. معروف است که فتحعلی شاه بنا به تقاضای میرزا مهدی مجتهد دست از محاصره مشهد کشید. و نیز بنا به شفاعت میرزا ابوالقاسم گیلانی و میرزا سلیمان طباطبایی دو هر حاکم شورشی یزد و کاشان را مورد عفو قرارداد. همچنین به درخواست شیخ جعفر نجفی فرمانده سپاه ایران - محمد علی میرزا - در سال ۱۸۰۴/۱۲۱۹ از پیشروی به سوی بغداد باز ایستاد و حتی اسرای ترک و عرب را آزاد کرد.

چنان که اشاره شد در دوره فتحعلی شاه علما از قدرت و نفوذ فوق‌العاده برخوردار شدند، برای مثال در اصفهان سه مجتهد معروف - ملاعلی نوری، حاج محمد ابراهیم کلباسی و حجةالاسلام سید محمد باقر شفتی از قدرت بلامنازعی برخوردار بودند [۴]. در شهرهای دیگر ایران و نیز در عتبات قدرت و نفوذ علما در سراسر دوران قاجار بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت، در پرتو این اقتدار، علما در بیشتر مسائل سیاسی و

اجتماعی، جامعه شرکت فعال جستند. اما این مشارکت تا شروع دوره اول جنگ‌های ایران و روس چندان فراگیر نبود و بعضاً به مذاق دولتمردان خوش نمی‌آمد. اما با شروع جنگهای مزبور و تحمیل شکستهای اولیه به ایران، شاه و ولیعهد او؛ عباس میرزا و همچنین قائم مقام اول، میرزا عیسی فراهانی ـ میرزا بزرگ ـ و قائم مقام دوم ـ میرزا ابوالقاسم فراهانی، به فکر استمداد جستن از نیروی معنوی و نفوذ فوق‌العاده علما بر مردم افتادند، تا بلکه با صدور فتاوی جهاد از سوی علما سرنوشت جنگ تغییر یابد، لذا فتحعلی شاه طی فرمانی؛ از میرزا بزرگ قائم مقام خواست تا از علمای شیعه و حجج اسلام فتواهایی مبنی بر لزوم جهاد علیه دشمنان اسلام[5] بگیرد و همه مردم را دعوت به جنگ نمایند.

به روایت مآثرالسلطانیه نایب‌السلطنه و میرزا بزرگ قائم مقام، حاجی ملا باقر سلماسی و مولانا صدرالدین محمد تبریزی را برای استفتاء از شیخ جعفر نجفی و دیگر علمای اصفهان به آن دیار اعزام داشتند و نیز میرزا ابوالقاسم جاپلقی و آقا سید علی مجتهد را جهت استفتاء از علمای عتبات، به عراق عرب فرستادند. و نیز «مکاتبات و مراسلات درین خصوص به تفتیش آیات و نصوص به علمای اصفهان و یزد و کاشان، مانند مرحوم حاجی محمد حسین امام جمعه اصفهان و ملا علی اکبر ایجی و آخوند ملااحمد [نراقی] کاشی نگاشتند. و در اندک مدت رسایل عدیده از اطراف و جوانب در رسید ... و رساله‌ها در اثبات جهاد و غزا و فتاوی در ملت بیضا، که امروز شاهنشاه و نایب‌السلطنه براستی غازی راه دین و محیی ملت سیدالمرسلینست پرداخته و در رساله شیخ جعفر و آقا سید علی، که رأس و رئیس مجتهدین بودند، صراحتاً تعیین نیابت امام و وکالت فقهای ذوی‌العز و الاحترام درین مقام نگاشته به دلایل واضحه و براهین ساطعه تصریح نموده که: امروز محاربات با جماعت روسیه جهادست ... و بر صغیر و کبیر و وضیع و شریف ممالک محروسه واجب که: به عزم جهاد و برای تقویت دین و اعلای

کلمه حق و حفظ بیضه‌اسلام به واجبی تهیه حرب سازند[۶].» بدین ترتیب در پاسخ مثبت به درخواست فتحعلی شاه بسیاری از علما و مراجع تقلید، از جمله میرزای قمی، شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء و سید محمد معروف به مجاهد، رساله‌هایی در وجوب جهاد ایرانیان تحت رهبری شاه بر ضد روسها به نگارش درآوردند[۷]. میرزا بزرگ قائم مقام بعداً مجموع رساله‌ها و فتاوی جهادّیه علما را جمع آوری کرد و آن را رساله «جهادّیه» نام گذاشت، این اقدام احتمالاً به این خاطر صورت گرفت که فتاوی جهادّیه به صورت یکجا در اقصی نقاط ایران جهت اطلاع عموم مردم در اختیار آنان قرار گیرد. میرزا بزرگ قائم مقام در دیباچه رساله جهادّیه می‌نویسد: «... و بعداقلّ الخلایق عیسی بن الحسن الحسینی بر لوح اعلام و اظهار مرقوم و محرّر می‌دارد که چون رسم جهاد از عهد غیبت امام علیه‌السّلام تاکنون که نوبت ظهور این دولت همایون است در ممالک ایران صانهاالله عن‌الحدثان مهمل و متروک مانده بود و بدین سبب هیچ یک از علمای راشدین و فقهای متقدمین درین باب کتابی علی حده ننوشته بودند و ملتزم بسطی نگشته لهذا در مجاری این عهد که فتنه قوم روس در ملک محروس پدید آمد و معشر اسلام را دیگر بار کار به استعمال سیف جهاد افتاد علمای معاصرین کثرالله امثالهم مزید تفصیل و توضیحی درین امر لازم دیده هر یک کتابی جداگانه در قلم آورند و صحایف شرایع به طرایف بدایع مشحون کرده، ارشاد عباد به احکام جهاد نمودند ... لاجرم به شکر این نعمت بر ذّمت همت قاصر واجب آمد که با عدم بضاعت مختصری نافع که در باب جهاد جامع و مانع تواند بود، و اقوال عالمان عامل را بروجه ایجاز و تلخیص شامل تواند شد مرقوم دارد پس به عون عنایت الهی نگارش این مختصر را وجهۀ عزم ساخت[۸].»

میرزا بزرگ در ادامه دیباچه خود به تقسیم و تعریف اقسام جهاد پرداخته است.

در اینجا بیان او عیناً نقل می‌شود بیشتر بدان جهت که در همه فتاوی جهادّیه؛ علما، مقصود و مراد از جهاد را «حفظ بیضه اسلام» دانسته‌اند، و این مسأله به خوبی در

بیان میرزا بزرگ شرح شده است، او می‌نویسد:

«جهاد بر دو قسم است یکی دعوتی که عبارت است از توجه مسلمین به بلاد کفار برای دعوت آنها به اسلام به اذن نبی صلی‌اللّه علیه و آله یا امام علیه السلام یا نایب خاص ایشان، دیگری دفاعی و آن بر چند قسم است. یکی از آن جهادی است برای حفظ بیضهٔ اسلام هنگام هجوم کفار به قصد تسخیر بلاد اسلام و تسلط بر مسلمین و اعلان شعایر کفر و اضمحلال کلمهٔ اسلام، دیگر جهادی است برای دفع کفار از تسلط بر نفس و عرض مسلمین. دیگر جهادی است برای دفع جماعتی از کفار که تلاقی کرده‌اند با جمعی از مسلمین و خوف باشد از استیلای آن جماعت بر ایشان. دیگر جهادی است برای اخراج کفار از بلاد و اراضی مسلمین پس از تسلط آنها بر آن و اصلاح بیضهٔ اسلام پس از رخنهٔ آن؛ و بیضهٔ اسلام را فقها به اصل و مجتمع آن تفسیر کرده‌اند و می‌توان گفت که اصل و مجتمع اسلام سلطان اسلام و بزرگیست که زوال او منشاء انقراض اسلام و تفرق مسلمین شود و مراد از خوف بر بیضهٔ اسلام اندیشه استیصال و انقطاع آن است بالمره و صاحب مجمع البحرین بیضهٔ اسلام را جماعت اسلام گرفته و بنابر این مراد از خوف بر بیضهٔ اسلام خوف بر جماعت مسلمین است و همه اقسام مذکوره چه دعوتی چه دفاعی جهاد است به عنوان حقیقت و جهاد از اعظم ارکان اسلام است.[۹]»

نویسنده در ادامه گفتار خود به رجحان و مزیت جهاد بر سایر فرایض دینی پرداخته و با اشاره به احادیث و آیات متعدد بر تقدس و وجوب جهاد تأکید کرده است. و در جایی به ترجمه فتوای سیدالمجتهدین آقا سید علی که به زبان عربی بوده پرداخته است. در قسمتهایی از فتوای مزبور آمده است: «بر هر مکلف بالغ عاقل، به شرط امکان و قدرت، لازم است که حفظ بیضهٔ اسلام از تسلط کفار لئام کند تا آن گروه برمسلمین غالب نشوند ... پس بر جمیع مردم که قدرت دارند واجب است که اطاعت فرمان ایشان [عباس میرزا] کنند و در جیش ایشان حاضر و بر جهاد مشغول شوند ...[۱۰]» چنانکه پیداست

جنگ با «روس منحوس» به تعبیر علما جهاد برای «حفظ بیضه اسلام» بود. اصولاً همه علمایی که برای جهاد با «کفره روس» فتوا دادند. در این نکته متفق‌القول بودند که جنگ با «طایفه ضلالت سریرت» روس به منزله «جهاد فی سبیل‌اللّه» است.

بدین ترتیب چنانکه اشاره گردید در واقع «این نخستین بار بود که دولت شیعه ایران در شرایط، موقع و موضعی قرار می‌گرفت که آگاهی بر مسائل و ویژگیهای درگیری همگانی در یک جهاد اسلامی امری حتمی می‌نمود، و از همین روی، در خلال جنگ با روسیان، فرهنگ ایران آغاز سده ۱۹ از گونه‌ای از ادبیات و آثار اسلامی برخوردار شد که می‌توان آن را «ادب جهادی» نام گذارد[۱۱].»

فتاوی جهادّیه هر چند با تشدید شور و احساسات دینی موجب انگیزش بیشتر مردم در دفاع از ایران گردید و نیز موجب حضور فعال‌تر علما در مسایل سیاسی و اجتماعی شد؛ ولی با این حال به دلیل فقدان توازن در دو سوی صحنه نبرد، نهایتاً ایران مغلوب میدان جنگ شد. بعد از سیزده سال جنگهای دوره دوم در سال ۱۲۴۱ میان دو کشور آغاز شد. دوره دوم جنگهای ایران و روس را از لحاظ حضور و گسترش دامنه فعالیتهای سیاسی ـ و حتی نظامی علما و نیز صدور فتاوی جهادّیه؛ می‌توان در دوره قاجاریه به عنوان نقطه عطف به حساب آورد. زیرا، نه تنها علمای بیشتری به صدور فتوای جهاد پرداختند بلکه عده‌ای از آنان عتبات و شهرهای مقدس مذهبی ایران را جهت شرکت در جهاد ترک گفتند و خود مستقیماً در لشگرگاه سپاه در آذربایجان حضور یافتند. و به جبهه نبرد شتافتند. در این خصوص، مؤلف ناسخ التواریخ در ذیل وقایع ۱۲۴۱ می‌نویسد:

آقا سید محمد اصفهانی ساکن عتبات عالیات بود چون مکنون خاطر پادشاه را اصغا فرمود بیتوانی از عتبات کوچ داده راه دارالخلافه برگرفت و در عشر آخر شوال‌المکرم وارد تهران شد و به هر یک از علمای ایران مکتوبی نگار داد که به حضرت

شهریار گرد آیند و مردم را از بهر جهاد تحریض کنند[۱۲]. سپهر در جای دیگر در خصوص حضور مستقیم علما در جبهه نبرد می‌نویسد: «روز جمعه هفدهم ذیقعده جناب آقا سید محمد و حاجی ملامحمد جعفر استرآبادی و آقا سید نصرالله استرآبادی و حاجی سید محمد تقی قزوینی و سید عزیزالله طالش و دیگر علما و فضلا وارد لشکرگاه گشتند و شاهزادگان و امراء ایشان را پذیره کردند و روز شنبه هجدهم جناب حاجی ملا احمد نراقی کاشانی که از تمامت علمای اثنی عشریه فضیلتش بر زیادت بود به اتفاق حاجی ملا عبدالوهاب قزوینی و جماعتی دیگر از علماء و حاجی ملا محمد پسر حاجی ملااحمد که او نیز قدوهٔ مجتهدین بود از راه برسید ... و این جمله مجتهدین که انجمن بودند به اتفاق فتوی راندند که هر کس از جهاد با روسیان باز نشیند از اطاعت یزدان سربرتافته متابعت شیطان کرده باشد[۱۳].»

صدور فتاوی متعدد از سوی علما و حضور چشمگیر آنان در صحنه‌های نبرد؛ پیروزیهای فراوانی برای سپاهیان ایران در سالهای نخست جنگ فراهم ساخت. یکی از مورخین معاصر نقش مثبت علما در حصول پیروزی برای ایران را این گونه مورد قضاوت قرار داده است: «... سپاه ایران، که احساسات دینی آنان را علمای مذهب تهییج کرده بودند، رشیدانه مقاومت کردند و حتی در فاصله سالهای ۱۲۴۱ و ۱۲۴۲ هجری، بیشتر نواحی را که در جنگهای دوره اول از دست رفته بود اشغال کردند و سرانجام یرمولف بر اثر عدم کامیابی در جنگ از طرف تسار روس احضار شد و سردار دیگری بنام پاسکیویچ که در جبهه مشرق اروپا و در جنگهای عثمانی آزموده شده بود، به فرماندهی سپاه قفقازیه منصوب گردید[۱۴].» با تغییر در سطح فرماندهی عالی روسیه و با استمرار ضعفهای فرماندهی و دیگر شئون نظامی ایران، متأسفانه پیروزیهای دو سال نخست جنگ تداوم نیافت و نهایتاً جنگهای دوره دوم نیز به نفع روسها خاتمه یافت، شکست مزبور هر چند بر ناتوانی نظامی ایران صحه گذاشت اما حضور فعال علما در روند جنگ ثابت کرد که

آنها قادرند با برانگیختن احساسات مذهبی به اعمال نوعی رهبری پنهانی ملت در مقابل بیگانگان و حتی قدرت دولت نایل آیند. و لذا نفوذ بیگانه که بعد از شکستهای ایران، روز افزون رو به تزاید بود «به نقش علما در رهبری ملت علیه دولت بُعد تازه[ای] بخشید.[۱۵]»

از بعد از اتمام جنگهای دوره دوم ایران و روس تا پایان سلطنت فتحعلی شاه مهمترین واقعه‌ای که مجدداً علما را به مداخله واداشت و صدور فتوا از سوی یکی از علما را ضروری ساخت. ماجرای گریبایدوف بود. در این جا نیازی به بازگویی ماوقع ماجرا نیست بنابر این تنها بر این نکته تأکید می‌شود که درباریان و حتی خود شاه در برابر اعمال و رفتارهای گستاخانه گریبایدوف مشی مسالمت آمیز و توأم با تسلیم در پیش گرفته بودند از این جهت زمانی که او با گستاخی در صدد به کرسی نشاندن رای خود بود، بار دیگر علما به مداخله برخاستند. در رأس آنان حاجی میرزا مسیح مجتهد، شاگرد میرزا ابوالقاسم قمی قرارداشت که طی فتوایی مردم را به جهاد علیه سفیر روس و بستگان و مأمورین وی دعوت کرد. ماجرا با قتل گریبایدوف و مأموران همراه او پایان یافت[۱۶]. و این حادثه بار دیگر قدرت علما در تهییج شور و احساسات دینی مردم و تأثیر گذاری آنان بر حوادث مهم سیاسی در دوره فتحعلی شاه را به خوبی نشان داد.

در دوره کوتاه محمد شاه (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق) هر چند دو مرید و مراد (محمد شاه و حاجی میرزا آقاسی) بنا به حالات و روحیات و عقاید و افکار خرافی که داشتند تلاش بسیاری کردند تا با میدان دادن به صوفیان و تقویت آنان از قدرت و اقتدار علما بکاهند اما نه تنها نفوذ و اقتدار علما کاسته نشد بلکه اقتدار پیشین تداوم یافت، هر چند نوع حوادث و به ویژه محدودیت زمانی مجال چندانی برای مداخلات فراگیر در عرصه سیاسی فراهم نساخت. با این حال نباید از اقدامات برخی علما که مغایر میل حکومت و موافق خواست مردم بود غفلت کرد. به گفته اعتمادالسلطنه علمای اصفهان که در رأس آنان حجةالاسلام شفتی[۱۷] قرار داشت. در سال ۱۲۵۳ یک شورش مردمی علیه خسروخان

حاکم اصفهان برپا کردند و او را در عمارت هفت دست محصور کردند[۱۸]. نظیر همین اقدام را سید محمد باقرقزوینی مجتهد که بعد از بازگشت از عتبات مدتی را در اصفهان نزد شفتی اقامت جسته بود و به گفته مؤلف قصص‌العلما شدیداً تحت تأثیر افکار وی قرار گرفته بود بعد از ورود به قزوین اهالی شهر را برانگیخت تا حاکم ستمگر را از شهر بیرون کنند. محمد شاه به جرم این کار او را به نجف تبعید کرد. شیخ مرتضی انصاری محمد شاه را وا داشت تا به او اجازه بازگشت دهد، اما بار دیگر وی در مداخله در امور عمومی پافشاری کرد[۱۹]. بنابر این در دوره محمد شاه نیز علیرغم میل شاه و صدراعظم، قدرت و نفوذ علما در امور عامه به هیچ رو تقلیل نیافت چنانکه شیل سفیر انگلیس بعد از واقعه حمله نجیب پاشا به کربلا (۱۲۵۸ ق) و قتل عام مردم شیعه آن شهر در خصوص قدرت علما در ایجاد بسیج عمومی مردم نوشت: «به نظر من این حکومت می‌تواند به پایمردی روحانیان با اعلان جنگ مذهبی علیه ترکیه [عثمانی] هیجان عمومی را در سراسر کشور برانگیزد[۲۰].»

بعد از مرگ محمد شاه و در دوران سلطنت طولانی جانشین او یعنی ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق) با افزایش هر چه بیشتر نفوذ قدرتهای بیگانه و نیز با وابسته‌تر شدن هر چه بیشتر حکومت به بیگانگان، علما از خود هوشیاری بیشتری نشان دادند. واکنش‌ها و اقدامات علما در دوران پنجاه ساله ناصری به موقع و سرسختانه بود. و غایت آن استقلال ایران، و حفظ حیثیت ملی و دینی مردم این سرزمین بود. از جمله، برخورد با قرارنامه رویتر از سوی حاج ملاعلی کنی، برخورد با قرارداد رژی که منجر به صدور فتوی معروف تحریم تنباکو از سوی آیت‌الله میرزا حسن شیرازی شد، برخورد با جریان بابیگری و حوادث بسیار دیگری که نیازی به بیان آنها نیست به خوبی نشان داد که «هیچ رویداد بزرگی در دوران حکومت ناصرالدین شاه از تهدید علما به مداخله واقعی آنان خالی» نبوده است[۲۱]. بنابر این می‌بینیم که در دوران حکومت ناصرالدین شاه همه چیز در

جهت افزایش اهمیت علما به منزله پیشوایان ملت علیه دولت است[۲۲].

از بعد از دوران ناصرالدین شاه به ویژه از سالهای اولیه نهضت مشروطیت تکاپوهای علما در ایران و عتبات به شکل فزاینده‌ای گسترش یافت. چنانکه غالب مورخین در این رای متفق‌القولند که روحانیت اساسی ترین نقش را در شکل گیری و تحقق انقلاب مشروطه برعهده داشته است.

مسلماً مجاهدتهای آیت‌اللّه سید محمد طباطبایی و آیت‌اللّه سید عبداللّه بهبهانی و بسیاری از علمای دیگر و نیز مساعدتها و همنوایی‌های مراجع بزرگوار عتبات موجب استقرار نظام مشروطه در ایران شد. بعد از به توپ بسته شدن مجلس و شکست مشروطه خواهان باز هم نقش اصلی را در اعاده نظام مشروطه علما و مراجع بزرگوار بر عهده داشتند. در این زمینه «فتوای» معروف دو مرجع بزرگوار یعنی آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی ضربه نهایی را بر پیکره نظام استبدادی محمد علی شاه وارد آورد. به گفته کسروی «علمای نجف در هواداری از مشروطه پافشارده «فتوا» فرستاده و آشکارا نوشتند: همراهی با مخالفین مشروطه و اطاعت حکمشان در تعرض به مجلس خواهان به منزله اطاعت یزیدبن معاویه است.» و این را با تلگرافهای پیاپی به همه جا رسانیدند. به عقیده کسروی اگر فتاوی علما نبود اعاده مشروطه ناممکن بود. قضاوت صریح او در خصوص نقش علما و مراجع در پیروزی مجدد مشروطه چنین است:

**«اگر این «فتوا»های علمای نجف نبودی کمتر کسی بیاری مشروطه پرداختی، همان مجاهدان تبریز بیشترشان پیروی از دین می‌داشتند، و دستاویز ایشان در آن کوشش و جانفشانی.این «فتوا»های علمای نجف می‌بود. همان ستارخان بارها این را به زبان می‌آورد که من «حکم علمای نجف را اجرا می‌کنم» همچنین بازرگانان توانگر که پول**

**بنام «اعانه» به تبریز می‌فرستادند بیشترشان پیروی از «فتوا»های علما می‌کردند[۲۴].»**

دیدگاه کسروی دراین خصوص نه تنها مورد اتفاق غالب محققین ایرانی تاریخ مشروطیت است بلکه محققان غیر ایرانی نیز همسو با این نظراند، چنانکه یکی از محققین اهل عراق که در خصوص نقش علمای عتبات در انقلاب ۱۹۲۰م عراق اثر ارزشمندی تألیف کرده است، اعاده نظام مشروطه ذر دو کشور ایران و ترکیه را مورد مقایسه قرار داده و نوشته است: «لئن اعیدالدستورالعثمانی بفضل جمعیةالاتحاد و الترقی و سیف نیازی و انور ... فقداعیدالدستور الایرانی بفضل **جهاد العلماء** الحرار فی القلم لافی السیف ... رئیس العلما الاحرار فی جمیع الاقطار هو حجةالاسلام الشیخ محمد کاظم الخراسانی ... و من اعظم‌المساعدین له علی تأیید الدستور و نشر.الحریةالشیخ عبدالله المازندرانی ...[۲۵]» ایفای چنین نقش اساسی از سوی علما و مراجع در تحقق پیروزی نهضت مشروطه خواهی و نیز اعاده پیروزمندانه نظام مشروطه بعد از استبداد صغیر، موجب فراهم آمدن زمینه‌های لازم برای حضور مستمر و مؤثر علما در صحنه‌های سیاسی ـ اجتماعی جامعه ایران از دوران مشروطه به بعد شد. بدین ترتیب در یک جمع بندی می‌توان نقش و کارکرد سیاسی علما در نظام اجتماعی ایران از آغاز تا پایان سلسله قاجاریه را این گونه خلاصه کرد:

۱. دوران نخست سلسله قاجار (آقامحمد خان ـ فتحعلی شاه ـ محمد شاه) دوره «تکوین و شکل گیری» قدرت علما در جامعه است. هر چند مداخله علما در جنگهای ایران و روس نتایج مثبت قطعی در پی نداشت اما زمینه لازم را برای حضور فعالتر؛ در صحنه اجتماعی برای آنان فراهم ساخت.

۲. دوران پنجاه ساله ناصرالدین شاه، دوره «بسط و توسعه» و اعمال قدرت علما

است. در این دوره مداخله علما و مراجع در امور سیاسی به عکس دوره قبل با کامیابی و موفقیت قطعی و تام و تمام مواجه بوده است.

۳. از دوره مظفرالدین شاه به بعد بویژه دوره مشروطه و حوادث بعد از آن، دوران «شکوفایی و ثمردهی» بی چون و چرای قدرت و نفوذ علما و مراجع در مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه ایران است.

در این مختصر تلاش شد تا سیری کلی و فشرده از نقش سیاسی ـ اجتماعی علما از آغاز سلسله قاجاریه تا پایان دوران استبداد صغیر و اعاده مشروطه (۱۳۲۷ ق) ارائه گردد. تا از این طریق زمینه لازم برای بررسی اجمالی فعالیتها و اقدامات علماء و مراجع در امور سیاسی ـ اجتماعی از پایان استبداد صغیر تا کودتای رضاخان (۱۳۲۷ ق – / ۱۲۸۸ ش – / ۱۹۰۹ م –/ ۱۳۳۹–/ ۱۲۹۹–/۱۹۲۱) که یک مقطع تاریخی حساس و بسیار مهم به شمار می‌رود؛ فراهم آید. نقش علما و مراجع در دوران دوازده ساله مزبور؛ در پیوند با سه واقعه مهم زیر قابل بررسی است.

۱. مداخلات روسها در امور داخلی ایران و تجاوز قوای آن کشور به حومه تبریز در (۱۳۲۷ ق –/۱۲۸۸ ش –/۱۹۰۹ م) و تجاوز رسمی به بخشهای شمالی ایران متعاقب دو اولتیماتوم رسمی به دولت ایران در (۱۳۲۹–/۱۲۹۰–/۱۹۱۱) و ارتکاب فجایع و جنایات فراوان در شهرهای شمال؛ شمال غربی و شرقی ایران نظیر اعدام ثقة‌الاسلام تبریزی و عده‌ای دیگر از یاران او در تبریز و خونریزی در مشهد و به توپ بستن بارگاه امام رضا (ع) در آن شهر، و نیز حمایت از محمد علی شاه مخلوع و برادران او شعاع السلطنه و سالارالدوله در حملات مکرر به شهرهای ایران برای سرنگونی حکومت مشروطه. به مورد نخست باید مداخلات دولت انگلستان در امور ایران از جمله اعزام نخستین قسمت از قشون خود به جنوب این کشور در سال (۱۳۲۹–/۱۲۹۰–/۱۹۱۱) را نیز اضافه کرد.

۲. گسترش تجاوزات قبلی و اشغال رسمی خاک ایران و نقض بیطرفی این کشور از آغاز جنگ جهانی اول در (۱۳۳۲ ق -/۱۲۹۳ ش -/۱۹۱۴ م)

۳. شکست عثمانی در جنگ و اشغال و قیمومیت عراق از سوی انگلستان که منجر به شعله‌ور شدن آتش انقلاب ۱۹۲۰ م عراق شد[۲۶].

برای تعیین علل درگیری مستقیم علماء در حوادث و وقایع مذکور در فاصله زمانی مورد اشاره، و بیان علل صدور فتاوی جهادّیه متعدد از سوی علما و مراجع مقیم ایران و عتبات، تنها به بررسی دو مورد نخست که در ربط مستقیم با محتوای این اثر (جهادّیه) می‌باشد؛ می‌پردازیم.

## ۱. واکنش علما به تجاوزات روس و انگلیس به ایران

### الف) از ۱۳۲۷ ق تا ۱۳۲۹ ق

بعد از به توپ بستن مجلس و قلع و قمع مشروطه خواهان در تهران، محمد علی شاه و همدستان مستبدش در صدد برآمدند تا هرگونه مقاومت علیه نظام استبدادی او را در شهرهای دیگر با خشونت سرکوب کنند. از آن جا که مردم تبریز بعد از اطلاع از کودتای محمد علی شاه در تهران، علیه حکومت او یکپارچه قیام کرده بودند، به دستور شاه عین الدوله بی‌رحم در رأس لشکری در حدود شش هزار نفر عازم سرکوب قیام تبریز شد. شهر گشوده نشد اما به محاصره‌ای سخت و طاقت فرسا درآمد. چنانکه مردم دچار قحطی شدند. همین قحطی بهانه لازم را به دست دولت روسیه داد تا به اصطلاح برای «حفظ» اتباع خارجی و گشودن راه تبریز برای رساندن خواربار به آن سامان، نیروی نظامی خود را به حومه تبریز گسیل دارد[۲۷]. دولت انگلیس در این زمینه کاملاً همسو با دولت روسیه بود، چنانکه کنسول انگلیس طی نامه‌ای به تاریخ چهارم ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ هـ.ق به انجمن ایالتی آذربایجان نوشت: «... بنا به وعده‌ای که اعلیحضرت شهریاری ... در تهران

به سفرای دولت روس و انگلیس داده بودند، لازم بود راههای آذوقه مفتوح، و مجادله را موقوف دارند، ولی رؤسای دولتی ابداً اجازه حمل آذوقه به شهر نداده. و شرایط ترک مجادله را محترم و مقدس شمرده‌اند، بنابر این دولت انگلیس و روس بنا به ملاحظه شرایط انسانیت قرار دادند که راه جلفا برای حمل آذوقه به تبریز برای اهالی شهر، و اتباع خارجه بازشود ... به این ملاحظه قرار گذشته‌اند یک قوه کافی برای توفیق حاملین آذوقه، و تأمین راه از شر اشرار تعیین گردد، تا اینکه راه مفتوح شود ... و پس از اعاده آسایش و آسودگی و امنیت، این قوه بدون تأخیر و شرط، بدون این که در آتیه از اولیای دولت ایران ادعایی نماید خاک ایران را ترک و به روسیه مراجعت خواهد کرد ...[۲۸]» نامه مزبور سران مشروطه خواه و آزادیخواه تبریز را به سختی دچار اضطراب و نگرانی ساخت، لذا در انجمن به مشورت پرداختند و در نتیجه رئیس انجمن و اجلال الملک و حاجی آقا را نزد کنسول انگلیس فرستادند و تقاضا نمودند که به دولتهای متبوعه خود تلگراف کنند که از آهنگی که دارند بازگردند. و به خود مشروطه خواهان تبریز فرصت بدهند تا با محمد علیشاه کنار آمده راه آذوقه را باز کنند. این پیشنهاد و پیشنهادهای دیگر مورد قبول واقع نشد لذا در پنجم اردیبهشت ۱۲۸۸ ش / ۱۳۲۷ ق یک دسته نیروی روسی متشکل از ۱۲۴ قزاق و ۶۵ تفنگدار و ۲۴ مسلسل چی با دو مسلسل به پل آجی چای در تبریز رسیدند[۲۹]. ورود این عده به ظاهر ناچیز از قوای روسی به آذربایجان در واقع مقدمه‌ای بود برای تجاوزات علنی بعدی روسها به خاک ایران که در ماهها و سالهای بعد بطور فزاینده‌ای افزایش یافت. و این مغایر با وعده‌ای بود که کنسول انگلیس و روس در نامه خود به انجمن ایالتی آذربایجان داده بودند.

روسها از سال ۱۳۲۷ ق تا ۱۳۲۹ ق که به دولت ایران اولتیماتوم دادند، بتدریج بر قوای خود در شهرهای شمالی ایران افزودند و به بدرفتاری و دژ خویی با مردم ایران پرداختند. در این دو سال علمای ایران و مراجع مقیم عتبات برای تهییج و تشویق مردم به

مقابله با قوای متجاوز و نیز برای متقاعد کردن دولتمردان روسیه برای پایان دادن به تجاوزات خود در ایران و نیز بیرون بردن قوای خود از این کشور دست به یک سلسله فعالیتهای گسترده عمدتاً سیاسی زدند. از آنجا که در این مختصر امکان ذکر اسناد مبارزات و اقدامات علما و مراجع در این خصوص نیست، تنها به عناوین و رئوس مهمترین اسناد بسنده می‌شود.

۱. چند فقره تلگراف آیت‌الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آیت‌الله شیخ عبدالله مازندرانی به امپراتور روسیه در اعتراض به «مداخلات غیرقانونی و مزاحمات استقلال شکنانه و جری ساختن مفسدین و پناه دادن به یاغیان مملکت [که] برخلاف قوانین مسلمهٔ عالم و حقوق بین‌المللی» است[۳۰].

۲. شکایت نامه آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی به دولتهای فرانسه، انگلیس و آلمان. در بخشی از نوشته مزبور آمده بود: «... خاطر شریف را مستحضر می‌داریم که نظر به این وضع، عموم ملت ایران را برای محافظت وطن دعوت خواهیم نمود که تا آخرین قطره از خون خود را برای طرد دشمن دریغ نکنند، و برای دفاع از بیضه اسلام حکم جهاد خواهیم داد ...[۳۱]»

۳. تلگراف‌های متعدد، به علمای ایران، مجلس شورای ملی، وزارت امور خارجه و کنسول روس در بغداد[۳۲] از اقدامات علمای ایران در خصوص موضوع مزبور به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

۱. تلگرافهای متعدد علمای قم، کرمانشاه، اصفهان و تهران به هیئت دولت، رئیس الوزراء، مجلس شورای ملی، وزارت امور خارجه و علمای نجف در محکومیت تجاوز قوای روس به ایران و اعلان آمادگی برای دفاع از ایران[۳۳].

۲. اقدام ابتکاری علمای تهران در تحریم عید نوروز و تلگراف این موضوع به علمای سایر بلاد در بخشی از تلگراف مزبور آمده است: «با کثرت کدورت و ملالت که در

قلوب عامه ملت ایران از طول توقف قشون اجانب حاصل است، عموم طبقات، از علما و تجار و طبقات اصناف، در موقع عید ملی وظایف عید را ترک، و به تمام ملل حیه عالم این جشن ملی خود را مشهود می‌دارد ...»[۳۴]

۳. صدور حکم از سوی علمای خراسان در تحریم استعمال امتعه روس به تبعیت از مراجع نجف. حکم مزبور اینچنین است: «چون اجحافات و تجاوزات دولت روس که چون شعله آتش به خرمن اسلام افتاده از حد گذشته است و به واسطه سوق قشون خود به نقاط شمالی و شرقی و غربی ایران، امنیت این مملکت را [منهدم؟] و افکار عمومی را به نمایشات خارج از قانونی خود اشغال نموده و روح دیانت مسلمین را به فشارهای فوق‌العاده خودش معذب داشته. و بکلی جلو ترقی و تکامل و پیشرفت امور ملکی و ملی ما را سد کشیده است، و روز به روز هم بر تعداد قشون خود در داخله افزوده و می‌افزاید. علمای عظام و حجج اسلامیه نجف اشرف که از ارکان عالیه روحانیت ما بشمارند در جلو حرکات دول همجوار متعدی به خصوص دولت روس، اظهار نفرت فرموده و به ترک امتعه این دولت دستخطهای متواتره صادر فرموده‌اند. ما هیئت حاضره نیز نظر به تجاوزات دولت مزبوره عموماً و احکام حجج اسلامیه خصوصاً از امروز به ترک امتعه روس میان بسته و با تمام نفرت خودمان اجناس این دولت جابر را به نظر بی‌قابلیتی دیده و کلیه مال‌التجاره، از قند و چایی روس و سایر اقمشه و اشیا را برخود حرام دانسته و هر کس از ایرانیان که جنس روسی استعمال کند او را از کسوت روحانیت عاری شناخته و با او آمد و رفت را موقوف خواهیم کرد.[۳۵]»

**ب) واکنش علما به اولتیماتوم روس از ۱۳۲۹هـ. ق تا ۱۳۳۲هـ. ق**

یکی از اقدامات مهم و مفید مجلس دوم توجه جدی به اوضاع نابسامان مالی کشور و تلاش برای نظم و نظام بخشیدن به وضعیت مالی و اقتصادی بود. برای این

منظور دولت ایران با اجازه مجلس شورای ملی با دولت آمریکا قراردادی برای اعزام یک هیئت مستشاری مالی به ایران امضا کرد و طی آن قرارداد مورگان شوستر همراه هیئتی در جمادی الاول ۱۳۲۹ قمری به ایران آمده و زمام امور مالیه ایران را در دست گرفت. مجلس برای اصلاح هر چه بهتر و سریعتر امور مالی اختیارات زیادی به مورگان شوستر داده بود. از آن جا که دو دولت روس و انگلیس در اقدام مجلس در استخدام شوستر به نوعی ناراضی بودند، از همان ابتدا با اقدامات او به مخالفت برخواستند. بیش از همه روسها به اقدامات و فعالیتهای گسترده برای متوقف ساختن کار شوستر و اخراج او از ایران دست زدند؛ لذا ابتدا طی اولتیماتومی شفاهی (۱۰ ذیقعده ۱۳۲۹ق) و سپس در اولتیماتوم دوم خود (۷ ذیحجه ۱۳۲۹ ق) که کتباً به هیئت دولت ارسال داشتند، به طرح سه تقاضای غیرقانونی از دولت ایران پرداخته بودند[۳۶]. روسها که برای اشغال بخشهای شمالی ایران و تحکیم نفوذ نظامی خود در آن بخشها به دنبال بهانه می‌گشتند، به محض رد اولتیماتوم، بهانه لازمه را بدست آورده و با تصرف رشت، قوای خود را به سوی قزوین گسیل داشتند، همچنین در گیلان و آذربایجان بر تعداد قوای خود تا حد زیادی افزودند و متعاقباً به مشهد نیز نیروی نظامی اعزام داشتند. این بار قوای نظامی روسها در شهرهای مختلف، بسیار خشن‌تر و بی‌رحمانه‌تر از دو سال قبل با مردم رفتار کردند. از جمله اعدام ثقةالاسلام تبریزی و هفت نفر دیگر در تبریز و اسائه ادب به بارگاه امام هشتم (ع) در مشهد و ضرب و شتم و دستگیری و زندانی کردن عده‌ای از مردم که گمان می‌رفت مخالف روسها هستند.

در واکنش به تجاوزات مکرر روسها متعاقب اولتیماتوم؛ بار دیگر علما و مراجع ایران و عتبات به یک سلسله اقدامات گسترده سیاسی و سپس عملی برای اخراج روسها از ایران دست زدند. از اقدامات و فعالیتهای سیاسی آنان می‌توان به تلگرافها، پیامها و مکتوبات متعدد آنان به مخاطبین مختلف اشاره کرد. از جمله مهمترین موارد مذکور به

شرح زیر است:

۱. تلگرافهای متعدد به سران و رؤسای عشایر در ایجاد انسجام و کنار گذاشتن اختلاف و جنگ خانگی و بسیج قوا برای مقابله با بیگانگان مهاجم به قلمرو مملکت اسلامی.

۲. پیامهای مستقل هر یک از آیات و مراجع به ملت ایران و امت اسلامی در تشویق آنان به جنگ با متجاوزین.

۳. پیامهای مشترک و دسته جمعی آیات و مراجع به ملت ایران در تشویق آنان به ایجاد اتحاد و مقابله با دشمن.

۴. مکاتیب آیات و مراجع به علما و بزرگان مسلمین هندوستان برای ایجاد همبستگی و کمکهای معنوی به مسلمین ایران.

۵. تلگرافهای متعدد برای استفسار از اوضاع ایران و ارائه راه کارهای مقتضی به دولتمردان و مردم.

۶. تلگرافهای مستقل و مشترک آیات و مراجع به علمای تهران و دیگر شهرهای ایران و ارائه رهنمودهای مقتضی به آنان.

۷. مکاتیب مشترک آیات و مراجع به امراء و رؤسای خوانین جنوب در تشویق آنان به کنار گذاشتن نفاق و شقاق و دفاع یکپارچه از کیان مملکت اسلامی.

۸. تلگرافهای متعدد به هیئت وزراء، نایب‌السلطنه و وزارت امور خارجه در تشویق آنان به عدم سازش با تجاوزکاران.

۹. تلگراف برخی از آیات به سران ایلات و عشایر بویژه به افراد ایل بختیاری به منظور ترغیب آنان به مبازه با تجاوزکاران[۳۷].

از میان تلگرافها، مکاتیب و بیانیه‌های متعدد مذکور، چند پیام و بیانیه از اهمیت به سزایی برخوردار است، از جمله بیانیه آیت‌اللّه شیخ عبداللّه مازندرانی به «عموم

برادران دینی» در محکومیت تجاوز تقریباً همزمان ایتالیا به لیبی و روسیه به ایران و درخواست کنار گذاشتن نفاق و اختلافات داخلی برای بسیج تمام قوا به منظور «حفظ بیضه اسلام». در تأئید بیانیه مذکور چهارده نفر از آیات و مراجع هر یک بیانیه مستقلی منتشر می‌سازند که تماماً بر نقطه نظرات مازندرانی صحه می‌گذارند[۳۸]. از جمله دیگر اعلامیه‌ها، پیام آیت‌اللّه شیخ الشریعه اصفهانی به ملت ایران و امت اسلامیه در «خصوص وجوب رفع غائله خلاف و نفاق و لزوم اتحاد و اتفاق در حفظ استقلال اسلام و رفع تعدیات اجانب» است. این اعلامیه که تقریباً همزمان با پیام رهبر سنوسیهای لیبی، سید احمدالشریف، در محکومیت روسیه و ایتالیا صادر شد، از اهمیت و جامعیت بیشتری برخوردار است[۳۹].

در ابتدای بحث اخیر اشاره شد که آیات و مراجع برای مقابله با تجاوزات روسها به فعالیتها و اقدامات سیاسی و عملی پرداختند، حال که اشاره‌ای مختصر به اقدامات سیاسی آنان شد، می‌پردازیم به اجمالی از اقدامات عملی آیات و مراجع ایرانی مقیم عتبات. از آن جا که آخوند خراسانی و مازندرانی از تکاپوهای سیاسی خود نتیجه‌ای مطلوب نگرفتند، به کوشش برخاستند و «نخست فتوی به ترک کالای روس داده و آن را با تلگراف به همه جا آگاهی فرستادند و سپس آخوند بر آن شد که خویشتن برای «جهاد» و شورانیدن مردم به جنگ روسیان به ایران آید و بیدرنگ به آمادگی پرداخت. این کار جنبش مردم را چندین برابر گردانید. در همه جا علماء بکار برخاسته مردم را به ترک کالای روس واداشتند ... در فارس این رفتار را با کالای انگلیس کردند ...[۴۰]» و چون گزارشات فراوانی از تعدیات سالداتهای روسی که تا قزوین پیش آمده بودند به دست آخوند خراسانی رسید. بی‌درنگ فرمان جهاد علیه آنان را صادر کرد. و تصمیم گرفت تا خود در رأس سایر علما و به اتفاق آنان برای تهییج عشایر و ایلات و سرکوبی روسها به ایران بیاید و در همان وقت تلگراف زیر را به مؤتمن‌الملک رئیس مجلس شورای ملی

مخابره کرد:

«حکم جهاد و دفاع به عموم مسلمین ایران و غیره داده شد. امروز به حکم عقل و شرع عفو عمومی و جلب قلوب لازم البته مبادرت در اعلان آن فرموده، و اعیان هم در خارج، عازم حرکت هستیم. بعون‌الله تعالی[۴۱].»

پس از مخابرهٔ این تلگراف آخوند عزم را برای حرکت به سمت ایران جزم نمود، و آگاهی برای تمام مسلمانان فرستاد. مؤلف کتاب «حیوةالاسلام» در این باره می‌نویسد: «بعد از آن که جمیع علمای نجف و کربلا و کاظمین و سامراء با آن بزرگوار برای حرکت نمودن در دفاع از مملکت اسلامیه، متفق شدند آن بزرگوار مقرر فرمود، که شب چهارشنبه ۲۱ ذی‌الحجه‌الحرام ۱۳۲۹ ق برای دعای توسل ... نقل مکان به سهله، و از آن جا از طریق کربلا و کاظمین، به اتفاق سایر حجج اسلام به ایران، روانه شوند و خیلی از فضلاء و مجتهدین، بعد از این قرار، روز پیش رفتند[۴۲].» آیات و مراجعی که در رکاب آخوند خراسانی به قصد کاظمین عزیمت کردند عبارت بودند از: آیت‌الله میرزا محمد تقی حائری شیرازی از سامراء، از کربلا حجج اسلام آقایان صدر، شیخ حسین مازندرانی سید محمد کاشی، جمعی دیگر از علما و جمیع طلاب و از نجف حجج و آیات عظام شیخ عبدالله مازندرانی، آخوند ملا محمد خوانساری، شیخ الشریعه اصفهانی، سید علی تبریزی، شیخ محمد حسین قمشه‌ای، آقای رضای تبریزی، شیخ باقرقمی، سید مصطفی کاشانی، شیخ عبدالهادی بغدادی، آقای سید آقای قزوینی، و سایر علما و جمیع طلاب، و از کاظمین تمام علما از عرب و عجم[۴۳].

آقا نجفی قوچانی که خود جزء علمای همراه آخوند خراسانی بوده در خصوص شور و هیجان ایجاد شده در بین عموم طبقات مردم می‌نویسد: «... آخوند در نیمه آخر ذیحجه هزار و سیصد و بیست و نه عازم ایران و دفاع از روس گردید.. طلاب در مسجد عمران ناطقین به منبر می‌کردند و مردم را تحریض و ترغیب به دفاع از روس و حفظ بیضه

اسلام می‌نمودند و جهت زیارت غدیریه اعراب و رؤسای عشائر مجتمع در نجف بودند و آخوند تمام علما را با هم متحد ساخت در حرکت نمودن ... رؤسای عشایر با آخوند بیعت می‌کردند و قول می‌دادند که هر کدام با چند هزار تفنگچی که داشتند حرکت نمایند، در ظرف دو روز عدد تفنگچی‌های عشائر که ملتزم حرکت شدند به دویست هزار رسید و از حدود کرمانشاه از داودخان و شیرخان و سائر خوانین تلگراف رسید که ما همه در رکاب خلیفه انتساب حاضریم و طلاب نیز عازم بر حرکت بودند، آقای آخوند مقرر داشتند که فردا می‌رویم به مسجد سهله توسلی به جا می‌آوریم پس از آن حرکت می‌نمائیم ...[44]» اما متأسفانه همان شبی که فردای آن بنا بود حرکت به سوی کاظمین صورت گیرد، آخوند خراسانی به ناگاه رحلت فرمودند. این در حالی بود که شیخ عبدالله مازندرانی و دیگران تا کربلا پیش آمده و در آنجا چشم به راه آخوند داشتند. با این حال علیرغم رحلت آخوند بیش از بیست و پنج نفر از آیات و مراجع و جمع کثیری از علما و طلاب رهسپار کاظمین شده و با استقرار موقت در آن شهر آماده عزیمت به ایران جهت مقابله با روسها شدند. از جمله مراجع بزرگواری که به کاظمین عزیمت کردند عبارت بودند از: آیات عظام، شیخ عبدالّله مازندرانی میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید علی تبریزی، شیخ محمد حسین حایری مازندرانی، ملا محمد علی خوانساری، سید ابوالحسن اصفهانی، سید مصطفی کاشانی، آقا میرزا مهدی آیت‌الّله زاده خراسانی، و عده‌ای دیگر[45].

علمای مجتمع در کاظمین علیرغم فقدان آخوند، از تصمیم خود مبنی بر عزیمت به ایران عدول نکرده و مترصد فرصت و آماده شدن زمینه جهت حرکت بسوی ایران بودند. در این زمینه کارگزار ایران در بغداد به وزارت امور خارجه این گونه گزارش کرد: «... علمای نجف اشرف تلگراف کرده‌اند با وجود رحلت بی‌جهت آخوند بیشتر از پیش عازم حرکت هستند[46].» هر چند این حرکت بنا به عدم تمایل دولت ایران[47] و عدم

فراهم آمدن شرایط صورت نگرفت. ولی با این حال علمای مجتمع در کاظمین در طول استقرار خود در آن شهر دست به یک سلسله فعالیتهای گسترده سیاسی علیه اشغال ایران توسط روسیه زدند، که پیشتر به اجمال اشاره شد.

## ۲. جنگ جهانی اول و فتاوی «جهادّیه» علما

چنانکه اشاره گردید قشون روس و انگلیس حتی پیش از شروع جنگ جهانی اول؛ به واسطه تجاوزاتی که از سال (۱۳۲۷ ق/۱۲۸۸ ش /۱۹۰۹ م) به ایران شروع کرده بودند در این کشور حضور نظامی مستقیم داشتند. اما با آغاز جنگ جهانی اول در سال (۱۳۳۲ ق/۱۲۹۳ ش/۱۹۱۴ م)، لشکرکشی آن دو دولت به ایران بطور رسمی و علنی گسترش یافت. و با نقض بی‌طرفی ایران، به اشغال این کشور که در واقع از اهمیت استراتژیک بسیاری برای آنها برخوردار بود، پرداختند. و با ورود دولت عثمانی به جنگ و قرار گرفتن دولت مزبور در جبهه متحدین، حساسیت و نگرانی دو دولت روس و انگلیس نسبت به ایران که همسایه و هم مسلک عثمانی بود بیش از پیش افزایش یافت. لذا سراسر خاک ایران را عرصه تجاوزات و تعدیات خود قرار دادند چنانکه تا پایتخت پیش آمدند و شاه و دولت را عملاً دست نشانده خود ساختند و با پیشرویهای قوای انگلیس از جنوب عراق، بتدریج نیروهای عثمانی و مجاهدین مسلمان عمدتاً شیعه عراق متحمل شکست‌های جبران ناپذیر شدند، چنانکه از اواخر دومین سال جنگ (۱۳۳۴ ق) جنوب عراق (بصره و ...) و در ۱۳۳۵ ق، مرکز عراق (بغداد) به اشغال نیروهای انگلیسی درآمد. این وضع اسفناک و بحرانی که حکایت از نابودی استقلال و تمامیت ارضی کشورهای مسلمان نظیر، ایران و عراق و عثمانی را در پی داشت، بار دیگر علما، آیات و مراجع بزرگوار مقیم ایران و عتبات را به واکنش وا داشت. در این راستا بسیاری از مراجع مقیم نجف بطور مستقل به صدور فتوای «جهاد» علیه متجاوزین پرداختند و نیز فتاوی

جهادّیه متعددی بصورت مشترک از سوی آنان صادر شد، به تبعیت از مراجع عظام نجف، آیات و مجتهدین بزرگوار ایران نیز با صدور فتاوی جهاد عموم مردم را شرعاً مکلف به دفاع از ایران و اسلام که مورد هجمه اجانب قرار گرفته بود کردند.

آیات و مراجع عتبات تنها به صدور فتوای جهاد بسنده نکردند بلکه خود با عزیمت به جبهه‌های جنوبی عراق، شخصاً در جهاد علیه اجانب شرکت کردند. از جمله علمای مشهور و مجتهدین عالیقدر که در جنگ شرکت نمودند: سید محمد طباطبایی فرزند ارشد آیت‌الله العظمی آقا سید محمد کاظم طباطبایی یزدی که در جبهه جهاد به فیض شهادت نایل آمد، برادرش سید محمود طباطبایی، آیت‌الله سید مصطفی کاشانی و فرزندش سید ابوالقاسم کاشانی، سید محمد تقی خوانساری، شیخ محمد·مهدی خالصی و فرزند او شیخ محمد خالصی زاده، سید اسماعیل یزدی، سید محمد سعید حبّوبی، سید علی تبریزی، میرزا مهدی آیت‌الّله زاده خراسانی فرزند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی و فرزندش میرزا محمدرضا شیرازی ، آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی ، میرزا محمد حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمد علی نخجوانی، سید محسن حکیم، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و بسیاری از طلاب و علمای دیگر[۴۸].

علاوه بر آیات و مراجع عتبات؛ در ایران نیز علما با صدور فتاوی جهاد، عموم طبقات مردم را مکلف به مقابله با متجاوزین به ایران کردند. علاوه بر آن خود نیز مستقیماً در کنار مجاهدین جنوب درگیر جهاد با اجانب شدند. علمایی که شخصاً و مستقلاً در برابر تجاوز دولت انگلیس و تصرف بوشهر از طرف قوای متجاوز وارد جنگ شدند و یا در حمایت از قیام رئیس علی و اهداف او نقش مؤثری ایفاء نموده و یا خود به سوی جبهه‌ها و جنگ عزیمت کردند به شرح زیر است، آیات و حجج اسلام سید عبدالحسین لاری، سید عبدالله بلادی، سید مرتضی علم الهدی اهرمی، شیخ حسن آل

عصفور بوشهری، سید علی نقی دشتی، شیخ محمد جعفر محلاتی، شیخ محمد حسین برازجانی، سید اسماعیل مهدوی و میرزا باقر گزدرازی[۴۹].



کتاب حاضر مجموعه فتاوی «جهادّیه» آیات و مراجع عظام شیعه است که سه مقطع زمانی پیوسته به هم را شامل می‌شود و در سه بخش مجزا تنظیم شده است.

۱. در بخش اول تعداد هفت فتوای جهاد از مراجع نجف و علمای ایران آورده شده که در وجوب جهاد و دفاع برای مقابله با متجاوزین روس و انگلیس در سالهای بین (۱۳۲۹ ـ ۱۳۳۲ هـ ق) صادر شده است. این فتاوی از منابع مختلف گردآوری شده که مأخذ هر یک ذکر شده است.

۲. در بخش دوم تعداد پنجاه و نه مورد فتوای جهاد از آیات و مراجع عظام عتبات آورده شده که همگی مربوط به دوران جنگ جهانی اول است. تعداد پنجاه و سه مورد از این فتاوی از بایگانی اسناد وزارت امور خارجه ایران استخراج شده و شش مورد دیگر از منابع مختلف گرفته شده است. لازم به تذکر است که در بازنویسی فتواهایی که از اسناد وزارت امورخارجه استفاده شده است، نهایت امانت‌داری رعایت شده است لذا جمله‌بندی و عبارات فتاوی عیناً مطابق اسناد است.

۳. در بخش سوم تعداد سیزده مورد فتوای جهاد از آیات و مراجع نجف آورده شده که مربوط است به اواخر جنگ جهانی و اشغال عراق از سوی انگلیسی‌ها که منجر به قیمومیت عراق شد و با صدور این فتاوی انقلاب سال ۱۹۲۰م عراق به رهبری آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی (میرزای دوم) علیه انگلیسی‌ها شکل گرفت.

لازم به ذکر است که مجموعه فتاوی «جهادّیه» علما و مراجع به این تعداد که در این اثر گردآوری شده محدود نمی‌شود. زیرا این آگاهی وجود دارد که تعداد دیگری از فتاوی جهادّیه موجود است که عمدتاً در کتابها، مجلات و نشریه‌های چاپ نجف و بغداد

که از سالهای قبل از جنگ جهانی اول تا سال ۱۳۴۲ ق / ۱۹۲۴ م منتشر شده‌اند، درج شده است. برای مثال در این کتاب از آیت‌الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (وفات ۱۳۳۷ ق) تنها چند فتوا نقل شده است، در حالی که بیست صورت فتوای ایشان در یکی از مجلات عربی چاپ بغداد موجود است. بنا به عدم دسترسی به مجلات و نشریات منتشره در عراق امکان درج کلیه فتاوی علما در این کتاب میسر نشد.

در پایان اشاره به این نکته ضروری است که، اثر حاضر به مناسبت «کنفرانس ایران و جنگ جهانی اول» که در اسفند ماه سال جاری در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار می‌شود؛ در فرصتی اندک و با تعجیل بسیار فراهم آمده که مسلماً دارای نقائصی است که رفع آنها لطف و مرحمت صاحب نظران و راهنمایی آنان را می‌طلبد.

**والسلام**
**نصرالله صالحی**
**محمد حسن کاووسی**
**اداره انتشار اسناد**
**دی ماه ۷۵**

## یادداشت‌ها

۱. براساس تحقیقی که یک مأمور انگلیسی در همان دوران در یزد انجام داده است. جامعه ایران فاقد آگاهی ملی به عنوان نیروی محرک تا مدتها پس از دوران قاجار بوده است، جامعه ایران نه صرفاً مذهبی و نه ملی محض بود بهترین نامی که می‌توان به آن داد جامعه مذهبی ـ ملی است، [البته با تأکید بر غلظت مذهبی آن] ن. ملکم N.Malcolm «پنج سال در یک شهر ایران» [لندن ۱۹۰۵] صفحات ۳۸-۳۹ به نقل از حامد الگار: دین و دولت در ایران، نقش علما در دوره قاجار ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، (تهران، ۱۳۵۶) ص ۳۵.

۲. فتوی داده شد و آن دو که جانشان به خطر افتاده بود به کاخ حسینعلی میرزا فرمانفرما حاکم شهر پناه بردند. نبی خان به منظور فرو نشاندن خشم مردم بی‌درنگ قیمت نان را پائین آورد و همه نانوایان را در ملاء عام به چوب و فلک بست، نگاه کنید به حامد الگار: پیشین، ص ۷۰.

۳. تنکابنی، محمدبن سلیمان: قصص العلماء تهران ۱۳۰۴ قمری

برای شرح جزئیات ماجرا نگاه کنید به صفحات: صص ۹۳ و ۹۴ و صص ۷۱-۷۳

۴. برای آگاهی بیشتر در زمینه نفوذ و اقتدار علما در دوره فتحعلی شاه و نیز تمکین و احترام شاه نسبت به علما، نگاه کنید به اثر ارزشمند حامدالگار: پیشین، فصل سوم صص ۶۳-۱۰۴.

۵. چنانکه پیشتر نیز اشاره شد در جامعه ایران دوره قاجار بیش از آن که احساسات ملی و میهنی حاکم باشد احساسات دینی و مذهبی حاکمیت داشت. لذا سپاهیان ایران را «لشکر اسلام» می‌دانستند. خور موجی در حقایق‌الاخبار در خصوص شکست ایران می‌نویسد: «آتش محاربه و مجادله شعله ور گردید، آخرالامر شکست بر لشکر اسلام آمد ...» نگاه کنید به: محمد جعفر خورموجی: حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیوجم، کتابفروشی زوار (تهران، ۱۳۴۴) ص ۱۸.

۶. دنبلی، عبدالرزاق: مآثر سلطانیه، به اهتمام غلامحسین صدری افشار، انتشارات ابن سینا، چاپ دوم (تهران ۱۳۱۵) ص ۱۴۶.

۷. علاوه بر افراد یاد شده علمای دیگری نیز از جمله «شیخ هاشم کعبی» و «حاج میرمحمد حسین بن عبدالباقی» به صدور فتوای جهاد اقدام کردند. کعبی کتابی به زبان عربی نوشت و آن را به همنامی عباس میرزا «العباسیة الحداد فی جهاد اهل‌الشرک و الالحاد» نام نهاد. عبدالباقی نیز کتابی به فارسی به شیوه پرسش و پاسخ نوشت همچنین میرزای قمی کتاب مهم و پرآوازه‌ای به نام «جامع‌الشتات» نوشت که فصلی از آن به بحث پیرامون جهاد با روسیان اختصاص یافته بود. برای آگاهی بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: حائری، عبدالهادی: نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، انتشارات امیرکبیر، (تهران ۱۳۶۷) ص ۳۷۷ و ۳۹۹.

۸. میرزا بزرگ قائم مقام فراهانی: «جهادّیه» ص [1] رساله فوق نخست در تبریز در ۱۲۳۳ ه.ق منتشر شده است. و چاپ دوم آن به قطع رقعی با حروف سربی درشت جلی درآمده و در «دارالانطباع» تبریز در روز شنبه ۱۷ ذی‌الحجهٔ ۱۲۳۴ ه.ق چاپ آن به پایان رسیده است. رساله مورد استفاده ما از سوی انتشارات فرهنگ ایران زمین به شماره (۱۷) و از روی چاپ سال ۱۲۳۴ ه.ق افست شده است.

۹. میرزا بزرگ: پیشین، ص ۹ و ۱۰

۱۰. میرزا بزرگ: پیشین، ص ۲۲ و ۲۳

۱۱. حائری: پیشین، ص ۳۷۸.

۱۲. سپهر، میرزا محمد تقی لسان الملک: ناسخ التواریخ (سلاطین قاجاریه) به تصحیح محمد باقر بهبودی، انتشارات اسلامیه (تهران، ۱۳۴۴) جلد ۱ ص ۳۵۷.

۱۳. سپهر: پیشین، جلد ۱، ص ۳۵۸.

۱۴. شمیم، علی اصغر: ایران در دوره سلطنت قاجار، انتشارات کتابخانه ابن سینا، چاپ اول در خصوص نقش فعال و عملی علما در صحنه نبرد و نتایج مثبت آن نگاه کنید به: ناصر نجمی: ایران درمیان طوفان یا شرح زندگانی عباس میرزا نایب‌السلطنه، انتشارات کانون معرفت، چاپ دوم (بی جا، ۱۳۶۳) ص ۱۵۷.

۱۵. الگار: پیشین، ص ۱۳۵

۱۶. در خصوص ماجرای گریبایدوف نگاه کنید به سپهر: پیشین، جلد ۲ ص ۲۷ همچنین نجمی: پیشین ص ۲۷۶-۲۷۷

۱۷. برای آگاهی بیشتر در خصوص زندگی و اقدامات حجةالاسلام شفتی که در دوره محمد شاه از نفوذ و اقتدار بسیاری برخوردار بود نگاه کنید به منابع زیر.

ـ تنکابنی: قصص العلما، صفحه ۱۳۵ به بعد، تنکابنی بحث مفصلی را به شفتی اختصاص داده است.

ـ نجفی، موسی: مقاله «تاریخ مبارزات سیاسی روحانیت و مرجعیت شیعه ۲» (حجةالاسلام شفتی و نفی سلطه استعمار)، مجله نورعلم، شماره مسلسل ۲۴ دی ماه ۱۳۶۶ ص ۸۱-۹۶ مقاله مزبور نکات چندانی در خصوص اقدامات حجةالاسلام شفتی در طول زندگیش ارائه نمی‌دهد بیشترین قسمت مقاله به درج پاسخ شفتی به مکنیل وزیر مختار انگلیس اختصاص یافته است.

ـ اقبال، عباس: مقالهٔ «حجةالاسلام حاج سید محمد باقر شفتی» در مجله یادگار

سال ۵ شماره ۳۷

۱۸. اعتمادالسلطنه، میرزا محمد حسن خان: تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، چاپ اول (تهران ۱۳۶۷) جلد ۳ ص ۱۶۴۲

۱۹. الگار: پیشین، ص ۱۶۹

۲۰. گزارش موجود در اسناد وزارت امور خارجه انگلیس ۹۶/۶۰ به نقل از الگار: پیشین، ص ۱۶۷.

۲۱ و ۲۲. الگار: پیشین ص ۱۷۳ و ۱۷۶

۲۳-۲۴- کسروی در صفحه ۷۳۰ فتوای معروف آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی را عیناً درج کرده است:

**«به عموم ملت حکم خدا را اعلام می‌داریم. الیوم همت در رفع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرمات و بذل و جهد در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و سرمویی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت صلواتﷲ و سلامه علیه است اعاذﷲ المسلمین من ذلک انشاء الله تعالی.»**

۲۵. الفیاض، عبدﷲ: الثورةالعراقیةالکبری سنه ۱۹۲۰، مطبعة دارالاسلام، الطبعةالثانیة (بغداد ۱۹۷۵) ص ۱۱۸ و ۱۲۰

۲۶. اشاره می‌شود که نگارنده در مورد اول و دوم از سه مورد فوق‌الذکر تحقیق مستقلی انجام داده است. در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ جهانی اول و واکنش علمای ایرانی مقیم عراق» که به کنفرانس «ایران و جنگ جهانی اول» تقدیم شده است موضوع دوم مورد بررسی قرار گرفته است. از آن جا که در این مقدمه به مورد سوم یعنی نقش

علما در انقلاب ۱۹۲۰ م. عراق پرداخته نمی‌شود، چند اثر تحقیقی ارزشمند پیرامون آن معرفی می‌گردد.

الف) الفیاض، عبدالّله: الثورةالعراقیةالکبری سنه ۱۹۲۰ (ر.ک. کتابشناسی یادداشت ۲۵) بویژه فصل دوم و فصل چهارم از ص ۲۷۲ الی ۲۷۷

ب) الحسنی، السید عبدالرزاق: الثورةالعراقیة الکبری، مطبعةالعرفان، (صیدا - لبنان ۱۳۸۵ ق - ۱۹۶۵ م) بویژه فصل شش و هفت و هشت

ج) کاظم، عباس محمد: ثورةالخامس عشر من شعبان (ثورةالغشرین) - الثورةالاسلامیة الاولی فی‌العراق، بی‌جا (۱۴۰۴ هـ./ ۱۹۸۴ م) بویژه باب دوم از فصل سوم و فصل چهارم.

د) نفیسی، عبدالله فهد: نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ترجمه کاظم چایچیان، انتشارات امیرکبیر (تهران ۱۳۶۴)

هـ) تهرانی، محمد صادق: نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی عراق و نقش علماء مجاهدین اسلام انتشارات دارالفکر، (قم، بی‌تا) مؤلف مزبور بیشتر مطالب اثر خود را از دو کتاب «الخلائق الناصعه. فی الثورةالعراقیه سنه ۱۹۲۰» و «لمحات اجتماعیه من تاریخ‌العراق الحدیث» و چند مجله و نشریه عربی عیناً اقتباس کرده است.

و) عبدالحلیم الرهیمی: تاریخ حرکت اسلامی در عراق، ترجمه محمد نبی ابراهیمی، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی (تهران، ۱۳۷۵) و منابع فراوان کتاب مزبور.

۲۷. در خصوص تجاوزات روسیه و همسویی‌های دولت انگلیس با آن دولت در اوائل استبداد صغیر نگاه کنید به:

الف) کسروی، احمد: تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ۲ جلد انتشارات امیرکبیر چاپ نهم (تهران ۲۵۳۷) فصل اول، گفتار ششم و دوازدهم.

ب) کاظم زاده، فیروز: روس و انگلیس در ایران (۱۸۶۴-۱۹۱۴) - پژوهشی درباره امپریالیسم - ترجمه منوچهر امیری، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی چاپ دوم (تهران ۱۳۷۱)، از صفحه ۵۱۳ به بعد

ج) ملک زاده، مهدی: تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، انتشارات علمی، چاپ دوم (تهران، بی‌تا) جلد پنجم، فصل شانزدهم ص ۱۱۳۰-۱۱۳۳

۲۸. کسروی: تاریخ مشروطه ایران، پیشین، بخش سوم ص ۹۰۵، نامه مزبور را کنسول روس و انگلیس هر دو امضاء کرده بودند. همچنین کنسول روس نامه مستقلی به همان تاریخ خطاب به انجمن نوشته بود.

۲۹. کاظم زاده: پیشین، ص ۵۱۶، ملکزاده نیروی روسی را سیصدوپنجاه نفر ذکر کرده است، ر.ک، ملکزاده، پیشین، ص ۱۱۳۱

۳۰. نگاه کنید به اثر ارزشمند محمد ترکمان تحت عنوان: «اسنادی دربارهٔ هجوم انگلیس و روس به ایران» انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، (تهران، ۱۳۷۰) فصل دوم، اسناد ۱۴، ۴۶، ۵۷ صص ۶۹-۷۰ و ۱۱۵ و ۱۳۰-۱۳۲

محمد ترکمان در اثر فوق‌الذکر با استفاده از منابع گوناگون و با جهد و تلاش فراوان اسناد بسیار زیادی را در خصوص هجوم روس و انگلیس به ایران و واکنش‌ها و پیامدهای آن در فاصله زمانی (۱۳۲۶ق / ۱۲۸۷ ش / ۱۹۰۸ م - تا ۱۳۳۰ ق / ۱۲۹۱ ش / ۱۹۱۲ م) گرد آورده است. این اثر گرانقدر در واقع مجموعه اسنادی است بسیار معتبر و ارزشمند برای بررسی و فهم هر چه بهتر اوضاع آشفته و پرتلاطم ایران در فاصله زمانی (۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ ق)

۳۱. فتحی، نصرت‌الله: مجموعه آثار قلمی شادروان ثقة‌الاسلام شهید تبریزی، انجمن آثار ملی (تهران ۱۳۵۵) صص ۲۹۸ و ۲۹۹ به نقل از ترکمان: پیشین، ص ۶۵

۳۲. نگاه کنید به ترکمان: پیشین، فصل دوم، اسناد ۵۴، ۸۱، ۸۶، ۸۷ و ۵۳ و ۵۶

و ۷۶

۳۳. ترکمان: پیشین، فصل دوم، اسناد ۱۸، ۲۵، ۳۲، ۴۷، ۶۱، ۷۰ و ۸۵

۳۴. ترکمان: پیشین، فصل دوم، سند ۴۷ ص ۱۱۶

۳۵. ترکمان: پیشین، فصل دوم، سند ۶۱ ص ۱۳۶ و ۱۳۷

۳۶. در خصوص جریانات مربوط به اولتیماتوم روس به ایران منابع متعددی موجود است، یکی از مهمترین آنها اثری است از مورگان شوستر تحت عنوان «اختناق ایران» ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، انتشارات صفی علیشاه، چاپ دوم (تهران ۱۳۵۱) همچنین کسروی: تاریخ هیجده ساله آذربایجان

جلد اول، و نیز ملک زاده: پیشین، جلد ۷ فصل ۷

۳۷. برای آگاهی از اسناد متعدد هر یک از موارد مذکور، مراجعه کنید به: ترکمان: پیشین، فصل پنجم و بویژه فصل ششم و نیز ضمیمه ۱ و ۲، از صفحه ۳۵۱ الی ۴۸۶

اشاره می‌شود که ترکمان اسناد فصل ششم را عمدتاً از کتابی تحت عنوان «هجوم روس به ایران و اقدامات رؤسای دین در حفظ ایران» تألیف «نظام‌الدین زاده، ع، س، د.» اقتباس کرده است. در ابتدا و انتهای کتاب مذکور نام مؤلف دو بار تحت عنوان «نظام‌الدین زاده» آمده است. با این حال جای تعجب است که ترکمان در استفاده‌های متعدد و ارجاعات مکرر از کتاب فوق نام مؤلف آن را «ناظم‌الدین زاده» دزج کرده است. نگاه کنید به ترکمان: پیشین، صص ۴۶۴-۴۶۶

۳۸. نگاه کنید به ترکمان: پیشین، فصل ششم، سند ۲۴ صص ۳۹۹-۴۰۴

۳۹. ترکمان: پیشین، فصل ششم، سند ۷۵، ص ۴۵۱-۴۵۴ مرحوم حائری در مقاله‌ای تحت عنوان «ایران و لیبی در جبههٔ ستیز با امپریالیسم غرب» که در کتاب «ایران و جهان اسلام» منتشر شده به تحلیل تطبیقی دو اعلامیه مذکور پرداخته است. نگاه کنید به: حائری، عبدالهادی: ایران و جهان اسلام، انتشارات استان قدس رضوی (مشهد

۱۳۶۸) صفحه ۱۷۵ الی ۲۰۹

۴۰. کسروی: تاریخ هجده ساله آذربایجان، صص ۲۴۱-۲۴۲

۴۱. کفایی، عبدالحسین مجید: مرگی در نور (زندگی آخوند خراسانی)، کتابفروشی زوار (تهران، ۱۳۵۹) ص ۲۶۸

۴۲ و ۴۳ ـ کفایی: پیشین، ص ۲۷۰

۴۴. آقا نجفی قوچانی: سیاحت شرق یا زندگینامه آقا نجفی قوچانی، تصحیح ر.ع. شاکری، انتشارات امیرکبیر، (تهران ۱۳۶۲، ص ۴۷۹)

۴۵. برای آگاهی از اسامی همه آیات و مراجعی که به کاظمین رهسپار شدند، نگاه کنید به:

نظام‌الدین زاده: پیشین، صص ۲۸۵-۲۸۷

۴۶. ترکمان: پیشین، صص ۲۸۵-۲۸۷

۴۷. در خصوص مخالفت دولت ایران با حرکت علمای مجتمع در کاظمین به ایران، نگاه کنید به ترکمان: پیشین، فصل ششم اسناد ۷ و ۲۰ و ۳۶ صص ۳۸۶ و ۳۹۶ و ۴۱۳ اسناد مزبور تلگرافهایی است از هیئت وزرا و وزیر امور خارجه (وثوق‌الدوله) به آیات، مراجع و علمای مجتمع در کاظمین مبنی بر فسخ عزیمت آنان به ایران

۴۸. دوانی، علی: نهضت روحانیون ایران، انتشارات بنیاد فرهنگی امام رضا (ع) بی جا، بی تا جلد ۱ ص ۲۱۲، برای آگاهی از زندگینامه هر یک از ایشان و نیز بعضی دیگر از علماء نگاه کنید به پیوست شمارهٔ ۱

۴۹. نگاه کنید به خلاصه مقالات، کنگره هشتادمین سالگرد شهادت رئیسعلی دلواری، از انتشارات کنگره ۱۳۷۳، صص ۱۲-۱۴ همچنین فصل پنجم کتاب « ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروعه» (سیری در افکار و مبارزات سید عبدالحسین لاری) تألیف سید محمد تقی آیت‌اللّهی، انتشارت امیر کبیر، (تهران ۱۳۶۳)

# بخش اول

## فتاوی جهادّیه آیات و مراجع عظام عتبات و علمای ایران در وجوب دفاع و جهاد برای مقابله با متجاوزین روس و انگلیس

از ۱۳۲۹ هـ‌ق [ ۱۹۱۱ م/ ۱۲۸۹ ش ]
تا ۱۳۳۲ هـ‌ق [ ۱۹۱۴ م/ ۱۲۹۳ ش ]

(۱)

## فتوای آیت‌الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی در وجـوب جـهاد در مقابل تجاوزات روسیه و ایتالیا به ایران و لیبی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«الیوم هجمت الدول الاوربیة علی الممالک الاسلامیة من کـل جـهة، فمن جهة هجمت ایطالیا علی طرابلس الغرب. و من جهة اخری الروسیا بتوسط عساکرها اشغلت شمال ایران، والا نجلیزی اتت جنوده الی جنوب ایران، و هذا موجب لمخاطرة و اضمحلال الاسـلام، فـلهذا یـجب عـلی عـموم‌المسـلمین من‌العرب والعجم ان یهیئو انفسهم الی دفاع الکفر عن الممالک الاسلامیة، و ان لایقصروا و لا یبخلوا فی بذل انفسهم و اموالهم فی جلب‌الاسباب التی یکون بها اخراج عساکر ایطالیا عن طرابلس الغرب، و اخراج عساکر الروسیا والا نجلیز من شمال و جنوب ایران، التی هی من أهم الفرائض الاسلامیة حتی تبقی المملکتان العثمانیة والایرانیة مصونتان محفوظتان (کذا) بعون‌اللّه من هاجم الصلیبین (کذا) حرریوم الاثنین خامس ذی‌الحجةالحرام سنة ۱۳۲۹ هـ.

حرره‌الاحقر:

«محمد کاظم‌الطباطبایی»

ترجمه

بسم‌الله الرحمن الرحیم

در این ایام که دول اروپایی مانند ایتالیا به طرابلس غرب (لیبی) حمله

نموده و از طرفی روسها شمال ایران را با قوای خود اشغال کرده‌اند و انگلیسی‌ها نیز نیروهای خود را در جنوب ایران پیاده کرده‌اند و اسلام را در معرض خطر نابودی قرار داده‌اند، بر عموم مسلمین از عرب و ایرانی واجب است که خود را برای عقب راندن کفار از ممالک اسلامی مهیا سازند، و از بذل جان و مال در راه بیرون راندن نیروهای ایتالیا از طرابلس غرب و اخراج قوای روس و انگلیس از ایران هیچ فروگذار نکنند. زیرا این عمل از مهمترین فرایض اسلامی است، تا به یاری خداوند دو مملکت اسلامی از تهاجم صلیبی‌ها محفوظ بماند.

محمد کاظم طباطبایی

(۲)

## فتاوی آیات و مراجع عظام در وجوب جهاد در مقابل تجاوزات روسیه و ایتالیا به ایران و لیبی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«الی الایرانیین و مسلمی الهند عامة: ـ ان هجوم روسیا علی ایران و ایطالیا علی طرابلس‌الغرب موجب لذهاب الاسلام و اضمحلال الشریعة الطاهرة والقرآن، فیجب علی کافة‌المسلمین ان یجتمعوا و یطالبوا من دولهم المتبوعة، رفع هذه التعدیات الغیر القانونیة من روسیا و ایطالیا، ولیحرموا السکون والراحة علی انفسهم ما لم تکشف هذه الغمة والغائلة‌العظمی، ولیعدوا هذه‌النهضة منهم تجاه المعتدین علی البلادالاسلامیة جهاد فی سبیل‌اللّه کالجهاد فی بدر و حنین».

(عبداللّه المازندرانی) (اسماعیل صدرالدین العاملی) (محمد کاظم الخراسانی) (شیخ الشریة‌الاصفهانی)[1]

**ترجمه**

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به عموم ایرانیان و مسلمانان هند: حمله روسیه به ایران و ایتالیا به طرابلس غرب [لیبی] موجبات از بین رفتن اسلام و اضمحلال شریعت طاهره و

---

۱. فتاوی شماره ۱ و ۲ برگرفته از کتاب زیر است: عبداللّه فیاض: پیشین، صص ۱۱۷-۱۱۸

قرآن خواهد بود. بـر تـمامی مسـلمانان واجب است کـه اجـتماع نـمایند و از دولتهای خود خواهان رفع تجاوزات غیرقانونی روسیه و ایتالیا شوند، و سکون و آرامش را تا زمانی که این غائله بزرگ رفع نشده بر خود حـرام نـمایند. ایـن نهضت را علیه متجاوزان بر بلاد اسلامی جهاد فی سبیل‌اللّه و همانند جهاد بدر و حنین تلقی نمایند.

عبداللّه مازندرانی
اسماعیل صدرالدین عاملی
محمد کاظم خراسانی
شیخ الشریعه اصفهانی.

(۳)

## متن عربی فتوای جمعی از مراجع و علمای عتبات عالیات مبنی بر وجوب دفاع از اسلام و حوزهٔ مسلمین

### الاسلام و الدفاع

هذه المنشوره داعیه الدفاع و منادیه الاسلام فی سایر الأصقاع و مستنهضتهم علی الذب عن الدین الحنیف و الدفاع عن حورةالجامعةالاسلامیه تنص بها فتاوی علماء النجف الا عاظم حجج الاسلام الاکابر علی استنهاض المسلمین اینما کانوا وحشهم علی الدفاع الواجب.

عن علماء النجف الاشرف الی کافةالمسلمین الموحدین و ممن جمعتنا و ایاهم جامعةالدین و الاقرار بمحمد سیدالمرسلین السلام علیکم ایهاالمحامون عن التوحید و المدافعون عن الدین و المحافظون البیضةالاسلام لایخفی علیکم ان الجهاد لدفع هجوم الکفار علی بلادالاسلام و ثغوره مماقام اجماع المسلمین و ضرورةالدین علی وجوبه (قال الله سبحانه [:] انفروا خفافاً و ثقالا و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله) هذه کفره ایطالیا قد هجموا علی طرابلس الغرب التی هی من اعظم الممالک الاسلامیه و اهمها فخربوا عامرها و ابادوا ابنیتها و قتلوا رجالها و نسائها و اطفالها. مالکم تبلغکم حرم فلاتجیبون. و توافیکم صرخةالمسلمین و لا نغیثون اتنتظرون ان یزحف الکفارالی بیت الله الحرام و النبی والائمة علیهم السلام و یمحوالدیانةالاسلامیه عن شرق الارض و غربها و تکونوا معشرالمسلمین اذل من قوم سبا فالله الله فی التوحد، الله الله فی الرساله، الله الله فی نوامیس ـ الدین و قواعد الشرع المبین، فما

بعدالتوحیدالاالتثلیت، ولا بعدالاقرار بمحمد (ص) ـ الاعباده المسیح ولا بـعد استقبال الکعبة الا تعلیق الصلیب ولا بعد الاذان الاقرع انواقیس فبادروا الی ما افترضه الله علیکم من الجهادفی سبیله و اتفقوا ولا تفرقوا و اجمعوا کلمتکم و ابذلوا اموالکم و خذوا حذرکم، و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و مـن ربـاط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوکم لئلایفوت وقت الدفـاع و انـتم غـافلون و ینقضی زمن الجهاد و انتم متثاقلون (فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنه اویصیبهم عذاب الیم.)

خادم الشریعه المطهره محمد کاظم الخراسانی، الاحقرالجانی عبداللـه المازندرانی، الجانی شیخ الشریعه الاصفهانی، الاقل عـلی رفـیش، اقـل خـدام الشریعه محمد حسین القمشه، الاقل الجـانی مـصطفی الحسـینی الکـاشانی، الراجی عفو ربه محمد آل الشیخ صاحب الجواهر قدس سره، الراجی عفو ربه الغفور محمد جوادالشیخ مشکور قدس سره، الاحقر جعفرابن المرحوم الشیخ عبدالحسن قدس سره، بسم‌الله الناصرالمعین انا و کل مسـلم نسـتعین ـ الاقـل محمد سعیدالحبوبنی.

(۴)

## ترجمه حکم جمعی از مراجع و علمای عتبات عالیات مبنی بر وجوب دفاع از اسلام و حوزهٔ مسلمین

از علمای نجف به سوی کافهٔ مسلمانان عالم که متحد در کلمهٔ جامعهٔ دین و مفسر به رسالت حضرت ختمی مرتبتند:

درود بر شما باد ای حامیان در وحدت و مدافعین از دین و محافظین بیضهٔ اسلام! پوشیده بر شما نباشد که جهاد بر تمامی مسلمانان واجب و از ضروریات دین شمرده می‌شود، مادامی که اعدای دین هجوم بر ثغور و ممالک اسلامیه می‌آورند. چنانچه خداوند می‌فرماید:

(انفروا خفافاً و ثقالاً و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل‌الله)[1].

اینک ایتالیا هجوم به طرابلس غرب [لیبی] که از بزرگترین ممالک اسلامیه است آورده آبادی آن را خراب، و بناهای آن را ویران، و مرد و زن و بچه‌های آن را می‌کشد. چه شده که صدای استغاثهٔ مسلمانان را می‌شنوید و جواب نمی‌دهید؟ آیا منتظرید که اعدا به مکهٔ معظمه و حرم حضرت رسول و ائمه علیهم السلام حمله کنند و دین اسلام را از شرق و غرب براندازند و شما خوارتر از قوم سبا بشوید؟ الله، الله در توحید ـ وحدت ـ الله، الله در رسالت، الله، الله درنگاهداری دین و محافظت پایه‌های شرع مبین!

پس مبادرت کنید در واجبات خدایی که وجوب جهاد است در راه خدا، در دفاع از اسلام و وطنتان و متفق گردیدن و پرهیز از نفاق جمع بشوید و بذل

---

۱. سوره توبه، آیه ۴۱.

اموال نمائید تا دشمنان شما قوی نشده‌اند (و اعدوالهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوکم).

فوت نکنید جنگیدن با دشمنان اسلام را که آنها هوشیار و شما غفلت زدگان وقت گذرانیده‌اید (فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنةاو یصیبهم عذاب الیم)[1].

امضاها:

خادم شریعت مطهره محمد کاظم خراسانی، الاحقرالجانی عبدالله مازندرانی، الجانی شیخ الشریعه اصفهانی، الاقل علی رفیش، اقل خدام شریعت محمد حسین قمشه‌ای، الاقل الجانی مصطفی الحسینی کاشانی، امیدوار به عفو پروردگارش محمد آل الشیخ صاحب جواهر قدس سره، امیدوار به عفو پروردگار غفورش محمد جواد مشکور قدس سره، الاحقر جعفر فرزند مرحوم شیخ عبدالحسین قدس سره، محمد سعیدالحبوبنی.

۱. سوره نور، آیه ۶۳.

(۵)

## تلگراف آیات عتبات به سلطان محمد خامس سلطان عثمانی در علیهٔ عتبهٔ فلک مرتبهٔ اعلیحضرت خلافت پناهی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به سبب هجومی که از هرطرف بر اسلام شده، عالم اسلامیت در هیجان است. ماها به صفت ریاست مذهبیه بر هشتاد میلیون نفوس جعفری که در ایران و هندوستان و سایر نقاط است متفقاً وجوب هجوم جهادی و دفاعی را حکم نمودیم.

و بر عموم مسلمین تجزیهٔ مسببین اراقهٔ دمای اسلام، و صیانت دین محمد صلوات‌الله علیه فرض عین است، و به خاک پای پادشاه که حامل امانت مقدسهٔ «خرقهٔ سعادت و موزهٔ مبارکه» و خادم الحرمین الشریفین و خلیفهٔ اسلام است عرض و اعلام می‌نماییم که دریغ نفرمایند از دادن لواء الحمد نبوی صلی‌الله علیه و آله به مسلمانان که از اقطار عالم برای دفاع جمع خواهند شد زمان محافظهٔ سیاست اروپا گذشت استرحام می‌شود که به مقتضای شریعت و شأن خلافت فرمان بفرمایید.

محمد حسین الحائری المازندرانی
عبدالله المازندرانی
سید اسماعیل ابن صدرالدین
محمد کاظم الخراسانی

(۶)

## تلگراف آیات عتبات به جراید اسلامبول

در علیه [:] انجمن سعادت ایرانیان، جریدهٔ شمس، یکی اقدام، طنین، ترجمان، جمعیت ژون ترک، علمدار، العدل، الحضاره، مدیر آژانس عثمانی از چندین سال به این طرف مسلک استیلاکارانه و حریصانه که ایتالیا و روس در ویران نمودن طرابلس وایران و استعباد و اذلال مسلمانان و ضبط اراضی مقدسهٔ اسلام تعقیب می‌نماید بر همه کس آشکار شده است امروز مسلم است که اگر خدای نکرده استقلال و شرافت قومیت و ملیت ایران دچار محو و اضمحلال شود ضربهٔ مهلکی بر عالم اسلامیت خواهد بود لیکن این دو دولت بدخواه اگر چه در مقام تقطیع و پارچه پارچه نمودن ممالک اسلامی هستند ولی استظهارا به حقیقت دیانت مقدسهٔ اسلامیه امیدواریم که خائباو خاسرا مراجعت نمایند بنابرا ین ما که علمای اسلامیه هستیم به این صفت محض استخلاص ایران و محافظه حقیقت دیانت و شرافت ملیهٔ اسلامیه به عموم مسلمانان ایران حکم وجوب دفاع اعلان و به واسطهٔ جراید ملیهٔ شما به عموم مسلمانان کرهٔ ارض ابلاغ و بیان می‌نماییم که مسلمانان بدانند که ما به همان صفت مذکوره به ریختن آخرین قطرهٔ خون خود در مقام حفظ اسلام و وطن اسلامی هستیم.

محمد کاظم الخراسانی
شیخ الشریعه الاصفهانی
محمد حسین الحایری المازندرانی
عبدالله المازندرانی
سید اسمعیل بن صدرالدین العاملی.

(۷)

## احکام تلگرافی آیات اللّه

هجوم روس بر ایران و ایتالیا بر طرابلس موجب ذهاب اسلام و اضمحلال شریعت و قرآن است، بر عموم اسلامیان واجب است اجتماع نموده و از دولت متبوعهٔ خود رفع تعدیات غیرقانونی روس و ایتالیا را جداً بخواهند، و تا رفع این غائله عظمی نشود آسایش و استقرار را بر خود حرام و این حرکت اسلام پرورانه را جهاد فی سبیل الله مثل مجاهدین بدر و حنین شناسند[1]

محمد کاظم الخراسانی

اسماعیل‌بن صدرالدین العاملی

عبدالله المازندرانی

شیخ الشریعه الاصفهانی

---

۱. فتاوی شماره ۳ الی ۷ برگرفته از کتاب زیر است:
محمد ترکمان: پیشین، از صفحه ۴۸۱ تا ۴۸۶

# بخش دوم

## فتاوی جهادّیه آیات و مراجع عظام عتبات و علمای ایران در دوران جنگ جهانی اول

از ۱۳۳۲ هـق [ ۱۹۱۴ م/ ۱۲۹۳ ش ]
تا ۱۳۳۶ هـق [ ۱۹۱۸ م/ ۱۲۹۶ ش ]

## استفتاء عموم مردم از آیات و مراجع در خصوص دفاع و جهاد برای مقابله با انگلیسی ها

**متن استفتاء**

«حضور شریف حضرات علمای اعلام حجج اسلام آیات الله فی الانام ادام الله برکات وجودهم العالی.

محترماً عرض می‌شود چه می‌فرمائید درباره اشخاصی که با دعوی مسلمانی در این ایام تقابل کفر و اسلام در مقام معاونت دول کافرهٔ محاربه برآمده، سرایا علنا مالا یا حیاتا و جانا، یدا یا لسانا، فکرا یا خیالا، رایا یا اظهارا، قلما یا قدما، علی کل الاحوال در سرّاء و الضراء بکفار حربی خدمت و به مقاصدشان اعانت می‌نمایند. و درباره کسانی که بذرایع اعمال و اقوال یا بوسائل پارهٔ نشریات مجعوله و انتشارات مضره بمرام منویات اعدای دین مبین و دشمنان اسلام و مسلمین مانند انگلیس و روس و فرانس و ایتالی و هر یک از کفار حربی که بااسلام و مسلمین طرف مخاصمه و محاربه واقع‌اند و امروز در مقابل مسلمانان به عداوت مشهور و به جنگ و خونریزی مشغولند آنان را ترویج و بدول کافرهٔ محاربه ظاهراً و باطناً مساعدت می‌نمایند. چه حکم دارند و تکلیف مسلمانان با اینگونه اشخاص چیست؟ مستدعی است بجهت تعیین تکلیف مسلمین نسبت به این نوع مردمان حکم‌الله را در صدر و حواشی و صفحه مقابل مرقوم و با مهار و خواتیم شریف ممهور و مختوم فرمائید که عندالحاجه حجت باشد. ان الله لایضیع اجرمن احسن عملاً.»

(۱)

## متن حکم جهاد از طرف آیت‌الّله سید مصطفی کاشانی

«بسم‌الله الرحمن الرحیم. چنین کسی که به یکی از طرق مرقومه به کفار حربی مثال روس و انگلیس و ایتالی و فرانس اعانت نماید، از جمله محاربین با خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله محسوب و ساعی در محو دین خدا و خاموش کردن نور حق خواهد بود و گناه بسیار بزرگی است. قال‌الله تعالی:( ان الذین یحادون الله و رسوله اولئک فی الاذلین)[۱]. بلکه دور نیست تقویت و مساعدت دول کافرهٔ محاربه، بقلم و زبان اشد باشد از اعانت آنان به سیف و سنان و واجب است بر هر مسلمانی که اینطور اشخاص را از این اعمال شنیعه ردع و منع نمایند و اگر مرتدع نشود واجب است از ایشان تنفر و تبری کنند هر چند پدر یا پسر یا برادر یا خویشاوندان او باشد. چنانکه خداوند حمید در قرآن مجید می‌فرماید :( لاتجد قوما یومنون بالله و الیوم الاخر یوادون من حادالله و رسوله ولو کانوا آبائهم اوابنائهم او اخوانهم او عشیرتهم.[۲]

اعاذناالله و جمیع المسلمین من امثال هولاءالفجرة المفسدین.[۳]»

الجانی السید مصطفی النجفی الکاشانی عفاالّله عنه

---

۱. سوره مجادله، آیه ۲۰.
۲. سوره مجادله، آیه ۲۲.
۳. محمد صادق تهرانی: نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی عراق (انتشارات دازالفکر، قم، بی تا، ص ۹ و ۱۲)

(۲)

## فتوای حجةالاسلام القمشهی

بسم اله الرحمن الرحیم شبهه نیست در حرمت اعانت کافر.که محارب با مسلمین هستند بلکه از اعظم کبائر است. بر علماء و ارباب منابر و سایر متدینین لازم است موعظهٔ اینگونه اشخاص وردع آنها. و اگر العیاذ بالله مرتدع نشدند آنوقت آنچه تکلیف احقر است درباره آنها بیان می‌شود.
حرره‌الاقل محمد حسین القمشهی[۱]

۱. مورخ الدوله سپهر: ایران در جنگ بزرگ، بی‌جا، بی‌نا (۱۳۳۶) صص ۷۲-۷۳

(۳)

## فتوای دیگری از آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی در وجوب جهاد برای مقابله با تهاجم اجانب

بسم اللّه الرحمن الرحیم

حفظ بیضه اسلام و حراست ثغور مسلمین از تهاجم کفره و دفع متهاجمین از ممالک اسلامیه، اول وظیفه اسلامیت و فریضهٔ ذمت قاطبهٔ اسلامیان و باید عموماً خاصه ارباب قوت و شوکت و عدّه و عدّت و ایلات و عشایر با حمیت که حصون منیعه و قلاع محکمه بلاد اسلامیه هستند در حراست حدود و ثغوریرا [ثغوری را] که به عهده دارند ید واحده و کلمه متحده بوده، دقیقهٔ [دقیقه‌ای] از بذل جان و مال با کمال جد و اهتمام در قیام به این وظیفه لازمه مضایقه و خودداری ننمایند که بر عموم اهل اسلام فرض و واجب و از اهّم تکالیف الهیه جل شأنه و توانی و تخاذل در این مقام منافی مقام اسلامیت و موجب ننگ و عار و دخول نار و سخط خداوند منتقم قهار عظم سلطانه است. نعوذباللّه من ذلک ولاحول و لاقوةالا باللّه و السلام علیکم جمیعاً و رحمةاللّه و برکاته [۱].

محمد تقی الشیرازی

---

۱. محمد نادر نصیری مقدم: گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول، اداره انتشار اسناد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (تهران ۱۳۷۴) ص ۶۲

(۴)

## تلگراف آیت اللّه سید محمد کاظم طباطبایی یزدی بـه شـیخ خـزعل، حاکم محمره در دعوت او به جهاد علیه کفار متجاوز

بسم اللّه الرحمن الرحیم

پوشیده نیست که حفاظت از بیضهٔ اسلام و دفاع بـا جـان [و] مـال از مرزهای مسلمانان در مقابل تهاجم کفار، از اهم واجبات است. تو نیز در یکی از مرزهای مهم هستی که حفاظت از آن در مقابل هجوم کفار با هر وسیلهٔ ممکن واجب است. کما اینکه این امر بر سایر عشایر ساکن در این مناطق نیز واجب است و تو می‌بایست این موضوع را به اطلاع آنها برسانی. هـمچنین بـر کـلیّه مسلمانان یاری و حمایت کفّار در جنگ علیه مسلمانان حرام است. امید است با همّت و غیرتی که تو داری، تمام سعی و تلاش خویش را برای دفع کفار مبذول داری. خدا تو را با پیروزی بر دشمنانش یاری می‌کند[۱]. ان شاءاللّه

محمد کاظم طباطبایی

۱. عبدالحلیم الرهیمی: تـاریخ حـرکت اسـلامی در عـراق، تـرجـمه مـحمد نـبی ابـراهـیمی، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی (تهران ۱۳۷۵) ص ۲۹۴

## (۵)

**متن نامه‌ای که از طرف علمای بزرگ: آیت‌اللّه شیخ فتح‌اللّه اصفهانی (شیخ الشریعه)، آیت‌اللّه سید مصطفی کاشانی و آیت‌اللّه میرزا مهدی خراسانی و سید علی تبریزی به شیخ خزعل برای شرکت در جهاد علیه انگلیسی‌ها ارسال شده است.**

«باسم دین محمد بر تو واجب است که همصدا با سایر مسلمین برای مقابله با کفارو دفاع از بصره بمال و جان و به هر آنچه در اختیار تو است در قیام و نهضت شرکت کرده و این یک حکم و دستور دینی است و اختلافی بین ایرانی و عثمانی وجود ندارد. با بذل مال و بذل جان جهاد کنید خداوند بحول و قوت خود شما را نصرت میدهد. این حکم را به جمیع مسلمین ابلاغ کنید و ما را سریعاً از اقدامات خود مطلع گردانید»[۱]

۱. محمد صادق تهرانی: پیشین، ص ۱۴ و ۱۵ همچنین، عبدالحلیم الرهیمی: پیشین ص ۲۹۵

(۶)

## متن فتوای آیت‌الله سید عبدالحسین لاری در وجوب دفاع و جهاد علیه تجاوزات انگلیسی‌ها

### متن حکم جهاد علیه انگلیس

بسم اللّه الرحمن الرحیم

اعلان فرمان قضا جریان حضرت سبحان و محکمات قرآن و امام زمان (ع) یا ایهاالذین آمنوا جاهدوا الکفار والمنافقین و من یتولهم منکم فانه منهم اعلان بهر کس و هر جا از فرق مسلمین خارج و داخل حتی برنسوان و صبیان و سلطان و فرمانفرما و قوام و اعراب و هر کس که لاف از مسلمانی میزند واجب فوری عینی است خصوصاً در این زمان امتحان کفر و ایمان؛ جهاد و دفاع این کفار حربی ابالیس انگلیس و اعوان ایشان و سد ابواب طمع و جای قرار و راه فرار از هرگوشه و کنار و کوچه و بازار بدون مهلت و انذار بعذاب‌النار و خزی و عار و صغار چنانچه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرموده است: «فاقتلواالمشرکین حیث و جدتموهم وخذوهم و احصروهم و اقعدوالهم کل مرصد»[1] و هر کس تخلف و تقاعد از این جیش مجاهدین و از این جهاد اکبر و نهی از منکر نماید؛ کان تخلف از جیش اسامه و امام عصر (ع) نموده اعم از

---

۱. سوره توبه، آیه ۵.

مَن اِستَحل الّحَرام خَرَجَ عنِالاسلام وَ مَن لَم یَحکُم بِما اَنزَلَ اللّهِ فَاوُلئکَ هُمُ الکافِرونَ اُولئکَ یَلعَنَهُمُ اللّه وَ یَلعَنَهُمُ اللاعِنوُنَ

چنانکه در حق عالم بنی اسرائیل فرموده:
مَثَلُهُ کَمَثَلِ الکَلب اعزُّذلِکَ مِنَ الایاتِ وَالبَیّنات
بتمام سرداران اعراب اعلان دهید تا واقف به تکلیف شرعی خود شوند و غیرت عربی را از دست ندهند که اسیر کفار شوند[1].
اقل خدّام الشریعةالمطهره صحیح عبده عبدالحسین الموسوی»

۱. محمد حسین رکن زاده آدمیت: فارس و جنگ بین‌الملل، انتشارات اقبال، (تهران، ۱۳۴۹) چاپ سوم جلد ۲ ص ۳۵۶

(۷)

**القیام القیام یا اسلام**

[قاتلو هم یعذبهم اللّه باید یکم و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدورقوم مؤمنین][1] آیا با وجود آیات قرآنیه و احادیث نبویه و اجماع علماء دینیه مجال عذری بر احدی مانده [کیف و ان یظهروا علیکم لا یرقبوا فیکم الا و لاذمه][2].

بسم اللّه الرحمن الرحیم

پوشیده نیست که دول اروپا[3] بخصوص انگلیس و روس و فرانسه همیشه از قدیم الایام بر ممالک اسلامیه تعدی و تجاوز می‌نموده چنانچه اکثر ممالک اسلام را غصب نموده‌اند و از این تعدیات بجز محو دین العیاذ باللّه مقصدی ندارند تا در این اوقات مقاصد خود را ظاهر نموده بر ممالک دولت علیه عثمانیه (اعزاللّه بنصرها الاسلام) هجوم نموده و نزدیک است دست تعدی دراز و بر حرمین شریفین و مشاهد ائمه طاهرین علیهم السلم تهاجم و بر اوطان اسلامیان و نفوس و اعراض و اموال آنها تغلب نمایند پس واجب است بر عشایر قاطنین ثغور و عموم مسلمین متمکنین اگر در حدود من به الکفایه نباشد حفظ حدود خود و دفاع از بیضهٔ اسلام مقدار قدرت خود بنمایند واللّه هو الناصر و المعین و المؤید للمسلمین[4].

الاحقر محمد کاظم الطباطبایی

---

۱. سوره توبه / آیه ۱۴

۲. سوره توبه / آیه ۸

۳. در اصل : اروپ.

۴. از فتوای شماره ۷ تا ۵۹ برگرفته از اسناد وزارت امور خارجه است.

(۸)

## صورت حکمیست که از حضرت مستطاب استاد الفقهاء و المجتهدین حجةالاسلام و المسلمین آیت اللّه فی العالمین میرزا محمد تقی شیرازی متع للّه المسلمین بطول بقائه صادر شده است

بسم اللّه الرحمن الرحیم و هوالمستعان و حول و لا قوة الا باللّه

ای مسلمانان اینک مهاجمات دشمنان دین بر حرم خدا و حرم رسول او و مشاهد ائمه طاهرین صلوات للّه علیهم اجمعین نزدیک شد اینک کفار اراده کرده‌اند که دماء مسلمین را سفک نموده حرمت دین مبین را هتک کنند بلاد مسلمین و شعائر و مشاعر و نفوس مؤمنین در خطر اندر است بنابر این بر جمیع عشائر و ایلات ساکنین در ثغور و حدود و بر عموم مسلمانان لازم و واجب است که با هر چه در قوهٔ آنها است و ممکنشان می‌شود حفظ ثغور و حدود بلاد مسلمین را نموده دفاع از حوزهٔ اسلام را در عهده بگیرند.
وللّه هو الناصر و المعین فاللّه الله فی ذلک یا معاشر المسلمین و السلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته.

محمد تقی الشیرازی

(۹)

بسم اللّه الرحمن الرحیم

یجب الدفاع عنهم بلااشکال اخوان مؤمنین دفاع این مخذولین ملاعین را فریضه مهم خود بدانند و تکاسل و توانی در دفع و طرد آنها [را] بر خود روا و جایز نشمارند که قطعاً حرام [و]از عضائم معاصی و انام است.

حرره الجانی شیخ الشریعه الاصفهانی

(۱۰)

لا ریب ولا شبهه فی و جوب ذالک.

حرره الاقل علی رفیش

(۱۱)

حفظ هذه الثغور من عدونا لكفور واجب حفظها حفظها اللّه.

حرره محمد سعید حبوبی

مصطفی الحسینی الکاشانی

(۱۲)

بسم اللّه الرحمن الرحیم

وجوب دفاع در صورت مفروضه از ضروریات اسلام است با شرائط مقرره.

الا حقر محمد علی النخجوانی

الا حقر السید علی التبریزی

الداعی مهدی الخراسانی

الاقل جواد نجل [فرزند]المرحوم صاحب الجواهر قدس سره

الا حقر سید مصطفی النخجوانی الایرانی المهاجر

(١٣)

بسم اللّه الرحمن الرحيم

شبه در لزوم دفع و قلع و قمع کفار در مفروض سؤال نیست چـنانچه مرقوم فرموده‌اند مد ظله العالی.

حرره الراجی اسماعیل صدرالدین
محمد حسین الحایری المازندرانی
الاقل علی بن الشیخ قدس سره
الجانی مهدی آل السید حیدر الحسني الحسینی

(١۴)

وجوب دفاع کفار از بلاد مسلمین از ضروریات دین و منکر آن معدود از کافرین است

الراجی محمد مهدی

(۱۵)

بسم اللّه وله الحمد لاریب فی وجوب ذلک.

حرره ابراهیم السلماسی الکاظمی

الراجی عفوریه و رضاه راضی آل المرحوم الشیخ عزیز

بسم اللّه سید حسن صدرالدین

(۱۶)

## بسم اللّه الرحمن الرحیم

مطلب همان است که حضرت حجةالاسلام آیةاللّه فی الانام روحی فداه فرموده‌اند در متن بی‌شک و شبهه.

حرره الا حقر عبدالحسین اسداللّه

احقر عبدالحسین آل یس

بسم اللّه الرحمن الرحیم

اقل الداعین محمد.امین اسداللّه

## استفتاء واقع از علماء اعلام

### بسم اللّه الرحمن الرحیم

چه می‌فرمائید علماء دین و مبینین احکام شریعت سید المرسلین علیه صلوات رب‌العالمین در این مسئله شرعیه که امر وز دول سبعهٔ کفار که روس و انگلیس[۱] و فرانسه و ژاپن[۲] و بلژیک[۳] و صرب و مونته نگرو[۴] باشند بدولت علیه اسلامیه عثمانیه اعلان حرب نموده و از هر طرف براً و بحراً به ممالک اسلامی هجوم کرده و مشغول نهب اموال و قتل رجال و سبی نساء و انهدام بلاد مسلمین می‌باشند آیا تکلیف عموم مسلمانان از هر مذهب و ملت و طریقهٔ که باشند دفاع کفار از بلاد اسلامیه و قتال و جدال با آنها هست یا خیر و اگر کسی تمکن از رفتن و مدافعه نمودن و بذل اموال کردن داشته باشد جایز است که ترک دفاع و بذل اموال نموده در خانه خود ساکت بنشیند یا حرامست. آنچه حکم اللّه است بطور واضح و آشکار در صدر این سؤال بیان فرموده و بخاتم شریف مزین و مختوم دارند.

افتونا اجرکم علی‌اللّه

---

۱. در اصل: انگریز
۲. در اصل: ژاپون
۳. در اصل: بلجیک
۴. در اصل قره‌طاغ.

## اجو به شریفه

(۱۷)

### بسم اللّه الرحمن الرحیم

با هجوم کفار بر بـلاد مسـلمین واجب است مـع القـدرة دفـاع آنـها و متمکنین از عامه مسلمین هر گاه من به الکفایه نباشد.

الاحقر محمد کاظم الطباطبایی

(۱۸)

### بسم اللّه الرحمن الرحیم

بسم اللّه و الحمدللّه و لا حول و لا قوة الا باللّه
ای مسلمانان این اصحاب دین و غیرة ؛ ـ اللّه و اللّه شتاب کنید در حفظ حدود بصره اللّه اللّه مسارعت نمائید در مساعدۀ برادران دینی خود عجله نمائید در اجابت استغاثه آنها و به فریاد آنها برسید اللّه اللّه مشاهد ائمه خود را در یابید و دفاع از تجاوز دشمنان دین بکنید بدانید ای مسلمانان و آگاه باشید که بر عموم مسلمانان مساعدة مسلمین و سادات و علمائی که برای دفـاع از ثـغور بـصره مسارعت و مسابقت جسته‌اند لازم و واجب گردیده است.
محمد تقی الشیرازی

(۱۹)

اهالی مذاهب معروفه مسلمین امروزه منحصر است در فرق سُنّیه و امامیه و اسماعلیه و زیدیه و وهابیه و خوارج و جمع علماء جمیع این مذاهب اتفاق و اجماع دارند که با هجوم کفار بر بلاد مسلمین و اشتغال بقتل رجال و نهب اموال و بلند کردن کلمه کفر و پست نمودن کلمه اسلام بر هر مسلم قادری لازم است به آنچه مقدور او است در دفاع کفار و مشرکین و کسر صولت معاندین دین. بذل جهد نماید و خود را از ملامت دنیا و عذاب آخرت نجات دهد و از قدر میسور بتقصیر و فتور راضی نشود یکی به مال دیگری بر جان ثالثی ببذل سلاح رابعی به آبرو و جاه خامسی به اعمال حیله و تدبیر ساد سی به زدن تفنگ و تیر و هکذا خداوند تبارک و تعالی فرموده [و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو اللّه و عدوکم[۱]] و آنچه گفتیم هر یک قسمی است از قوه و صنفی است از عده‌ای برادران دین و ای معاشر مسلمین از خواب غفلت بیدار شوید قبل از آنکه نعره‌های توپ و تفنگ و هیاهوی صفوف جنگ شما را بیدار کند راضی نشوید توحید شما بتثلیث و مساجد شما بکنائس و اذان شما بناقوس بدل شود مردان شما سائس و مهتر دواب کفار و زنان و اطفال شما اسیر و غلام و کنیز اشرار شده دست بدست فروخته شوند یا؛ با روهای باز؛ و بدنها[ی] برهنه و شکمهای گرسنه دست آنها به گدایی نزد کفار دراز باشد شرف خود را حفظ کنید و خود را نزد خدا و پیغمبر خدا روسفید کنید تا استقلال شما محفوظ بماند انشاء اللّه تعالی

حرره الخاطی الجانی
شیخ الشریعه الاصفهانی عفی عنه

---

۱. سوره انفال /آیه ۶۰

(۲۰)

## بسم اللّه الرحمن الرحیم
## و به ثقتی

شبه نیست که چنین وقتی که در سئوال مـرقوم گـردیده واجب و لازم است بر هر قادر و متمکن رفع کفار از هجوم ببلاد اسلام.
واللّه تعالی هوالموفق للصواب

حرره الاحقر اسماعیل
صدرالدین

(۲۱)

## بسم اللّه الرحمن الرحیم

بلی در صورت مرقومه که بیضه اسلام در خطر است وجوب دفـاع از ضروریات دین مقدس اسلام علی الصادع به السلام است پس بر هر مسلمانی از هر مذهب و ملت که باشد واجب است بقدر مقدور بجان و مال و قلم و لسان در حفظ بیضه اسلام بکوشد و ترک آن با قدرت و استطاعت حرام است بلکه دور از اسلامیت است و البته هیچ مسلمانی کوتاهی نخواهد نمود و بعون اللّه تعالی مسلمانان مظفر و منصور خواهند بود. قال‌اللّه قاتلوهم یعذبهم اللّه بایدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مؤمنین[۱].

الجانی مصطفی الحسینی
النجفی الکاشانی

---

۱. سوره توبه / آیه ۱۴

(۲۲)

## بسم اللّه الرحمن الرحیم

در مثل این چنین روزی بر مسلم واجب است که از بلد اسلام بحسب تمکین با مال و جان دفاع نماید و بهیچوجه برای مقتدر تقاعد از آن جایز نیست. واللّه الناصرالمعین.

الاقل الجانی محمد حسین
الحائری المازندرانی

(۲۳)

## بسم اللّه الرحمن الرحیم

قال‌اللّه تبارک و تعالی شأنه قاتلوالمشرکین کافةً کما تقاتلونکم کافةً[۱] بر تمام طبقات مسلمین کالشمس فی رابعةالنهار معلوم که حفظ بیضه اسلام و دفاع از استیلاء دول کفر مهما امکن از اهم واجبات دین اسلام است و به محض هجوم کفار بر بلاد مسلمین این تکلیف الهی تعالی شأنه بر عهدهٔ تمام مکلفین

۱. سوره توبه /آیه ۳۶

ثابت و محقق می‌شود و اگر این تکلیف معمول به نباشد اساس اسلامیه منهدم و زحمات حضرت ختمی مرتبت و اهل بیت طاهرین و اصحاب کرام آن حضرت صلوات اللّه علیه و سلامه علیهم اجمعین و خون پاک شهداء راه دین و خدمات سلاطین اسلام به هدر رفته نتیجه‌اش اسارت نسوان و رقیت اعقاب خواهد شد و چون در این ایام عفت فرجام هجوم کفار بر ممالک اسلامیه عیاناً مشهود و بر احدی مستور نیست پس برکافه مسلمین لازم و واجب است که کمر حمایت از اسلام را محکم بسته در مقصد اتحاد و دفاع از استیلاء کفار و اعادی دین مالاً و روحاً و نفساً ساعی و جاهد باشند تا اینکه بیضهٔ اسلام و ممالک اسلامیه از غلبه کفار محروس و معابد و مشاهده مشرفه و اذان و اقامه و نحو آنها که از شعایر اسلام است مبدل بکنایس و نواقیس و نحو آنها که از علائم عبده اوثان است نگردد. قال اللّه تعالی شأنه ان تنصروا اللّه ینصرکم و یثبت اقدامکم[۱] ان اللّه بالمرصاد و السلام علی اخواننا المسلمین و رحمةاللّه و برکاته.

الاحقر الجانی السید علی
التبریزی عفی اللّه عنه

۱. سوره محمد /آیه ۷

(۲۴)

بسم اللّه الرحمن الرحیم

با هجوم کفار بر بلاد مسلمین واجب است مع القدرة دفاع آنها بر متمکنین از عامه مسلمین هرگاه من به الکفایه نباشد

الاحقرالجانی محمد
علی النخجوانی

(۲۵)

بسم اللّه الرحمن الرحیم

بلی واجب و لازم بر کافهٔ مسلمین موحدین دفاع این کفره به جان و مال به جهت احتمال عدم کفایة مسلمین که دز مقابل کفره می‌باشند و واجب است بر مسلمینی[۱] که در بلاد کفار هستند و می‌باشند اعانه مسلمین به هر نحوی که متمکنند ولو به مهاجرت از بلادشان ببلاد اسلام و جائز نیست بر هر متمکن و دفاع به جان و مال قعود و تسامح و تهاون و تخاذل.

الراجی عفوریه مهدی
آل السید حیدرالحسنی

۱. در اصل: اسلامی

(۲۶)

## بسم اللّه الرحمن الرحیم

بلی وجوب دفاع ان [عن]اعداء دین و کفار معاندین یکی از ضرورت دین و منکر آن خارج از زمرهٔ مسلمین است و اعانه محارب به آنها از فرایض لازمه اکیده بر ذمه مؤمنین موحدین است ولو در بلاد خودشان و اگر نتوانند واجب است مهاجرت به بلاد مسلمین به جهت معاونت اسلام بر کفار. و حرام است تقاعد و تکاهل و تسامح از بذل جان و مال کم یا بیش بلکه واجب است کشتن معاونین کفار ولو معاون از مسلمین باشد.

احقر ابراهیم السلماسی الکاظمی

(۲۷)

## بسم اللّه الرحمن الرحیم

واجب است بر هر مکلفی از جمیع فرق مسلمین دفاع از بیضه اسلام و حفظ حوزه دین مبین و دفاع [دفع] از نفوس مسلمین و اعراض و اموالشان بجان و مال در معاونت اهل ثغور در صورتی که قاصر از مقاومت باشند پس واجب است وجوب کفایی که به مال و نفوس ولو از ابعد اماکن و محال بـه حسب مقدور آنها را معاونت و امداد نمایند به مفاد لایترک المیسور بالمعمور و هـر کس بدون عذر شرعی تقاعد و تسامح در معاونت ورزد غیرمعذور است ولو در ممالک کفر باشد واللّه العالم.

اقل الداعین محمد امین عفی اللّه
عنه آل المرحوم الشیخ
اسداللّه طاب ثراه

(۲۸)

## بسم اللّه الرحمن الرحیم

وجوب دفاع فوق مرقومه از ضروریات که منکران واجب الدفاع است و اعانه مدافعین بهر نحو که ممکن باشد چه بذل مال و چه غیر از آن واجب می‌باشد اتفاقاً و به احتمال عدم کفایت حد یقف که در حدود باشند مهاجرت بر مسلمین که از حدود و دور می‌باشد به آن مکان[1] هم واجب است بلا اشکال و اللّه اعلم.

احقر عباد اللّه
عبدالحسین اسد اللّه

(۲۹)

## بسم اللّه الرحمن الرحیم

همچنین که مرقوم فرموده‌اند.

حرره الاحقر عبدالحسین آل یس

---

۱. در اصل بانمکن.

(۳۰)

بسم اللّه الرحمن الرحیم

بر هر متمکن واجب است اگر من به الکفایه نباشد در حفظ حدود مسلمین و حفظ بیضه اسلام.

الاحقر سید حسن
صدرالدین

(۳۱)

بسم اللّه الرحمن الرحیم

بلی وجوب دفاع اَن[عن] اعداء دین و کفار معاندین یکی از ضروریات دین و منکر آن خارج از زمرهٔ مسلمین است و اعانه محارب با آنها از فرایض لازمهٔ اکیده بر ذمهٔ مؤمنین [و] موحدین است ولو در بلاد خودشان و اگر نتوانند واجب است مهاجرت به بلاد مسلمین به جهت معاونت اسلام و دفاع کفار و حرام است تقاعد و تکاهل و تسامح از بذل مال و جان کم یا بیش بلکه واجب است کشتن معاونین کفار ولو معاون از مسلمین باشد.

الاحقر ابراهیم السلماسی الکاظمی
الراجی عفوریه و رضاه راضی آل‌المرحوم الشیخ عزیز
الراجی محمد مهدی

## فتاوی تلگرافیه

(۳۲)

### بسم اللّه الرحمن الرحیم

**[از] عَشار[۱] [به] محمره [خرمشهر]**

سلام علی السردار الارفع معز السلطنه الشیخ خزعل خان دام اجلاله العالی

مخفی نماند که از اهم واجبات دینیه حفظ بیضه اسلام و مدافعه کفار از هجوم بر بلاد مسلمین و فداکردن مال و جان در راه حفظ اوطان اسلامیت است و فعلاً جناب شما در یک ثغر بسیار مهم از ثغور مسلمین ساکن هستید لذا بر شما واجب است که آن ثغر را بهر نحویکه متمکن هستی از هجوم کفار محافظه نمایی چنانکه بر عموم عشائریکه در آن صفحات هستند محافظه بلاد و ثغور اسلام واجب است و این حکم شرعی و فریضه دینی را بر عموم آنها تبلیغ نمائید و بدانید که معاونت کفار و کمک شدن آنها در محاربه مسلمین حرام و موجب غضب خدا و رسول است و از مراتب همه و دین‌داری و غیرت اسلامی شما امیدواریم که تمام قوه و طاقتتان را در راه اسلام بذل کرده و تمام جد و کوشش را در دفاع کفار خواهید داشت و انشاا اللّه خداوند عالم شما را بر کفار و اعداء دین منصور خواهد داشت

محمد کاظم الطباطبایی

---

۱. عَشار: یکی از شهرهای جنوبی عراق است. جزء استان بصره و در کنار اروند رود واقع شده است. فاصله عشار تا خرمشهر سی کیلومتر است.

(۳۳)

## عشار

شیخ طاهر فرج‌اللّه

تلگراف شما رسید از جانب ما به عموم عشائری که در اطراف شما هستند برسانید که مدافعه کفار به هر نحوی که می‌توانند واجب است.
واللّه المؤید بالنصر انشاء اللّه

محمد کاظم الطباطبایی

(۳۴)

## عشار

جناب شیخ ابراهیم مظفر دام فضله

به تمام عشایری که در اطراف شما هستند از جانب ما اعلام نمایید که واجب است بر آنها مدافعه کفار به هر طوری که متمکن هستند.
واللّه المؤید بالنصر انشاء اللّه

محمد کاظم الطباطبایی

(۳۵)

## عشار

محضر شریف وکیل والی ولایت بصره دام اجلاله
تلگراف شما رسید و ما هم به جناب شیخ خزعل خان و جمیع عشائریکه در آن حدود ساکن هستند تلگراف نموده و بیان نمودم که واجب است بر آنهاکه تمام اهتمام و سعی را در حفظ بیضه اسلام و مدافعه کفار و اعداء دین داشته باشند و به هر نحوی که متمکن و قادرند این واجب دینی را بجا آورند و از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که شما را به نصر عزیز و فتح قریب مؤید بدارد.
محمد کاظم الطباطبایی

(۳۶)

## عشار

حضرات اعزهٔ محترمین الحاج جعفرالعطیه. الحاجی حمودی الملاک، الحاج موسی العطیه، الحاج مهدی الهواز، عبدالجبار الخضیری، الحاج فضل الحاج عباس سلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته
تلگراف شما رسید و به جمیع عشائری که در حدود ساکن هستند و به عموم مسلمین که قادر و متمکن هستند نوشتیم که واجب است بر همه آنها مدافعه کفار و حفظ بیضه اسلام به هر نحوی که می‌توانند و از خدای تعالی مسئلت می‌نمایم که شما را فتح و نصرت مؤید بفرماید.
محمد کاظم الطباطبایی

(۳۷)

## از سامره[۱] [به] سوق الشیوخ[۲]
## حضرت حجةالاسلام شیخ باقر حیدر

بسم اللّه الرحمن الرحیم

هوالمستعان ولا حول و لا قوة الا باللّه

بعد از عرض سلام اظهار می‌شود که جناب شما امروز شایسته ترین کسی است که حرکت کند و جمیع قبایل را هم حرکت دهد برای مدافعه ثغر بصره زیراکه حفظ ثغور مسلمین و بلاد اسلام واجب و سعی و کوشش در دفاع کفار [از] اهم فرایض الهیه است. انشاءاللّه سریعاً ما را از اطاعه عشائر بر اوامر الهیه و حفظ بیضه اسلام اطلاع دهید.

محمد تقی الشیرازی

---

۱. سامره یا سامراء و یا سرمن‌رای شهری است در شمال بغداد در ساحل شرقی دجله مرقد مطهر امام علی نقی (ع) در این شهر است.

۲. سوق الشیوخ شهری است در جنوب عراق، درکنار رودخانه فرات و در شمال غربی بصره.

(۳۸)

## از سامرا الی قُرنه[1] توسط عطیه زاده خضیری زاده

محضر شریف سردار ارفع منتصر السلطنه شیخ خزعل خان وفقه اللّه
بسم اللّه الرحمن الرحیم

اما بعد حمداللّه و الاستعانه بحوله و قوته و بعد السلام علیکم. هجوم کفار بر اسلام و بلاد مسلمین و عموم مسلمین تکلیف دفاع را وارد آورده باید حرمت دین و حرمت اهل دین را کسی که مسلم است لازم شمارد فریاد و استغاثه مسلمانهای بیچاره که یا للمسلمین می‌گویند؛ مسلمانی باید به هر آنچه می‌تواند جواب بدهد کدام(...)[2] و عار و کدام بدعاقبتی و عذاب ابدی را برای خود می‌پسندد انسانی که امروز به فریاد اسلام و مسلمین نرسد. .ما امیدواریم که مساعی مشکوره شما در اعانت برادران اسلامی خود باشد و خودتان با جمعی عشایر و عموم کسانی که اطاعت امر شما را می‌کند جد وافی و سعی کافی در حفظ بیضه اسلام و دفع کفار داشته باشید الحمدللّه خداوند عالم نعمت خود را بر شما تمام کرده مال رجال ریاسة عزه و شرف و نفوذ کلمه را دارا هستید امروز اسلام چشم امید و غیرت و مردانگی شما دوخته امیدواریم بشارات خیریه از اقدامات سریعه نافعه خود بدهید امروز دنیا است فردا آخرت امروز حیات است فردا موت، نجات و آخرت در یاری رسول اللّه است.

محمد تقی شیرازی

---

۱. قرنه یا قورنه شهری است در جنوب عراق در محل التقای دو رودخانه دجله و فرات.
۲. یک کلمه خوانده نشد.

(۳۹)

## از سامره [به] قُرنه به توسط خضیری زاده عطیه زاده
## حضرت امیرافخم الشیخ مبارک صباح و فقه اللّه

بسم اللّه الرحمن الرحیم
و له الحمد و لا حول و لا قوة الا باللّه

بعد از اداء وظیفه سلام و ادعیه خالصه معروض می‌دارم امروز کفار هجوم بر بلاد اسلام کرده و قصد استیلاء بر بلاد اسلام دارند و بر تمام فرق اسلام واجب الّهی معین شده که همگی یک دست و یک قلب گشته دفاع از بیضه اسلام نمایند و مانع از تهاجم کفار باشند. امروز وقتی است که هیچ مسلمان دین دار صاحب غیرت و حسب نمی‌تواند سستی و تخاذل در دفاع داشته باشد امروز باید تمام عداوات و عصبیات را کنار گذاشته متفق الکلمة در مقابل دشمنان دین سد منیع و حرز متین اسلام باشیم امید ما این است که عن قریب بشارت مساعی مشکوره شما را در خدمت به جامعه اسلامیه که نجات دنیا و آخرت است بشنویم. الحمدللّه خداوند عالم نعمتش را مالا و رجال و شرافت بر شما تمام کرده. انشاءاللّه شکر این نعمت را در خدمت بر اسلام ادا خواهید کرد شما ذخیره[1] اسلامید بفریاد اسلام برسید.

محمد تقی شیرازی

---

۱. در اصل: ذخر

(۴۰)

## عشایر

به توسط جناب الاجل المحترم حاجی حمودالملاک.

به محضر مبارک بنده‌گان، جناب اجل اکرم سردار ارفع دام اقباله.

بناء شریعت غرای محمدی واجب است بر هر مسلم حرکت و قیام با مسلمانها و اتفاق کردن با آنها در مدافعه کفار از ثغر بصره به مال و جان و این حکم دینی فرق میان عثمانی و ایرانی نمی‌گذارد. جهاد کنید با مال هـایتان و جانهایتان خداوند شما را کمک خواهد نمود انشاءاللّه و این حکم را به عموم عشائر رسانید و نتیجه اقدامات را سریعاً اطلاع دهید.

خادم الشریعة محمد حسین الحائری

الاحقر شیخ شریعةالاصفهانی

الاحقر السید مصطفی الکاشانی

الاقل جواد صاحب الجواهر

آیةاللّه زاده خراسانی

الاحقر السید علی التبریزی

بحرالعلوم زاده

الراجی الصدرین

(۴۱)

## سوق الشیوخ

جناب ناصرالاسلام

ناشرالاحکام الشیخ باقر

الشیخ حیدر

تلگراف شما رسید و نهایت موجب حزن و پریشانی خاطر شد. به عموم مسلمین حکم وظیفه دفاع و حفظ بیضه اسلام را نشر دادیم و فریضه رب العالمین را بر همه‌گوش زدکردیم و خودمان هم آماده و حاضریم و منتظر وقت و رسیدن تکلیف هستیم انشاءاللّه.

الاقل شیخ الشریعه اصفهانی

(۴۲)

## بصره

حاجی محمد العلی، حاجی جعفر العطیه، حاجی عبدالجبارالخصیری، حاجی حمودالملاک، حاجی فضل، حاجی مهدی

السلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته تلگراف شما رسید و نهایت باعث کدورت و تشویش خاطر این جانبان شد چندی قبل به عموم علماء و وزراء و رؤسای ایران نوشته بودیم و آنها را ملتفت کرده بودیم که امروز اتحاد و اتفاق با دولت علیه عثمانی لازم و واجب است و تازه‌گی[تازگی] تلگرافی به حاکم محمره کرده و بیان نمودم که باید به دولت علیه عثمانیه معاونت نماید و دشمنان عثمانی دشمنان دین مبین اسلامند. لذا واجب است که آنها را دفع نمود و با مسلمین یک دست شده اجانب و کفار را از ثغور مسلمین طرد و تبعید کرد و فعلاً هم تلگرافی به طهران نموده عموم مسلمین را اعلام نمودیم که امروزه باید متحداً کفار را دفع نموده و حفظ بیضه اسلام را بنمائید و شما هم به عموم عشائر و سایر اهالی برسانید که ما حکم می‌کنیم که حفظ بیضه اسلام لازم و دفع کفار از بلاد اسلام اوجب واجبات است و سستی و تهاون در این امر حرام و موجب غضب خدا و رسول است و انشاءاللّه نتیجه خیر را اطلاع دهید.

الاقل شیخ الشریعه الاصفهانی

(۴۳)

## سوق الشیوخ

جناب مستطاب العلام
الشیخ باقر حفظه اللّه

بصره

## عموم تجار محترمین

امروز به عموم مسلمین و کافه امت حضرت سیدالمرسلین صلی اللّه علیه و آله از عرب و عجم خصوصاً به عشایری که ساکن حدود و مقیم در ثغوراند واجب شرعی و فریضه الهیه است که با تمام جد و اهتمام حفظ بلاد اسلام و کفاری که حمله بر حدود می‌نمایند آنها را برگردانیده و دماغشان را برخاک بمالد و هر کس در این واجب شرعی الهی سستی و تهاون نماید استخفاف به امر خدا و رسول خدا کرده و خذلان دنیا و آخرت را برای خود پسندیده و این تلگراف ما را به عموم مسلمین برسانید.

الا حقر خادم الشریعت
مصطفی الغر وی الکاشانی

(۴۴)

## بصره

حاجی موسی العطیه، حاجی جعفر عبدالجبار الخصیری، حاجی فاضل،حاجی حمود الملاک، حاجی مهدی هواز

تلگراف شما رسید و باعث کدورت ما گردید و کافه مسلمانهای دنیا را امر به قیام و حرکت دادیم به تمام عشائر و اهالی بلاد برسانید که ما آنها را امر می‌کنیم به چیزی که خدا امر فرموده عبارت باشد از مدافعه کفار و حفظ بیضه اسلام؛ تأخیر جائز نیست.

شیخ الشریعه

(۴۵)

## سوق الشیوخ

داعیة الاسلام الشیخ باقر حیدر

تلگراف شما با تلگراف اهل بصره رسید ما هم آنها را امر می‌کنیم که از ما به عموم عشائر و کافه مسلمین برسانند که تمام آنها امروز مأمورانـد بـه یک واجب دینی و فریضه الهیه و آن حفظ بیضه اسلام و دفاع کفار است عشائری که با هم دشمن‌اند میانشان را به زودی اصلاح کن مردانه با تمام کوشش، انشاءالله مؤید بنصرالله باشید.

علی رفیش

(۴۶)

## حمّار[1]

## جناب اکرم افخم سالم آل خیون و عموم عشائر بنی اسد

معلوم شما است که بصره یک ثغر شریفی است از ثغور مسلمین و امروز کفار و مشرکین بر این ثغر هجوم کرده‌اند فعلاً بر شما و سائر مسلمین واجب است که در این ثغر اجتماع کرده و حمایت مسلمین را کرده و اراضی اسلام از شر آنها نگاهداری نمائید و بدانید که غرض این دشمن به جز کلمه لااله الا اللّه[2] نیست. پس تخلف از این مدافعه حرام و خلاف شریعت اسلام است اللّه اللّه فی کلمه لا اله الا اللّه

السید عبدالرزاق الحلو

(۴۷)

## قرنه

آقایان محترمین کیاش آل سعد و عموم آل سعد و بنی منصور و اهالی اشرش

بصره از بزرگترین ثغور مسلمین است و امروز مشرکین بر این ثغر تضییق کرده و حمله‌آور شده‌اند واجب فوری است بر همه شما که در این ثغر اجتماع کرده و از مال و جان گذشته، مدافعه نمائید و عموم عشائر را از این حکم الهی خبردار کنید.

السید عبدالرزاق الحلو

---

۱. حمّار منطقه‌ای است در جنوب عراق.    ۲. سوره محمد / آیه ۱۹

(۴۸)

## قرنه

جناب سید عبدالحسن الحو و عموم مسلمین و سادات و اشراف و تمام اهل ایمان:

بصره ثغر شریفی است از ثغور مسلمین و امروز مشرکین بر ایـن ثـغر اسلامی هجوم آورده‌اند. بر عموم مسلمین لازم و واجب است که مدافعه به مال و نفس نمایند و کفار را طرد نمایند و تخلف و تهاون حرام است این حکم را به عموم برادران دین برسانید خداوند یار و معین شما است انشاءاللّه و نتیجه کار را سریعاً اعلام نمائید.

السید عبدالرزاق الحلو

(۴۹)

عشایر حاجی جعفرالعطیه، الحاج محمد العلی، عبدالجبار الخصیری، الحاج موسی العطیه، الحاجی حمود الملاک، الحاج مـهدی الهـواز، الحـاج فضل‌الحاج عباس

سلام علیکم و رحمةاللّه و برکاة

تلگراف شما رسید؛ به عموم عشائر و تـمام مسـلمین و از مـا، [و] از جمیع علما نجف برسانید که مدافعه کفار به هر نحوی که می‌توانید واجب است و به عشائری که اطراف ما هستند ایـن مـطلب را نـوشتم و مـا خـودمان هـم مستعدیم که به فریاد رسی شما حاضر شویم به هر طوری می‌توانیم تمام وثوق و اطمینان را به خدا داشته باشید و جد و جهد نمائید در مدافعه کفار. از حضرت احدیت مسئلت می‌نمائیم که دولت اسلامیه عثمانیه را مظفر و منصور بنماید بر اعداء دین.

علی جعفر زاده

## (۵۰)
## سوق الشیوخ

شیخ باقر حیدر

تلگراف شما رسید و ما عموم مسلمین را امر کردیم که بیضه اسلام را حفظ کرده و مدافعه کفار را به جانهایشان اجرا نمایند و شما هم به عموم مسلمین و رؤساء و به جمیع عشائر برسانید که واجب است که جان و مال را فدای اسلام کرده و تهاون نمایند.

محمد جواد حولاوی

## (۵۱)
## مرکز ناصریه

**از جانب علماء کاظمین**

به عموم عشائر منتفک برادران دینی نصرهم اللّه تعالی

بر تمام شماها واجب است که باکماندان[1] عمومی عراق حضرت جاوید پاشا دامت شوکته یک دست و متحد شوید و دین خودتان و کتاب مقدس خدا را و اسلام را و زنها و اعراض تان را ازکفار نگه داری نمائید مبادا در مقابل کفار و دشمنان ذلیل و سست باشید. اللّه اللّه نگه داری نمائید خانه خدا و قبر پیغمبر را و ما هم عنقریب به شما ملحق خواهیم شد انشاء اللّه.

الداعی خادم الشریعةالسید مهدی آل السید حیدر

الاحقر ابراهیم السلماسی الکاظمی

الراجی محمد مهدی

الراجی رضی آل المرحوم الشیخ عزیز

---

۱. در اصل: قمندان.

(۵۲)

## حمار

سالم ابن حسون خیون

بعد سلام معروض می‌داریم امروز بر شما واجب است که با کماندان[1] عمومی عراق حضرت مجاهد جاوید پاشا یک دست و متحد باشید و ما هم پشت سر شما می‌آئیم انشاءاللّه.

خادم الشریعةالسید مهدی آل السید حیدر الکاظمی
الراجی راضی آل المرحوم الشیخ عزیز
الاقل محمد مهدی
الاقل ابراهیم السلمابی الکاظمی

۱. در اصل: قمندان

(۵۳)

## ازکاظمین به عماره[1]

عربی پاشا و ولد ارجمندش محمدبک شیخ مجیدبن خلیفه، فالح بن جمهور، عبدالکریم بن جهور و زیون بن یس، عثمان بن یس سلمان المغشد

برادران عزیز بعد از ابلاغ سلام و ادعیه خالصه بر شما امروز واجب است که به اردوی حضرت مجاهد اکرم کماندان[2] عمومی عراق جاوید پاشا دامت شوکته محلق شده از راه شطرةالعمارة خود را به حضور ایشان برسانید ما هم انشاءاللّه به زودی می‌رسیم.

خادم الشریعة مهدی آل السید حیدر الکاظمی
الاحقر ابراهیم السلماسی الکاظمی
الراجی محمد مهدی
الراجی راضی آل المرحوم الشیخ عزیز

---

۱. عماره: شهر عماره در شمال بصره و قرنه و درکنار رودخانه دجله واقع شده است.
۲. در اصل قمندان.

(۵۴)

حضرات محترمین حمود آل جابر و حسک آل مبارک و به‌عموم عماره [اماره] و عموم عشائر جزائر؛ بصره از بزرگترین ثغر اسلام است و امروز مبتلا به مهاجمه کفار و مشرکین گردیده بر همه شما واجب است حاضر گشته اجتماع کرده به حمایت مسلمین و اراضی اسلام برآئید و ابداً تخلف و تهاون در این فریضه شرعیه جائز نیست و بر ما واجب است هر کدورت و عداوت که در میان شما است برطرف کرده زائل نمائید و همگی یک دست شده کفار را از بلاد اسلام طرد کنید. ان اللّه مع الذین اتقوا و الذین هم محسنون[۱] و اگر مهاجرت ما به آن اطراف لازم است اطلاع دهید بیائیم.

السید عبدالرزاق

---

۱. سوره نحل /آیه ۱۲۸

(۵۵)

بسم اللّه الرحمن الرحیم

خدمت عموم برادران از اهل ایمان و کافه مسلمانان و فقهم اللّه لنصرةالدین بعد از سلام مخصوص عرضه می‌دارد، بدیهی است بهترین عواطفی که یگانه داعی قلبی و محرک باطنی افراد عائله اسلامیت و هر فردی از افراد مسلمانان مکلف مجبور است که محض تحصیل سعادت دارین و فیض نشأتین حرکات و اعمال خود را بر طبق آن قرار داده و هیچ وقتی تخلف و تجاوز از آن ننمایند همانا عاطفه قویمه دین مبین اسلام علی مبلغه السلام است که جامع بهترین قوانین اجتماعیه و کافل مهمترین قواعد سیاسیه و اقتصادیه است او همیشه به یک ندای رسا تمام متدینین به خود را به جانب اتحاد و اتفاق و ترک و شقاق دعوت کرده و به فرمان واجب الاذعان و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً ولا تفرقوا[۱] فریضهٔ ذمه هر مسلمانی فرموده که تحت لوای احمدی صلی اللّه علیه و آله جمع شده در اعلاء کلمهٔ اسلام و تقویت اساس دیانت ساعی و جاهد باشند و امروز که نائره حرب و جنگ عمومی میان دول اجانب مشتعل گشته و چندیست که قهرا دشمنان اسلام را از تعرض و تجاوز بر عالم اسلامی بازداشته وقتست که جمیع مسلمانان از خواب غفلت بیدار و از تجربیاتی که خصوص در این چند سال اخیر از آن همه مداخلات غاصبانه و تجاوزات جابرانه استقلال شکنانه اجانب حاصل کرده‌اند عبرت گرفته منازعات داخلی را

۱. سوره آل عمران / آیه ۱۰۳

که به انگشت و دسایس آنها بود خاتمه داده بلکه مخاصمات و مجادلات سنی و شیعه راکه هر دو مسلمان و در توحید و رسالت و سایر اصول اسلامیه با هم شریک هستند چندی کنار گذارده بموجب [آیه] کریمهٔ انما المـؤمنون اخـوه[۱] دست یگانگی و برادری به هم داده با نهایت صمیمیت در مقام تأیید و تقویت دولتین علیتین اسلامیتین عثمانی و ایرانی که حامیان حوزهٔ دین و پاسبانان قرآن مبین و حافظان ثغور مسلمین هستند برآیند و کوشش نمایند بلکه به این وسیله به اصلاح خرابیهای چند ساله موفق گردیده متمکن از حفظ استقلال و سد ثغور و ممالک اسلامی بشوند. و السلام علی من اتبع الهدی[۲].

الاحقر الجانی مصطفی الحسینی النجفی
الکاشانی عفی اللّه عنه

---

۱. سوره حجرات /آیه ۱۰

۲. سوره طه /آیه ۴۷

(۵۶)

## بسم اللّه الرحمن الرحیم

خدمت عموم امراء عظام و سرداران فخام و تجار کرام و سایر طبقات مسلمانان ساکنین ایران و غیرهم و فقهم اللّه لنصرةالدین؛ نظر به فرصت خدا داد امروزه که دشمنان اسلام سرگرم [و] مشغول گردیده لازم شد تکلیف الهی را ابلاغ نمائیم الیوم برکافه مسلمانان لازم است به قدر امکان باکمال اتحاد در محو نفوذ انگلیس و روس از ایران کوشیده و با دولتین علیتین اسلامیتین عثمانی و ایرانی که حامیان حوزه دین و پاسبانان قرآن مبین و حافظان ثغور مسلمین هستند دست اتحاد و موافقت داده مجداً به استقلال حقیقی دین و دولت را محفوظ بدارند. ان تنصرواللّه ینصرکم و یثبت اقدامکم[۱] انشاءالله تعالی.

الجانی مصطفی الحسینی النجفی الکاشانی

---

۱. سوره محمد / آیه ۷

(۵۷)

بسم اللّه الرحمن الرحیم

جماعت بختیاری که در محمره هستند و جماعت فیلی و جماعت کلهر جمیعاً بدانند که تکلیف شرعی شما محافظت حدود اسلام است. الیوم مسئله مقابله کفر است با اسلام انشاءاللّه تعالی کمال اهتمام و تمام مسلمانی خود را در این مقام مبذول خواهید نمود که نگذارید کفره به هیچوجه بر حدود اسلام تجاوز نمایند البته می‌دانید که الیوم جای بعض ملاحظات نیست مقام حفظ اسلام است و حفظ عتبات عالیات است.

والسلام

خادم الشریعهٔ حسن الصدر الموسوی

(۵۸)

بسم اللّه الرحمن الرحیم

از آنجایی که خداوند تبارک و تعالی از علمای اعلام عهد و میثاق گرفته که مادامی که خوف تقیه نباشد کتمان احکام ننمایند و اظهار شرایع اسلام و نشر و تبلیغ احکام به قدر میسور بنمایند (لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینة)[1] لهذا عموم علماء اعلام مشاهد مشرفه از عرب و عجم این حکم را نشر دادند به گفتن و نوشتن و فرستادند به اطراف و اکناف که در مثال این ایام که کفار در حِصن حَصین اسلام رخنه نموده‌اند و هجوم بر بلاد مسلمین کرده بنای قتل و جان و نهب اموال آنها را دارند بر هر شخص قادر متمکن واجب است به قدر تمکن از مال و رجال و سلاح و جاه در دفاع کفار مضایقه نکنند و خود را از ملامت دنیا و عقوبت آخرت خلاص نمایند و در حفظ بیضةالاسلام و اعلاء کلمة توحید و رسالت حضرت خیرالانام بـه قـدر مـقدور کـوشش نـمایند و ملاحظه اختلاف مسلک و تنوع تابعیت و حکومت را ننمایند و همت در حفظ همان کلمه جامعه اسلامیه بگمارند. نسئل اللّه لنا و لهم التوفیق و الاعانه .

الاحقر محمد علی الغروی النخجوانی

الاقل مصطفی النجفی الکاشانی

الاحقر سید علی التبریزی

الاحقر شیخ الشریعةالاصفهانی

الاقل جواد نجل المرحوم صاحب
الجواهر (قدس سره)

الاحقر مهدی الخراسانی

---

۱. سوره انفال /آیه ۴۲

(۵۹)

**تلگراف حضرت مستطاب آیةالله**
**اقل الارضین آقای سید محمد کاظم طباطبایی**
**یزدی مدظله العالی**

**به اعلام عموم‌مسلمین بر حرکت فرزند ارجمند شان به جهاد**

قبل از این، تگراف شما رسیده اعلان کردیم وجوب دفاع را بر مهاجمین بر بلاد اسلام اینک فرزندم سید محمد را فرستادم جهت اعلان بر مسلمین و هو ثقتنا و حال ما در صدد ترغیب مسلمین هستیم بر معاونت؛ و وقتمان مصروف این است و فقنااللّه و ایاکم للذب عن ثغور المسلین و نصرکم بالنصر العاجل آمین[۱]

محمد کاظم الطباطبایی

۱. از فتوای شماره ۷ تا ۵۹ برگرفته از اسناد وزارت امور خارجه است.

# بخش سوم

## فتاوی جهادّیه آیات و مراجع عظام عتبات مبنی بر وجوب جهاد و دفاع در مقابل انگلیسی‌های اشغالگر

از ۱۳۳۴ هـ‌ق [ ۱۹۱۶ م/ ۱۲۹۴ ش ]
تا ۱۳۳۸ هـ‌ق [ ۱۹۲۰ م/ ۱۲۹۸ ش ]

فتاوی جهادّیه

(۱)

## فتوای آیت اللّه سید محمد کاظم طباطبایی یزدی در وجوب جهاد برای مقابله با انگلیسی‌های اشغالگر از اواسط جنگ جهانی اول و در دوران اشغال عراق از سوی انگلیسی‌ها[1]

مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی فقیه نامی و مرجع عالیقدر عصر با فتواهای خود مبنی بر وجوب جهاد باکفار انگلیسی یکی پس از دیگری رؤسای عشایر شیعهٔ عراق و نمایندگان خود را برمی‌انگیخت و همه را ترغیب به جهاد می‌کرد. فتوای زیر یکی از آنها است که سید برای نمایندهٔ خود در کوفه صادر نموده است:

### سید بزرگوار سید علی قزوینی ادام اللّه توفیقک

فتوای ما مبنی بر دفاع در مقابل هجوم کفار به بلاد مسلمین در همه جا پخش شده است. از آنجا که دشمن نزدیک شده و کار سخت بالا گرفته، و

---

۱. با شکست نیروهای عثمانی از انگلیسی‌ها در جبهه جنوب عراق، نیروهای انگلیسی در ۱۴ اوت ۱۹۱۵ با شکست دادن مقاومتهای مجاهدین مسلمان توانستند شهر بصره را به اشغال خود درآورند. از تصرف بصره تا اشغال بغداد دو سال طول کشید (۱۱ مارس ۱۹۱۷). از قبل از تصرف بصره تا اشغال کل عراق، علما با صدور فتاوی جهادّیه متعدد و نیز شرکت مستقیم در جبهه‌های نبرد نقش فعالی را در بسیج نیروهای مجاهدین برای مقابله با انگلیسی‌ها ایفا کردند. هر چند مجاهدات مسلمانان به پیروزی منجر نشد اما به اعتقاد یک مورخ عرب «حرکت جهاد به عنوان یک حرکت سیاسی ـ نظامی اسلامی علیه سیطره انگلیس و نیز نقش علمای مسلمان شیعه در به راه انداختن این حرکت، یکی از پدیده‌های اصلی حرکت اسلامی را تشکیل داد، حرکتی که به دفاع از برنامه‌ها و طرحهای خود برای مقابله با تثبیت اشغال عراق توسط انگلیس و همچنین در مواجهه با طرح تأسیس دولت محلی تابع غرب، ادامه داد.» نگاه کنید به: عبدالحلیم، الرهیمی: پیشین، ص ۱۸۱ و نیز بخش سوم کتاب مزبور.

مشکلات زیادی پدید آورده است، بر هر کس لازم است که در عقب راندن قوای دشمن و سعی در حفظ حدود و ثغور اسلام با همهٔ امکاناتی که دارد غفلت نورزد. اگر اهل جنگ نباشد یا عذری داشته باشد، وظیفه دارد که عشایر را با نصیحت و موعظه تشویق به جهاد کند. از اینرو بر شما هم واجب است که آنچه را گفتیم به دیگران برسانید. زیرا حفظ اسلام بر هر فردی به هر صورت که امکان دارد واجب است. النصر من اللّه تعالی انشاء اللّه تعالی[1].

محمد کاظم طباطبایی

۱. علی دوانی: نهضت روحانیون ایران، نشر بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)؛ بی جا، بی تا، جلد اول ص ۲۱۴-۲۱۲

(۲)

## فتوای جهاد و دفاع آیت‌اللّه سید ابوالحسن موسوی اصفهانی برای مقابله با انگلیسی‌ها در دوران اشغال عراق بعد از جنگ جهانی اول

بسم الله الرحمن الرحیم

«سلام بر همهٔ برادران، بالخصوص برادران عراقی ـ وظیفهٔ دینی بر همهٔ مسلمانان لازم می‌دارد که در حفظ بیضهٔ اسلام و بلاد اسلامی تا آنجا که قدرت دارند بکوشند، و بر همهٔ ما واجب و لازم است که سرزمین عراق را که مشاهد ائمه علیهم السلام و مراکز دینی ما در آنجاست از تسلط کفار حفظ نموده و از نوامیس دینی آن دفاع کنیم. من شما را بر این موضوع دعوت کرده و ترغیب می‌نمایم. خداوند ما و شما را برای خدمت به اسلام و مسلمین موفق فرماید»[۱]

ابوالحسن الموسوی الاصفهانی

۱. علی دوانی: پیشین، جلد اول، ص ۲۱۹

(۳)

## نامۀ آیت‌اللّه میرزا محمد تقی شیرازی و فرزندشان شیخ محمد رضا به رؤسای عشایر در سال ۱۳۳۸ ق. در این نامه آنها مردم را به آمادگی برای جهاد علیه اشغالگران دعوت می‌کنند

بسم الله الرحمن الرحیم

بر کسی پوشیده نیست که اوضاع مسلمانان امروز، به آن چنان مرحلۀ سخت و دشواری رسیده است که علما و بزرگان نمی‌توانند در مقابل آن سکوت نمایند. همان طور که برای عشایر، هیچ راهی جز بذل جان و مال در راه این نهضت دینی و حرکت اسلامی نمانده است. امروز بر همۀ مسلمانان، ادای فریضۀ دفاع از حوزۀ دین مبین و اماکن مقدّسه از لوث وجود کفّار و حفاظت از نوامیس مطّهر خودتان در مقابل تعدّی و تجاوزات کافران، و اقدام به نصیحت، تشویق، بسیج، ترغیب و هشدار واجب است[۱].

۱. عبدالحلیم الرهیمی: پیشین، ص ۳۰۹، پیوست شماره ۱۸

(۴)

## متن نامه و دستورالعمل آیت‌اللّه شیخ الشریعه اصفهانی به سید هادی مکوطر راجع به پیروزی‌های مسلمانان و شکست دشمنان

**بسم الله و له الحمد**

**جناب مجاهد بزرگوار هادی مکوطر**

سلام بر تو و همه شیوخ محترم مجاهد و مدافع همراه تو و رحمةالله و برکاته.

اطلاع داری که از جانب شما نوشته‌ای به امضای آل زیاد ـ حَرَسهم الله بِحفظِهِ ـ دریافت نمودیم. در این نامه، درگیری میان آنها و دشمن اسلام و مسلمین در شرق «سماوه»[1] تشریح شده بود. بشارت شکست نیروهای دشمن و پیروزی مسلمانان ما را خوشحال کرد. از خداوند دوام پیروزی شما در شرق و غرب سماوه و در هرجا که در آینده نزدیک عازم هستید را خواهانم. انّهُ وَلیّ ذالک و القادر علیه.

باری، مهمترین توصیه‌های من به شما چنین است:

۱. نهایت سعی و تلاش خود را در تألیف قلوب مسلمانان و اتّحاد کلمهٔ آنها مبذول دارد، تا همکاری و پشتیبانی از تو حاصل شود و قدرتمندی تو تحقّق یابد، و چرا که به هم کمک نکنند، در حالی که آنها در حقیقت اعضای

---

۱. سماوه، شهری است در کنار دجله واقع در جنوب نجف

جسمی واحد هستند. و من فقط به این خشنود می‌شوم که آن چنان باشند که خداوند تعالی فرموده است، اَشدّاءُ علی الکفّارِ رحماء بینهم[1].

۲. از ابزار جنگی مانند توپها و ادوات آن، نارنجکها، مهمّات، خودروها و وسایل مربوطه به آنها که عموم عشایر از آنها برخوردار نیستند، بـه نـحوی مراقبت کن؛ زیرا این وسایل از هر غنیمتی برای مسلمانان مفیدتر است و تو به این امور آگاهتر هستی[2].

۲ ذی الحجة ۱۳۳۸ هـ.ق

۱۶ اوت ۱۹۲۰ میلادی

شیخ الشریعه اصفهانی

---

۱. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲. عبدالحلیم الرهیمی: پیشین، ص ۳۱۴

(۵)

## فتوای آیت‌اللّه میرزا محمد تقی شیرازی در مخالفت صریح با طرح قیمومیت عراق از سوی انگلیسی ها

**سؤال**

«... آیا جایز است ما غیرمسلمان را برای حکومت بر خود انتخاب کنیم یا واجب است که یک فرد مسلمان را انتخاب نمائیم»

**جواب**

«لیس لاحد من المسلمین ان ینتخب و یختار غیر المسلم للاماره والسلطنه علی المسلمین[۱]»

محمد تقی الحائری الشیرازی

**ترجمه**

هیچ فرد مسلمانی حق ندارد یک نفر غیرمسلمان را برای حکومت و سلطنت برای مسلمانان انتخاب کند.

---

۱. علی دوانی: پیشین، جلد اول، ص ۲۱۵ همچنین، عبدالحلیم، الرهیمی: پیشین ص ۲۰۱ تاریخ صدور فتوا ۲۰ ربیع الاول ۱۳۳۷ قمری است.

## استفتاء

## حضرات علماء اعلام و حجج اسلام متعنااللّه بظلهم مد الایام

شایع است که شما به مقتضای وظیفهٔ دینیه و ریاست روحانیه خود مداخله در انتخابات[1] را بر عموم اهالی عراق حرام فرموده‌اید و مساعدت این امر را از هر جهت غیرجائز شمرده و به منزله محاربه با خدا و پیغمبر دانسته‌اند. استرحاماً تقاضا می‌کنیم که صحت این مسئله را بیان فرمائید. ما اوامر عالیه شما را که خداوند به اطاعت آن فرمان داده اطاعت می‌کنیم.

۱۵ ربیع الاول سنه ۱۳۴۱

---

۱. بعد از اشغال عراق از سوی انگلیس و قیمومیت آن کشور، دولت دست نشانده عراق درصدد برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان برآمد. لذا ملک فیصل طی فرمانی به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۲ (۱۳۴۰ هـ.ق) دستور برگزاری انتخابات را صادر کرد. از آنجا که با تصویب چنین مجلسی، معاهده بریتانیا ـ عراق جنبه قانونی پیدا می‌کرد. از این رو آیات و مراجع عظام عتبات دست به کار شدند و با صدور فتواهایی انتخابات را تحریم کردند.
فتواهایی که در صفحات بعد آورده می‌شود مربوط است به تحریم انتخابات از سوی آیات و مراجع عظام در ۱۳۴۱ قمری [۱۹۲۲ م].

(۶)

## جواب آیت اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت اللّه نائینی و آیت اللّه خالصی به استفتاء عموم مردم

بسم الله الرحمن الرحیم

بله، در حال حاضر انتخابات از جانب ما به طور آشکار، تحریم شده است. بنابراین هر کس در آن شرکت کند و یا در برگزاری آن مساعدت نماید، حکم محارب با خدا، پیامبر و اولیاء الله را دارد[1].

(۷)

## فتوای آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی

جواب ـ بلی ما حکم تحریم انتخاب را صادر کرده‌ایم چنانکه بر عموم اهالی واضح و آشکار است و هر کس در این امر دخالت یا همراهی نماید مثل کسی است که اقدام به محاربه خدا و پیغمبر کرده باشد.
الاحقر ابوالحسن الموسوی الاصفهانی

---

۱. عبدالحلیم الرهیمی: پیشین، ص ۲۵۹ علاوه بر این فتوای مشترک؛ هر یک از آیات فوق بطور جداگانه فتواهایی به شرح زیر صادر کردند.

(۸)

## فتوای آیت اللّه محمد مهدی خالصی

بلی از طرف ما حکم تحریم انتخاب بر عموم اهالی عراق صادر شده است لهذا هر کس در این امر دخالت نماید مثال کسی است که با خدا و پیغمبر محاربه کرده است.

الراجی محمد مهدی الکاظمی الخالصی عفی عنه

(۹)

## فتوای آیت الله نائینی

بلی حکم کرده‌ایم به حرمت انتخاب و حرمت مداخله آن به عموم اهالی عراق لهذا هر کس در این امر مداخله کند و کمترین مساعدتی بنماید با خدا و پیغمبر و ائمه اطهار محاربه کرده است.

الاحقر محمد حسین الغروی النائینی

(۱۰)

## فتوای آیت اللّه عبدالحسین شیرازی

بلی برحسب احکام صادره از حضرات علماء اعلام دامت برکاتهم انتخاب به جهت مجلس اساسی عراق حرام است شرعا و هرکس متصدی انتخاب شود یا مساعدت در انتخاب کند محارب با خداوند جل شانه و با حضرت رسول و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین[۱].

نجل [فرزند] مرحوم میرزا محمد تقی، عبدالحسین شیرازی

۱. فتاوی شماره ۷ تا ۱۰ از کتاب زیر گرفته شده است.
شیخ محمد خالصی: مظالم انگلیس در بین النهرین، چاپ سوم (تهران، بی تا) صص ۴۸ و ۴۹
تاریخ کلیه فتاوی ۱۵ ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری است.

(۱۱)

## فتوای آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی

«الی اخواننا المسلمین! انّ هذا الانتخاب یمیت الامّة الاسلامیة فمن انتخب بعد علم بحرمة انتخاب، حرمت علیه زوجته و زیارته. (ای زیارةالعتبات المقدسة) و لایجوز ردالسلام علیه، ولایدخل حمام المسلمین[1].

محمد تقی الحائری الشیرازی

**ترجمه**

برادران مسلمان! این انتخابات باعث مرگ امّت اسلامی است. بنابراین هر کس بعد از علم به تحریم انتخابات، در آن شرکت کند، همسرش و زیارت (زیارت عتبات عالیات) بر او حرام می‌شود و جواب سلام او جایز نیست و نمی‌تواند وارد حمام مسلمانان شود.

---

۱. عبدالحلیم الرهیمی: پیشین، ص ۲۵۸

(۱۲)

## نمونه‌ای دیگر از فتوای مشترک علما در تحریم انتخابات

### بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

به جمیع برادران مؤمن و متدّین، متمسکین به شریعت سیدالمرسلین، صلوات الله و سلامه علیه و علی آله الطیبین الطاهرین.

بر هر عاقلی پوشیده نیست که ما حکم به تحریم انتخابات دادیم و آن را به همه مؤمنان ابلاغ کردیم و نوشتیم، کسانی که در آن وارد شوند و به آن کمک کنند، چون محارب با خدا و رسول او و اولیائش ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ هستند. ما ابلاغ کرده‌ایم که ممکن است تعدادی افراد مغرض و مریض، کسانی که هیچ بهره‌ای از اسلام نبرده‌اند چنین القاء نمایند که نسبت به این موضوع سکوت کرده‌ایم. نباید برای کسی شک و شبهه ایجاد شود. آنها باید بدانند که حکم الهی تغییر نمی‌کند و دلیلی که باعث شد تا انتخاب را تحریم کنیم، تغییر نکرده است. در حال حاضر نیز موضع ما همان موضع قبل است و ما سکوت نکرده‌ایم. مجدداً اعلام می‌کنیم که جایز نیست هیچ مسلمان مؤمن به خداوند تعالی و روز آخرت به این امر یاری رساند و یا در آن وارد شود و یاری کنندهٔ آن دشمن خدا و رسول او ـ صلوات الله علیه و علی آله الطیبین الطاهرین ـ می‌باشد.

خداوند مسلمانان را در پناه خود محفوظ بدارد. والسلام علی من اتبع الهدی[1]

۸ جمادی الثانی سال ۱۳۴۱ هـ.ق، دسامبر ۱۹۲۲ میلادی

---

۱. عبدالحلیم الرهیمی : پیشین، ص ۳۲۵

(۱۳)

## فتوای دیگری از آیت اللّه میرزا محمد تقی شیرازی

مطالبه الحقوق واجبه علی العراقین و یستحب علیهم فی ضمن بمطالباتهم رعایة السلم و الامن و یجوز لهم التوسل بالقوه الدفاعیه اذا امتنع الانگلیز عن قبول مطالبهم.

الاحقر محمد تقی الحائری الشیرازی

**ترجمه**

مطالبه حقوق بر عراقی ها واجب است و مستحب است که ضمن مطالبات خود صلح و امنیت را رعایت کنند و چنانچه انگلیسی‌ها از پذیرفتن مطالب آنان امتناع کردند، مجازند برای دفاع از خود به زور متوسل شوند[1].

---

۱. مورخ الدوله سپهر: پیشین، صص ۷۲ و ۷۳، همچنین، عبدالحلیم الرهیمی: پیشین، ص ۲۱۸

# پیوست ۱

## زندگینامه برخی از علماء، آیات و مراجع عظام

## ۱. آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی (آخوند خراسانی)

ملا محمد کاظم فرزند ملاحسن معروف به آخوند خراسانی صاحب کفایه یکی از بزرگترین آیات عظام و مدرسین حوزه نجف در قرن اخیر بود. وی به سال ۱۲۵۵ هجری در مشهد به دنیا آمد و مقدمات دروس علمی و سطوح فقه و اصول را در ایران بپایان برد و به سال ۱۲۷۸ درنجف اشرف وارد حوزه درس علامه شیخ مرتضی انصاری گردید. بسیاری از مراجع و مجتهدین بعدی جملگی از شاگردان آخوند خراسانی بودند.

این مرجع بزرگوار دانشمندی متین و باوقار و مدرسی با اقتدار، معلمی دلجو و خوش اخلاق و در عین حال مجاهدی بی‌قرار بود. وی از مدافعان سرسخت مشروطه بود. اعاده مشروطه بعد از استبداد صغیر در واقع با فتوای او و شیخ عبدالله مازندرانی صورت گرفت. بعد از اولتیماتوم روس به ایران و تجاوز قوای روس و انگلیس به ایران به صدور فتوای جهاد همت گماشت و خود قصد عزیمت به ایران راکرد. قبل از جنگ جهانی اول نیز ضمن تلگرافی به دول روس و انگلیس اعتراضی شدید به تهاجم آنان به ایران نمود و پس از تذکرات لازم ناگزیر حکم جهاد داد، و با توافق و همیاری علمای اعلام و آیات عظام با حضور شیعیان عراق برنامه‌ای تنظم نمودند که به اتفاق کلیهٔ مجاهدین از شهرهای مختلف عراق پس از زیارت عتبات در شب چهارشنبه ۲۱ ذیحجه در مسجد سهله همگان مجهز و آماده، حضور یابند و پس از گرفتن نیرو بوسیله دعا و نیایش صبح زود در معیت جناب آخوند و آیات عظام و اعلام با تصمیمی

جدی و قاطع به کمک برادران ایرانی عازم ایران گردند.

اما متأسفانه قبل از طلوع آفتاب خبر فوت او در سراسر عراق انتشار یافت. گویا بعد از نافله شب در (۲۱ ذیحجه ۱۳۲۹ / دوازدهم دسامبر ۱۹۱۱) ناگهان سکته نمودند.

در خصوص زندگی و شخصیت آخوند خراسانی کتابهای مختلفی نوشته شده است؛ از جمله :

عبدالحسین مجید کفایی: مرگی در نور (زندگانی آخوند خراسانی) .

عبدالرحیم محمدعلی: المصلح المجاهد الشیخ محمدکاظم الخراسانی .

نگاه کنید به: م. جرفادقانی: از کلینی تا خمینی صص ۳۳۹-۳۴۰ .

## ۲. آیت اللّه آقا میرزا مهدی خراسانی

وی فرزند آخوند ملامحمد کاظم خراسانی یکی از بنیانگذاران مشروطیت در ایران و از مجتهدین سه گانه ساکن نجف، در سال ۱۲۹۲ قمری درنجف اشرف قدم به عرصه وجود گذاشت.

میرزا مهدی مقدمات را خواند و کتاب «فصول» را نزد «شیخ زین العابدین شاهرودی» که از نزدیکان پدرش بود فرا گرفت و سپس وارد مرحله فقاهت شد، اما بر اثر کسالت شدید چشم، از ادامه تحصیل بازماند و وارد خدمات اجتماعی و سیاسی شد.

در سال ۱۳۱۹ قمری سفری به ایران نمود و در همه جا مورد استقبال شایان قرار گرفت. در تهران با «مظفرالدین شاه» ملاقات کرد و سپس برای زیارت به مشهد مقدس رفت.

پس از مراجعت به نجف، همزمان با انقلاب مشروطیت در ایران، وی عصای دست پدر و همگام سیاسی آن مرجع بزرگ شمرده می‌شد و برای استقرار مشروطیت، چه درزمان حیات پدر و چه بعد از آن، بسیار فعالیت کرد. خدمات سیاسی او نه تنها در مشروطیت ایران بلکه در استقلال عراق نیز مشهود است.

در سال ۱۳۲۷ قمری که خاک ایران مورد تجاوز قوای روسیه قرار گرفت، میرزا مهدی به قصد مبارزه با اشغالگری روس، از نجف به کاظمین رفت و در آنجا از طرف علمای مذهبی به ریاست هیأتی انتخاب شد که مأموریت آن

رسیدگی به مسایل جهاد و تماس بادولت ایران به منظور اخراج روسها از کشور بود.

آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و دیگر علما ضمن مبارزات خود بر ضد روسها، کوشش می‌کردند که برخی از ـ دولتهای غربی از جمله انگلیس را نیز وادار نمایند تا نفوذ خود را به سود ایران به کار برده، به روسها توصیه کنند که نیروهای خود را از خاک ایران بیرون برند. آنان چهار تن را برگزیدند تا از سر کنسول انگلیس در بغداد دیدن کرده و درباره تجاوز روسیه با او به گفتگو بنشینند. این چهارتن عبارت بودند از: ۱. میرزا مهدی آقا، فرزند «آخوند خراسانی» ۲. میرزا محسن داماد «سید عبدالله بهبهانی» ۳. «میرزا ابراهیم» مترجم کنسولگری ایران ۴. «میرزا محمد»، فرزند «آخوند خراسانی».

در مدتی که «میرزامهدی» و سایر علما در کاظمین بسر می‌برند بین او و هیات دولت و «نایب السلطنه» ایران تلگرافهای زیادی رد و بدل گردید. همه این تلگرافهای صادره از طرف علمای ایرانی ساکن نجف بیانگر خواستهٔ آنان مبنی بر اخراج هر چه سریعتر قوای روس و حفظ استقلال مملکت بوده است.

در هنگام جنگ جهانی اول نیز، زمانی که قوای انگلیس به عراق هجوم برده و مردم عراق به رهبری روحانیون مذهبی به ایستادگی در مقابل انگلستان پرداختند، آقا میرزا مهدی آیت الله زاده به اتفاق «شیخ فتح الله اصفهانی» و «سید مصطفی کاشانی» پدر «آیت الله ابوالقاسم کاشانی» که منطقه نفت خیز خوزستان را در خطر اشغال انگلیس می‌دیدند، طی نامه‌ای به «شیخ خزعل» حاکم منطقه خوزستان از او خواستند که برای مقابله با کفار قیام کند.

در سال ۱۳۴۲ قمری که علمای ایرانی ساکن عراق به ایران تبعید شدند، او همراه آنان تا قم آمده بود، و از قم به بغداد بازگشت تا از نفوذی که در ملک

فیصل اول پادشاه عراق داشت استفاده کرده و ترتیب مراجعت علما را بدهد و در این کار نیز موفق بود.

میرزا مهدی به ایران و مسایل ایران دلبستگی تام داشت و هر از چند گاهی به ایران مسافرت می‌نمود. آخرین باری که به ایران سفر کرد در سال ۱۳۲۴ خورشیدی بود و منظورش از آمدن به ایران رفتن به مشهد برای زیارت بود.

وقتی میرزا مهدی به تهران رسید مورد استقبال عموم طبقات واقع گردید ولی قبل از حرکت به سوی مشهد، در تهران بیمار شد و سرانجام در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ خورشیدی در تهران دار فانی را وداع گفت.

به مناسبت درگذشت او مجالس ترحیم زیادی در ایران و عراق برپا گردید. در تهران مردم بازار را تعطیل و از جنازهٔ او تجلیل بسیار نمودند. سپس جسد او را به مشهد برده و در «دارالسعاده» در جوار حرم امام رضا (ع) به خاک سپردند.

نگاه کنید به:

حسن مرسلوند: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران

جلد اول ـ صفحه ۶۰ و ۶۱

و همچنین دایرةالمعارف تشیع ـ جلد اول صفحه ۲۴۱

## ۳. آیت اللّه حاج شیخ عبداللّه مازندرانی

وی فرزند شیخ محمد نصیر، و خود از معاریف علماء عصر و فقهاء زمان خویش بود. او در شهر بارفروش[1] مازندران متولد شد. مقدمات علوم را در همان ولایت و شهرهای دیگر ایران دریافت. آن گاه به عتبات عالیات شتافت و در آن دیار مقدس در کربلا در خدمت حاج شیخ زین العابدین مازندرانی و در نجف نزد میرزای رشتی و شیخ مهدی کاشف الغطا و فاضل ایروانی و دیگران درس خواند و آن زمان به کثرت فضل و غزارت علم شهرتی به هم رسانید. میرزای رشتی امر وصیت و نماز خود را به او واگذار فرمود و از این رو شهرتش بیش از پیش افزایش یافت و مرجعیتی شایسته برایش فراهم شد، و شاگردان میرزا بر او گرد آمدند. و عامهٔ اهالی مازندران او را برای تقلید خود برگزیدند تا بتدریج از اجل مراجع تقلید و اشهر مدرسین بشمار آمد. و در اهمیت و ریاست مانند آخوند خراسانی و حاجی میرزا حسین حاج میرزا خلیل گردید. لیکن خود همواره از زعامت عامه و ریاست و مرجعیت سرباز می‌زد.

او به همراهی آخوند خراسانی و حاجی میرزا خلیل از مدافعان سرسخت مشروطه بود و اعاده مشروطه در واقع با فتاوی آن دو صورت گرفت، وی علیه متجاوزین روس و انگلیس بارها به صدور فتوا و پیام مبادرت ورزید.

نگاه کنید به:

مکارمُ آلاثار، جلد ۵ ص ۱۵۳۰ و ۱۵۳۱

---

۱. بابل فعلی

## ۴. آیت اللّه سید محمد کاظم طباطبایی یزدی

سید محمد کاظم فرزند مرحوم سید عبدالعظیم طباطبایی و خود از اجله علما بزرگوار و فقهای جلالت آثار بود. وی در سنه ۱۲۵۶ ق در قریه کشینه یزد متولد شد. و سالهای نخست زندگی خود را در اصفهان گذراند. در اصفهان نزد مرحوم حاجی شیخ محمد باقر نجفی و آقا میرزا محمد باقر و میرزا محمد هاشم چهار سوئیان، و بعداً در عتبات نزد چندین نفر از علما همچون حاجی شیخ مهدی بن شیخ علی بن شیخ جعفر و شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی درس خواند، تا فقیهی فاضل و بزرگوار گردید، و پس از وفات میرزا مانند یکی دو نفر دیگر مرجعیت تامه در تقلید مذهب شیعه در عراق عرب و ایران و هند و افغانستان و غیره به هم رسانید. و در نجف اشرف سکونت گزید. در دوران طلوع مشروطه در ایران بر عکس آخوند خراسانی، خویشتن را از ورود در آن بر کنار کشید بلکه در برخی از موارد به تقلید و رد آن کوشید، در محکوم ساختن تجاوزات روس و انگلیس پیش از جنگ جهانی با مراجع و آیات عتبات چندان همکاری نکرد، اما در جنگ جهانی اول، بطور فعال موضعگیری کرده و چندین فتوای جهاد صادر کرد. **حتی فرزند او در جبهه جنگ به شهادت رسید.** و بالاخره مرحوم سید محمد کاظم یزدی در سال ۱۳۳۷ قمری فوت کرد و در نجف به خاک سپرده شد.

نگاه کنید به:

مکارم الآثار ج ۴ صص ۱۳۲۰۱-۱۳۲۳

اعیان الشیعه ج ۱۰ ص ۴۳

## ۵. آیت اللّه میرزا محمد تقی شیرازی

حاج میرزا محمد تقی فرزند محب علی فرزند محمد علی گلشنی شیرازی، معروف به میرزای مجاهد از علما و مراجع بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. میرزا دانشمندی جامع، فقیهی کامل، مجتهدی متبحر و مرجعی مجاهد و سیّدی عظیم‌الشأن بود. میرزا پس از آن که مقدمات علوم فقهی را در شیراز بپایان برد، سالها از کرسی درس فاضل اردکانی، سید استاد میرزای قهرمان و دیگر آیات عراق بخوبی برخوردار بود، و خود در ردیف اکابر علما و اساتید فقها قرارگرفت و در آغاز زعامت علامه یزدی برخی از معظم له تقلید می‌نمودند و پس از فوت میرزای بزرگ در رأس حوزه سامرا قرارگرفت.

میرزای مجاهد:

رئیس نهضت مجاهدین انقلاب اسلامی عراق در جنگ جهانی اول بود. معظم له علیه تجاوزگران قائدی دلسوز، مجاهدی نستوه، مرجعی پرشور و رزمنده‌ای عازم بود که به صف مجاهدین پیوست و علیه معاندین کمر همت بست و تا مرز شهادت پیش رفت، او رهبر بلامنازع انقلاب ۱۹۲۰ عراق علیه انگلیسی‌ها بود.

نگاه کنید به: م. جرفادقانی: ازکلینی تا خمینی، صص ۳۴۹-۳۵۰

احسن الودیعه ج۱ ص ۲۱۲

اعیان الشیعه ج ۴۴ صص ۱۲۱-۱۲۲

## ۶. آیت اللّه شیخ الشریعه اصفهانی

مرحوم حاج ملاّ فتح اللـه فـرزند مـلا مـحمد جـواد نـمازی شـیرازی، معروف به آقا شریعت و شیخ الشریعه یکی از علما و مراجع بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. به سال ۱۲۶۶ در اصفهان متولد شد و ازکودکی به دنبال دانشهای دینی بود. شیخ الشریعه در سن سی سالگی که خود اهل تحقیق بود عازم عراق گردید و چند سال هم از محضر علامه خوانساری، فقیه کاظمینی و دیگران بهره‌های علمی برد تا به درجه اجتهاد نایل آمد. شیخ الشریعه یکـی از مراجع و مدرسین بزرگ حوزه چندین ساله نجف گردید وکرسی درس او بعد از فوت علامه یزدی مجمعی از آیات و فضلای متعدد در قرن اخیر بود.

آقا شریعت از درک و استنباط و قوهٔ حافظه عجیبی که از خوارق عادت بود بلطف خدا برخوردار بود. وی در عین حال مـجاهدی نسـتوه و خسـتگی ناپذیر بود. او در جنگ جهانی اول درکنار میرزای مجاهد در صف مجاهدین و مبارزین با استعمارگران متجاوز به مجاهدت پرداخت.

نگاه کنید به: احسن الودیعه ج ۱ ص ۲۱۱

جرفادقانی: ازکلینی تا خمینی ص ۳۵۱

مکارم الآثار جلد ۵ ص ۱۸۱۶

## ۷. آیت اللّه میرزا محمد حسین نائینی غروی

یکی از برجسته ترین چهره‌های بیدارگری در میان علمای شیعه در این دوره نایینی امست. وی تحصیلات نخستین را در نایین انجام داد و سپس در سال ۱۲۹۴ ق به اصفهان رفت و ۷ سال در آنجا زیست و تحصیل کرد. آنگاه در سال ۱۳۰۳ ق به عراق رفت و تا سال ۱۳۱۴ ق در سامرا نزد میرزای شیرازی بزرگ و دیگر مجتهدان به تحصیل ادامه داد. نایینی در اواخر دوران حیات خود درسامرا محرر میرزا نیز بود. در همین دوران است که نایینی با اندیشه‌های سیاسی میرزا و سید جمال‌الدین آشنا می‌گردد. پس از مرگ میرزای شیرازی (۱۳۱۲ ق) نایینی درس و تحقیقات خود را زیر نظر مجتهد دیگر سید اسماعیل صدر پیگیری کرد و در سال ۱۳۱۴ ق همراه او به کربلا رفت و پس از دو سال به نجف بازگشت و به حوزهٔ طلاب مخصوص آخوند ملامحمد کاظم خراسانی پیوست. آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد: نایینی نزدیکترین مشاور خراسانی در زمینهٔ انقلاب مشروطیت بود. در خلال همین دوران است که نایینی کتاب مهم خود دربارهٔ مشروطیت تنبیةالامة و تنزیةالملة در اساس و اصول مشروطیت را نوشت. نایینی این کتاب را، در ربیع الاول ۱۳۲۷ ق در اثبات قانونی و مشروع بودن حکومت مشروطه و نامشروع بودن استبداد نگاشت. این کتاب که مورد تأیید و تقریط آخوند خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی قرار گرفت، بزرگترین تأثیر را بر روی افکار آزادیخواهان مذهبی گذاشته است و در جهان شیعه یکی از مهمترین کتابهایی است که دربارهٔ حکومت به رشتهٔ تحریر درآمده است. اگر چه این کتاب

در زمان خود، به علت زبان تخصصی آن و مخالفتهای شدید مخالفان آزادی و مشروطه، آنچنانکه باید رواج نیافت و مدتی بعد به وسیلهٔ دستگاه دولتی جمع آوری شد، لیکن با انتشار آن در سال ۱۳۳۴ ش با مقدمه و پاورقی و توضیحات روشنگرانهٔ آیت الله طالقانی در میان کسانی که همچنان با استبداد شدید سلطنتی مواجه بودند و از موضع مذهبی با آن مبارزه می‌کردند، رواجی عظیم یافت و هنوز این کتاب مورد توجه است. با انحراف مشروطیت به وسیلهٔ روشنفکران غیرمذهبی یا ضد مذهبی بخصوص در مجلس دوم، و بی‌توجهی به تلاشها و توصیه‌های آخوند خراسانی و مازندرانی و نایینی در تصحیح آن انحرافها و مخالفت شدید شیخ فضل الله نوری و سید محمد کاظم طباطبایی یزدی با مشروطیت و طرفداری از محمد علی شاه، و بخصوص پس از فوت ناگهانی آخوند خراسانی (ذی حجة ۱۳۲۹ ق) در خانهٔ خود که همراه با دیگر علما و مراجع قصد رفتن به کاظمین و از آنجا به ایران را داشت و سلسله حوادثی دیگر، نایینی از مشروطیت دلسرد شد، ولی به مبارزات خود علیه استعمار و استبداد در عراق ادامه داد. عبدالهادی حائری می‌گوید: «در این رویدادها و ادامهٔ حملات علمای پشتیبان استبداد به مشروطه گران، علمای آزادیخواه راگوشه گیر ساخت، و در این هنگام بود که نیرومندترین محترمترین رهبر روحانی ضد مشروطه، یعنی سید کاظم یزدی به عنوان بزرگترین مرجع تقلید شیعه شناخته شد. البته نایینی هم از قربانیان این حوادث بود، او نه تنها از فعالیتهای مشروطه خواهی کناره جست، بلکه دیگر حتی نام مشروطه را به زبان نیاورد و به هیچ گفتگویی که مربوط به مشروطه بود نیز گوش نداد»

نگاه کنید به: دایرةالمعارف تشیع جلد ۲ ـ صفحه ۲۳۳

## ۸. آیت اللّه سید ابوالحسن موسوی اصفهانی

وی فرزند سید محمد در سال ۱۲۷۷ هجری در یکی از روستاهای لنجان اصفهان بنام «مدیسه» به دنیا آمد. تحصیلات اولیه را در اصفهان گذراند و سپس راهی نجف شد. و در زمره شاگردان آخوند خراسانی و میرزا محمد تقی شیرازی قرار گرفت.

بعد از اشغال عراق از سوی انگلیس، رشید عالی گیلانی نخست وزیر وقت عراق به ایران گریخته و از آنجا رهسپار مصر گردید. امیر عبدالله دایی فیصل و نوری سعید که به اردن پناهنده شده بودند تحت حمایت قوای انگلیس به عراق بازگشتند و در سال ۱۳۴۱ هجری انتخابات فرمایشی برای تشکیل مجلس مؤسسان از سوی فیصل انجام گرفت که علمای شیعه از جمله آیت الله خالصی آن را تحریم کردند در نتیجه مرحوم خالصی به ایران تبعید و به دنبال اعتراض به تبعید و همدردی با خالصی، آیت اللّه اصفهانی نیز همراه مرحوم آیت اللّه نائینی و عده‌ای از فقهای حوزه‌های نجف و کربلا به ایران تبعید شدند. یکی از فتواهای او در خصوص تحریم انتخابات در این کتاب آورده شده است.

نگاه کنید به:

حسن مرسلوند: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران

جلد اول ص ۱۹۲-۱۹۴

## ۹. آیت اللّه سید مصطفی کاشانی

مرحوم حاج سید مصطفی کاشانی فرزند حجت کبریٰ حاج سید حسین کاشانی یکی از علما و مجاهدین بزرگ اوایل قرن چهاردهم هجری است. وی به سال ۱۲۶۰ در شهر کاشان متولد شد و پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی در اوان شباب عازم نجف اشرف گردید، و سالها از حوزه نجف برخوردار گردید. پس عازم سامرا شد و از کرسی درس میرزا شیرازی چند سالی استفاده نمود تا خود به مقام استادی و درجه اجتهاد رسید.

مرحوم کاشانی در فقه و اصول و رجال و حدیث و همچنین در ادبیات و فنون شعری مهارت یافت و در عتبات در ردیف اساتید علما قرار داشت. در جنگ جهانی اول علیه متفقین فتوای جهاد داد و خودکمر همت به میان بست و با تشویق و تحریص وی به اتفاق علما و آیاتی چند در پیشاپیش مردم عازم جبهه جنگ گردید.

وی به سال (۱۳۳۶ ق) رحلت نمود.

نگاه کنید به:

جرفادقانی: از کلینی تا خمینی، ص ۳۳۱

احسن الودیعه: ج ۱ ص ۲۰۵

## ۱۰. آیت اللّه سید ابوالقاسم کاشانی

آیت اللّه کاشانی در سال ۱۳۰۳ هجری قمری در تهران متولد شد و درسن ۱۶ سالگی در خدمت پدرش به عراق عزیمت نمود و در نجف اشرف به تحصیل اشتغال یافت و در محضر آیت اللّه سید مصطفی کاشانی و نیز آیت اللّه حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل و آیت اللّه آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حاضر شد و در سن ۲۵ سالگی به علت قریحه و استعداد فوق العاده به درجه اجتهاد نائل گردید. مراتب علمی و اجتهاد آیت اللّه کاشانی آن چنان مورد تأیید مراجع علمی نجف بود که علمای بزرگی چون آیت اللّه شیخ الشریعه اصفهانی، آیت اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت اللّه سید اسماعیل صدر در نامه‌های خود به تفصیل از مقام علمی ایشان تجلیل کرده‌اند. مقام علمی آیت اللّه کاشانی به آن جا رسید که مرحوم آیت اللّه میرزا محمد تقی شیرازی که مرجع تقلید مطلق شیعیان جهان گردیده بودکلیه موارد استفتائات خود راکه در آنها احتیاط داشتند برای اظهار نظر به آیت اللّه کاشانی می‌داده‌اند که ایشان اظهار نظر کنند.

آیت اللّه کاشانی در آغاز جنگ جهانی اول در صف مقدم علمایی بود که به جبهه‌های نبرد شتافتند. بعد از اشغال عراق از سوی انگلیسی‌ها ، او لحظه‌ای دست از مبارزه و جهاد نکشید او با طرح قیمومیت عراق از سوی انگلیس به شدت مخالفت کرد و به تدارک نهضتی همه جانبه علیه انگلیسی‌ها پرداخت. لذا مأمورین انگلیس وجود او، و تعدادی دیگر از علما را در عراق تحمل نکردند. به همین جهت آیت اللّه کاشانی و سی و چند نفر از علمای دیگر نظیر آیت اللّه

نائینی و آیت اللّه سید ابوالحسن اصفهانی را به ایران تبعید کردند.

نگاه کنید به:

محمد صادق تهرانی: نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی عراق ص ۲۹ - ۴۰

حسین مکی: تاریخ بیست ساله، ج ۲، ص ۳۳۹ - ۳۴۰

## ۱۱. آیت اللّه سید علی تبریزی

آیت‌الله آقای حاج سید علی رضوی تبریزی مشهور به «داماد» از علمای مقیم نجف اشرف، در سال ۱۲۷۵ هـ.ق در تبریز به دنیا آمد. مقدمات را در مدرسهٔ طالبیهٔ آن شهر طی کرد و در سال ۱۲۹۷ هـ.ق در سن بیست و دو سالگی برای تکمیل تحصیلات راهی نجف اشرف گردید.

آیة‌الله داماد در نجف از محضر آیات الله سید حسین کوه کمره‌ای، حاج میرزا حبیب الله رشتی و آقا شیخ هادی تهرانی استفاده نموده و به درجهٔ اجتهاد نایل آمد.

او در اجتماع علمای مهاجر که در شهر کاظمین ـ در اواخر سال ۱۳۲۹ هـ.ق و اوایل ۱۳۳۰ هـ.ق، تحت عنوان مهاجرت به ایران و مبارزه علیه نیروهای اشغالگر روس و انگلیس و اصلاح امور ایران منعقد گردیده بود شرکت فعال نمود.

با اشتعال شعله‌های جنگ «عمومی» اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴ م) مرحوم آیة‌الله مذکور در کنار نیروهای عثمانی در جبههٔ «قرنه» با قشون انگلیس به محاربه پرداخته و مدت نه ماه در آن منطقه در مقابل حملات دشمن دفاع می‌نمود.

نگاه کنید به: محمد ترکمان، اسنادی دربارهٔ هجوم انگلیس و روس به ایران ـ صفحهٔ ۳۹۲

## ۱۲. آیت‌الله سید اسماعیل صدرالدین

وی در سال ۱۲۵۸ هجری در اصفهان متولد شد. پدر او اهل روستایی بنام شدغیث در جبل عامل لبنان بود. اما به اصفهان مهاجرت کرده بود. وی سالها در محضر مجتهدینی نظیر سید محمد علی معروف به آقا مجتهد و شیخ باقر بن شیخ محمد تقی اصفهانی تلمذ کرد. در سال ۱۲۸۱ برای حضور در محضر درس شیخ مرتضی انصاری به نجف رفت، اما در حین ورود به کربلا خبر رحلت شیخ مرتضی انصاری را شنید. لذا در محضر درس شیخ جعفر کاشف الغطاء حضور یافت. در سال ۱۳۱۴ برای حضور در درس آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی به سامراء رفت. وی در هیجدهم ماه جمادی الاول سال ۱۳۳۸ ه. ق در کاظمین وفات یافت.

نگاه کنید به:

اعیان الشیعه، جلد ۳ ص ۴۰۳

مکارم الآثار، جلد ۵ ص ۱۵۶۵ و ۱۵۶۶

## ۱۳. آیت اللّه حاج سید عبدالحسین لاری

وی از علماء و مجتهدین اعلم جنوب و از طرفداران جدی مشروطه بود که از بدو ظهور انقلاب مشروطیت در ایران حکم جهاد علیه مستبدین مخصوصاً محمد رضا خان قوام الملک را صادر کرد و مکرر با مستبدین جنگید و در سال ۱۳۲۶ هجری یعنی در زمان استبداد صغیر به مرحوم سید مرتضی مجتهد اهرمی دستور داد که بوشهر را از تصرف مستبدین و طرفداران محمد علی شاه خارج کند و او نیز کمک مرحوم رئیسعلی دلواری و میرزا علی کازرونی چنین کرد.

نگاه کنید به:

محمد حسین رکن زاده آدمیت: فارس و جنگ بین‌الملل
جلد ۲ ص ۳۵۵ و ۳۵۶

## ۱۴. آیت الله سید محمد سعید حبّوبی

وی از فقهای بزرگ مجدّد و نیز از معاریف شعرای عرب و اجله علماء بلاغت و ادب بوده است. او اولین کسی بود که فتوا به تأسیس مدارس جدید در بغداد ، به منظور آموزش زبانهای خارجی ، صادر کرد. وی از خانواده نجفی الاصل و مشهور و از بزرگان تجار بود و مجاهدین را در جبهه الشّعبیه فرماندهی می‌کرد. او پس از شکست در جنگ و بازگشت به منطقه، در نزدیکی شهر ناصریه در منطقه‌ای به نام «دارالجهاد» در دوم شعبان ۱۳۳۳ قمری درگذشت و درگذشت وی صدمه بزرگی به حرکت جهاد عراق وارد ساخت.

نگاه کنید به:

مکارم الآثار : جلد ۵ ص ۱۸۲۱- ۱۸۲۲

احسن الودیعه: جلد ۱ ص ۲۰۰

تاریخ حرکت اسلامی در عراق: ص ۱۶۳

## ۱۵. آیت اللّه سید حسن صدر

صدرالدین سید حسن فرزند سید هادی یکی از اکابر علمای امامیه در قرن اخیر بود. صدرفقیهی کامل حکیمی متکلّم، مجتهدی اصولی و عالمی بارع و خدا دوست بود. معظم له عموزاده آیت الله صدر شهید و آقای آقا موسی صدر است. سید حسن صدر قبل از بلوغ مقدمات علوم فقهی را به پایان برد و در سنین جوانی به درجه اجتهاد رسید. او در فقه و اصول و علم کلام و حکمت و علم رجال و حدیث تبحر داشت. از آثار معروف او کتاب «تأسیس الشیعه» است که مجلدات متعدد آن معرف رجال اسلام و شخصیتهای علمی جهان تشیع می‌باشد. وی در ۱۱ ربیع الاول سال ۱۲۵۴ در سن ۸۲ سالگی وفات نمود.

نگاه کنید به:

م. جرفادقانی: از کلینی تا خمینی ص ۳۶۴-۳۶۵

## ۱۶. آیت اللّه آقا میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی

صاحب اعیان الشیعه راجع به وی نوشته است:

او عالمی فاضل و عارفی مسلط به اصول و فروع و معقول و منقول بود. سیرت و خُلق نکویی داشت. وی در ۱۸ ذیحجه سنه ۱۲۷۴ در کاظمیه متولد شد و در همان شهر به سال ۱۳۴۲ هجری وفات یافت. او اصالتاً اهل ایران و منتسب به قریه سلماس از قرای آذربایجان بود.

نگاه کنید به:

اعیان الشیعه، جلد ۳ ص ۱۱۲

## ۱۷. آیت اللّه شیخ مهدی خالصی

وی در شهر کاظمیه در سال ۱۲۷۶ هجری متولد شد و در سنه ۱۳۴۳ در شهر مقدس مشهد وفات یافت او سالها در نجف، کاظمیه و سامراء در نزد علمای بزرگ نظیر شیخ عباس جصانی و شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب اللّه رشتی و آیت اللّه میرزا محمد حسن شیرازی تلمذ کرد.

در جنگ جهانی اول به همراه علمای دیگر فتوای جهاد داد و خود شخصاً با علما و مراجع به میادین جنگ شتافت.

بعد از شکست مجاهدین و اشغال عراق از سوی انگلیس وی و جمع دیگری از علما دستگیر و به خارج از عراق تبعید شدند، او ابتدا به عدن تبعید شد و سپس خود به قصد حج به مکه مشرف و بعد از آن به ایران مهاجرت کرد و تا پایان عمر در شهر مقدس مشهد اقامت گزید.

نگاه کنید به:

اعیان الشیعه، جلد ۱۰ ص ۱۵۷

احسن الودیعه جلد ۲ ص ۱۲۲

## ۱۸. آیت اللّه شیخ باقر شیخ حیدر

وی در نجف متولد شد. نسب او به قبیله منتفِق که یکی از قبایل مشهور عراق بود می‌رسید. سالها در محضر درس آیت‌اللّه آخوند خراسانی تلمذ کرد، مدتی نیز به سامراء مهاجرت کرد و در درس آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی حضور یافت. بار دیگربرای تکمیل علم اصول به محضر درس آخوند خراسانی درنجف شتافت، وی در جنگ جهانی اول به همراه علما و جمع کثیری از مردم برای مقابله با تجاوزات انگلیسی به جبهه جنگ شتافت اما در دومین سال جنگ در ماه محرم سنه ۱۳۳۳ وفات یافت.

نگاه کنید به:

اعیان الشیعه جلد ۳ ص ۵۳۶

## ۱۹. آیت اللّه محمد علی نخجوانی

صاحب احسن الودیعه راجع به او می‌نویسد:

وی یکی از مشاهیر علم و کمال و دانشمندی فقیه و اصولی و مجتهدی بی‌نظیر بود. او بعد از علامه طباطبایی صاحب عروة‌الوثقی؛ در عراق به زعامت فرقه امامیه رسید. او سالها در محضر آیت اللّه میرزا محمد حسن شیرازی تلمذ کرد. بعد از اشغال عراق توسط انگلیسی‌ها همراه علمای دیگر از سامراء به شهر کاظمیه مهاجرت کرد و مدتی در آنجا اقامت گزیده به مبارزه پرداخت. وی در دوران انقلاب اسلامی عراق علیه انگلیسی‌ها در شهر نجف به سال ۱۳۳۹ وفات یافت.

نگاه کنید به:

احسن الودیعه جلد ۱ ص ۲۱۲

# پیوست ۲

## عکسها و تصاویری از علماء و مراجع عظام




از چپ به راست آیت الله آخوند ملا کاظم خراسانی ، آیت الله حاج میرزا خلیل تهرانی، آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی.



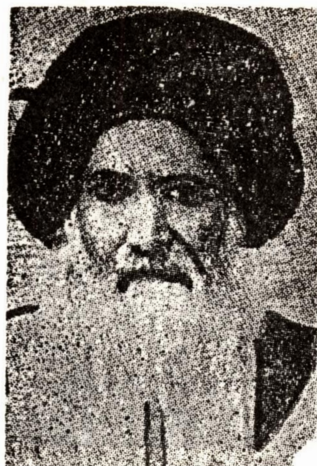
گروه علمای مجاهدین در هنگام خروج از کاظمین بطرف جبههٔ نبرد
از راست به چپ ، ۱ . آقا میرزا مهدی آخوند، ۲. آیت الله شیخ جواد جواهری، ۳. آیت الله سید محمد سعید حبوبی، ۴. آیت الله سید مصطفی کاشانی، ۵. آیت الله سید علی داماد، ۶. سید محمد آیت الله زاده یزدی، ۷. سید محمد علی بحر العلوم ، ۸. شیخ اسحق رشتی ردیف عقب نفر وسط آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی پشت آیت الله سید مصطفی کاشانی.







۱. آیت الله سید محسن امین
۲. آیت الله میرزا حسین نائینی
۳. آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء







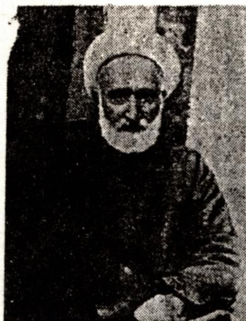
۱. آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی
۲. آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی
۳. آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی در میان دو فرزندش سید محمود و سید محمد



آیت الله سید مصطفی کاشانی



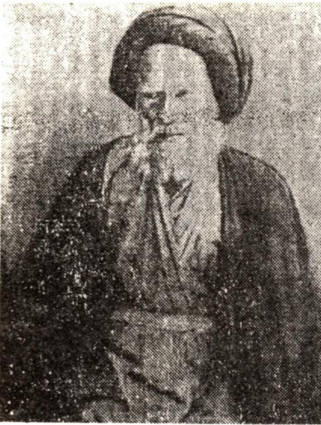
آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی سمت چپ و
آیت الله سید محمدتقی خوانساری

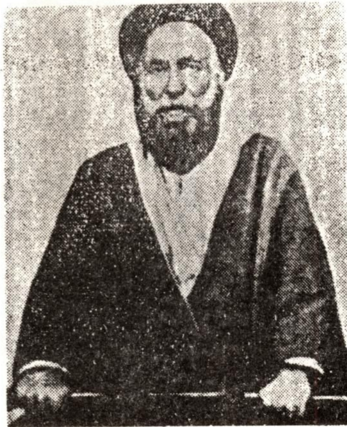




۱. آیت الله میرزا محمدرضا فرزند آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی
۲. آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی (میرزای مجاهد)

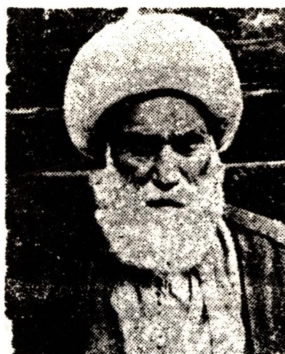


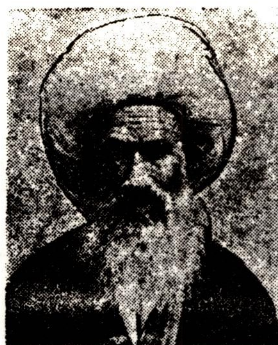




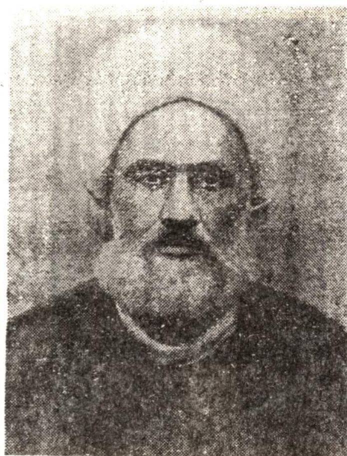
۱. آیت الله سید هبة الدین شهرستانی
۲. آیت الله سید مهدی سید حیدر (سید مهدی حیدری)
۳. آیت الله سید محمد سعید حبوبی

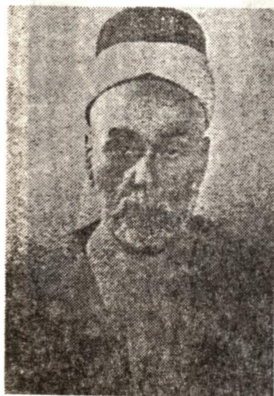


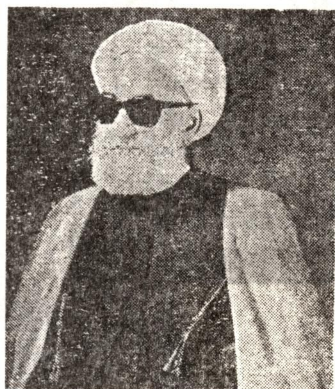




سه تن از اعضای هیئت علمیه دینیه
۱. آیت الله شیخ عبدالکریم جزائری
۲. آیت الله شیخ محمد جواد صاحب جواهر
۳. آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی

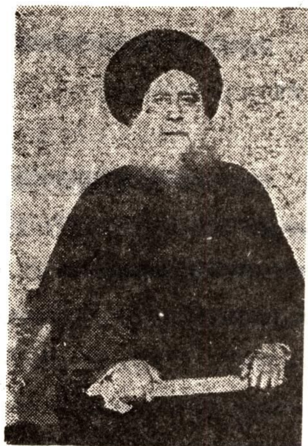






۱. آیت الله شیخ مهدی خالصی
۲. آیت الله شیخ محمد خالصی زاده
۳. شیخ محمدرضا خالصی







۱. آیت الله سید حسن صدر
۲. آیت الله سید صدرالدین صدر
۳. آیت الله شیخ محمدرضا آل یاسین

# فهرست اسامی اماکن

## فهرست اسامی اشخاص

ح



خ



د



ر